

# حق حیات (۲)

مسئله اعدام‌های زیر ۱۸ سال در ایران

ریشه‌ها و چاره‌های  
فرهنگی و فقهی

---

---

عمادالدین باقی



انجمن پاسداران حق حیات

پیشکش

به همه تلاشگران پایان بخشیدن

به کشتار انسان به دست انسان

در لوای قانون

# فهرست مطالب

طرح پژوهش

## بخش اول

ریشه ها و چاره های فرهنگی و فقهی اعدام کودکان زیر ۱۸ سال در ایران

درآمد

هدف پژوهش و اتکای زبانشناختی

دشواری ها و چکیده و فهرست قواعد

تئوری پایه

مسئله

تحلیل مسئله

حجیت عرف، کشورهای اسلامی و مجازات اعدام زیر ۱۸ سال

سن و مسوولیت کیفری

سیطره فقه و آراء فقها بر قانون

دیدگاه فقهای معاصر درباره رژیم حقوقی خاص نسبت به مجرمین کمتر از ۱۸

سال

تطبیق حکم کلی قصاص با کودکان و نوجوانان

تمسک به قاعده تخفیف

بلوغ

بلوغ و عقل

معیار تکلیف و معیار کیفر

تفاوت رشد و بلوغ و دلیل شرطیت رشد برای مجازات

قانون مدنی

اهلیت ازدواج و اهلیت مجازات

طیف بلوغ و معدل سنی ۱۸ سال

تمایز بلوغ شرعی و بلوغ مدنی

منع قصاص برای قتل های اتفاقی

وراثت و محیط

کودکان مجرم، محصول و قربانی اجتماعی شدن نادرست

قاعده درء

شبهه، استثنا یا قاعده

قاعده سلطه

قاعده آسانگیری

اولویت منع اعدام کودکان نسبت به کودکان جنگی

قاعده فطرت

استفاده از اصل تعلیق مجازات

مصلحت قصاص

جمع بندی

پاورقی

## بخش دوم

### گزارش ۱۸۰ مورد احکام اعدام در دهه ۱۳۷۷-۱۳۸۷

استنتاج های داده های بخش دوم

جدول احکام اعدام اجرا شده در دهه ۷۶-۸۶

شرح برخی از پرونده های احکام اعدام اجرا شده در دهه ۷۶-۸۶

جدول عفو، توقف اجرا یا نقض حکم

شرح برخی از پرونده ها

جدول منتظرین اعدام در سال ۱۳۸۷ که هنگام وقوع جرم زیر ۱۸ سال داشتند

شرح برخی از پرونده های منتظرین اعدام

نقدهای حقوقی آراء صادره

منابع

## طرح پژوهش

### وضعیت نظری و عملی اعدام‌های زیر ۱۸ سال در ایران

#### عنوان و خلاصه طرح

خشونت علیه کودکان در ایران اشکال متنوعی دارد. پیشتر نگارنده در پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی پایمال‌سازی حقوق کودکان در ایران» (فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی. دانشگاه علوم بهزیستی شماره ۱۶ بهار ۱۳۸۴) به شناسایی و توضیح نظری و آماری ۹ گونه (TYPOLOGY) از آن پرداخته است. این پژوهش در پی بررسی و تحلیل نظری و آماری نوع دیگری از خشونت علیه کودکان (گونه دهم) در ایران است. این نوع خشونت که تحت عنوان اعدام‌های زیر ۱۸ سال در ایران مطرح می‌شود در قیاس با سایر انواع آن، از جنجالی‌ترین موضوعات نقض حقوق بشر در سطح بین‌المللی است.

#### چارچوب طرح

این تحقیق در دو بخش انجام می‌شود. بخش نخست: ریشه‌های فرهنگی و مبانی نظری اعدام کودکان در ایران و همچنین نقد این مبانی و ارزیابی راه حل حل حقوقی - فقهی آن. در این

بخش به بیان برجسته‌ترین آراء و نظرات حقوق اسلامی (فقه) در میان علمای اسلامی و نقد آنها و ارایه راه حلی درون دینی پرداخته می‌شود. **بخش دوم:** شامل ارایه گزارش درباره اعدام کودکان است. در این بخش به تفکیک سال، سن، جنس، جرم و... به ارایه داده‌ها و آمار و ارقام مربوط به کودکان اعدام شده در ایران و منتظرین اعدام زیر ۱۸ سال با ذکر نام و مشخصات افراد پرداخته می‌شود. دوره زمانی پیش بینی شده برای آن از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶ است.

### بیان مسأله

- ۱- در ایران علیرغم پذیرش میثاق بین المللی مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک اما همچنان حکم اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال صادر یا اجرا می‌شود.
- ۲- دلایل و زمینه‌های مذهبی، فرهنگی و حقوقی ادامه صدور احکام اعدام کودکان چیست؟
- ۳- آیا راه حلی برای مشکل (این نوع خشونت علیه کودکان) وجود دارد؟
- ۴- واقعیت و چند و چون احکام صادر شده در ده سال گذشته چیست؟

### ضرورت تحقیق

به نظر می‌آید برای حل مشکل این نوع خشونت علیه کودکان، بزرگترین مانع، وجود تفکر سنتی فقهی است و تنها راه حل آن ارایه اجتهادی نو برای تاثیرگذاری بر نظام قانون‌گذاری در این زمینه است.

همچنین به دلیل عدم ارائه اطلاعات آماری لازم و عدم تمرکز اطلاعات احکام صادر و اجرا شده، ابعاد مسئله چنانکه بایسته است برای دست اندرکاران روشن نیست. سازمانهای بین المللی نیز غالباً اطلاعات ناقصی در این زمینه دارند. یکجا آوری این داده ها می تواند حجم مشکل را بخوبی نمایش داده و زمینه را برای توجه با راه حل های حقوقی و فقهی مناسب سازد.

## اهداف

حساس سازی افکار عمومی نسبت به این نوع خشونت علیه کودکان.

حساس سازی دستگاه قانونگذاری.

ارائه دیدگاه فقهی نو برای تسهیل حل مشکل.

تاثیر بر دستگاه قانونگذاری.

## بررسی سابقه موضوع، همراه با ذکر منابع و نوآوری این طرح

هر چند که به صورت پراکنده و غیر مستقیم مطالبی در خصوص موضوع مورد بررسی این طرح مطرح شده است، ولی کار پژوهشی منظم و دقیقی در این خصوص انجام نشده است. در بعد نظری به دلیل اینکه تاکنون به عنوان یک مسئله مستحدثه در فقه مطرح نبوده است لذا تتبع و اجتهادی در این زمینه صورت نگرفته و در نتیجه در سنت فقهی متقدم و متاخر هیچ بحث مستقل یا حاشیه ای نیز در زمینه منع اعدام کودکان زیر ۱۸ سال وجود ندارد و همین امر یکی از دشواری های تحقیق بود زیرا در این زمینه باید به جای مراجعه به منابع و نظریات دیگران و بررسی آنها باید

نخست به تولید نظریه و ادبیات موضوع و تاسیس بحث پردازد. در بخش دوم تحقیق نیز کاری با مشخصات مورد نظر تاکنون انجام نشده و کل آن ابتکاری و نوآورانه بوده است. در این مورد دو گزارش ناقص منتشر شده که یکی به قلم نگارنده بوده و پیشتر در در روزنامه های هم میهن ۱۹ خرداد ۱۳۸۶ و اعتماد ملی ۸۶/۵/۷ و سایت های خبری همان ایام عرضه شده و در این تحقیق به توسعه و تکمیل و تدقیق آن پرداخته ایم. دومی نیز گزارشی از عفو بین الملل در ژوئن سال ۲۰۰۷ با عنوان «ایران: آخرین اعدام کننده کودکان» بوده که با همکاری نگارنده فراهم آمده و بخشی از داده های نظری و آماری آن برگرفته از مقالات و مکاتبات خصوصی نگارنده با سازمان عفو بین الملل بوده است. منابع تحقیق نیز در پایان آن آمده است.

### **کاستی ها و خلاء های موجود در عرصه پژوهش پیرامون موضوع اعدام کودکان در ایران**

- ۱- فقدان منابع فقهی مشتمل بر بحث تخصصی در زمینه اعدام های زیر ۱۸ سال.
- ۲- فقدان منابع فارسی در زمینه چگونگی برخورد کشورهای اسلامی با مسئله اعدام های زیر ۱۸ سال و دلایل فقهی که برای روش اتخاذ شده خود داشته اند.
- ۳- فقدان پشتوانه تئوریک فقهی: بدون شک در زمینه جلوگیری از اعدام کودکان باید هر کاری از دستمان برآمد از قبیل جلب رضایت اولیای دم انجام دهیم ولی ادامه روش جلب رضایت کاری بسیار دشوار است. هر روز

باید تلاش وسیعی توسط عده زیادی انجام شود و پولی برای ارضای مطامع عده ای فراهم کنند و با وجود اینکه میزان دیه در قانون مشخص شده اما عده ای هر مبلغ و میزانی که دلخواه شان باشد تعیین می کنند. افرادی هم که داوطلب تامین پول هستند نادرند و پس از چند بار این راه نیز به بن بست می رسد. از این رو باید چاره اساسی تری اندیشید و آن هم توقف صدور و اجرای حکم اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال است. به نظر نگارنده یکی از کارهای موثر این است که مقامات قضایی و پارلمانی احساس کنند این احکام، غیر شرعی و غیر انسانی بوده و باید متوقف شود و این امر نیازمند کار اقناعی است. آنچه مشکل اعدام کودکان را بطور اساسی حل می کند تصویب قانونی صریح در مورد منع اعدام های زیر ۱۸ سال است که این کار نیازمند پشتوانه تئوریک است و در تحقیق انجام شده کوشش شده این نیاز برآورده شود.

۴- فقدان تعریف روشنی از مسئله بلوغ و سن بلوغ و تفاوت گذاری میان سن تکلیف شرعی و سن مسئولیت کیفری در منابع فقهی و حقوقی و در قوانین موجود.

۵- فقدان منابع کافی در زمینه تبیین فیزیولوژیک و روانشناختی کودک و نوجوان و ارتباط آن با تصمیمات و کنش های ویژه این سنین و وضعیت رشد عقلی.

۴- با توجه به اینکه در علم روانشناسی و روانپزشکی انواعی از جنون و اختلالات روانشناختی شناسایی شده اند که در برخی از آنها رفتار فرد به ظاهر طبیعی و نورمال است اما یکی از نتایج مبتلایان آنها، ارتکاب قتل بوده است اما در منابع فارسی، اطلاعات کافی در این زمینه وجود ندارد

و در نتیجه در علم حقوق توجه لازم به انواع اختلالات روانی که رافع مسئولیت کیفری است نشده و ممکن است کودکان و نوجوانان نیز مبتلایان به برخی از این اختلالات باشند.

۵- فقدان اطلاعات رسمی و روشن درباره سن محکومان به اعدام که در نتیجه آن عده ای از محکومان زیر ۱۸ سال شناسایی نمی شوند. همچنین عدم انتشار خبر کلیه اعدام های انجام شده به مغفول ماندن برخی از اطلاعات دامن می زند.

۶- یکی از مهم ترین ضرورت ها، بررسی و نقد حقوقی آرا صادره محاکم است که به جلوگیری از سهل انگاری در صدور احکام کمک می کند اما در این زمینه در سالهای گذشته در مطبوعات شاهد نقد حقوقی آرا نبوده ایم. این در حالی است که مطبوعات باید به جای اکتفا به خبرهای کوتاه و ناقص، برخی از آراء را چاپ و در اختیار افکار عمومی قرار دهند تا امکان نقد و بررسی آنها فراهم شده و محققان در زمینه اعدام کودکان، دسترسی به آراء و نقد آنها داشته باشند.

### نتایج کار بردی طرح

این موضوع موضوعی مناقشه برانگیز و جدلی است. این طرح بیشتر جنبه اکتشافی دارد و تلاش می کند تا با روشی علمی ابعاد مسئله را روشن نمایند و به فهم بهتر مسئله و ارائه راههای حقوقی در این زمینه کمک نمایند.

### فرضیات تحقیق

با توجه به اینکه درست گرایان و نیز در نهاد قانونگذاری به ویژه شورای نگهبان تصور می شود که سن مسئولیت کیفری کودکان همان سن بلوغ است و لغو اعدام زیر ۱۸ سال با شریعت مغایرت دارد لذا قانون وحدت سن کیفری و بلوغ همچنان جریان دارد مهم ترین فرضیه تحقیق این است که با اجتهادی نو و بامنطق درون دینی کاملاً می توان نشان داد که لغو اعدام کودکان نه تنها هیچ مغایرتی با شرع ندارد که با موازین دینی منطبق تر است.

با اثبات این فرضیه راه برای یکی از مهم ترین انواع خشونت علیه کودکان هموار می شود.

### برخی واژگان کلیدی

Criminal Responsibility مسئولیت کیفری

adulthood or Maturity بلوغ

Sexual Maturity بلوغ جنسی

Menstruate احتلام

execution اعدام، ghesas قصاص

human right حقوق بشر

obligation تکلیف

growth رشد

The principle of domination قاعده سلطه

nature or intrinsic فطرت

easygoingness آسانگیری

suspension of the punishment تعلیق مجازات

روش تحقیق (شیوه جمع آوری اطلاعات): کتابخانه‌ای - اسنادی

- میدانی

کتابخانه‌ای: مراجعه به آرشیو ده ساله روزنامه‌های کشور برای شناسایی محکومان و پرونده ارتکاب جرم و نیز استفاده از کتابهای مرتبط با بخش اول تحقیق.

اسنادی: تلاش برای به دست آوردن احکام صادره دادگاه برخی از محکومان.

میدانی: شناسایی محکومان و خانواده آنان در هر نقطه از کشور که امکانپذیر شود و انجام مصاحبه برای تکمیل اطلاعات.

### داستان زمان و نحوه اجرای پژوهش

این تحقیق در سال ۱۳۸۵ آغاز شد و نخستین بار بخش هایی از آن که آماده تر بود و به رشته تحریر در آمده بود در *دو صفحه کامل روزنامه هم میهن در تاریخ شنبه ۱۳۸۶/۳/۱۹ منتشر شد*. همزمان با آن بخش نظری مقاله (با حذف بخش جدول ها) بطور کامل در سایت خبرگزاری ایلنا و بخش هایی نیز در روزنامه شرق انتشار یافت. *پس از آن همکاران سازمان عفو بین الملل آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده و انتشار دادند و در برخی بیانیه های رسمی سازمان نیز بدان ارجاع دادند*. اجرای تحقیق در چارچوب پیش بینی شده در طرح تحقیق پیش می رفت اما در خلال کار با حادثه ناگهانی بازداشت اینجانب در ۲۲ مهرماه ۱۳۸۶ مواجه شد. در سه ماه و یک هفته از دوره حبس امکان ادامه تحقیق به نحو مطلوب میسر نبود. در دوماه و نیم نخست که در سلول کاملاً بسته و بدون کتاب و روزنامه و کاغذ و قلم و... و در ایزوله کامل بسر می بردم یکی از مهم ترین مشغولیت های ذهنی ام پرسش های این تحقیق بود و در شرایط فشار روانی و شکنجه سفید، می کوشیدم از آن وضعیت به عنوان فرصتی برای تاملات عمیق تر و چاره جویی ها درباره مشکل اعدام کودکان زیر ۱۸ سال استفاده کنم. در اختیار داشتن تنها یک نسخه قرآن، فرصتی ایجاد کرد که به دو دور مطالعه دقیق و کامل قرآن با تمرکز بر مسائل این تحقیق بپردازم. با گذشت یکماه و نیم در سلول بسته پس از صدور مجوز دریافت چند نسخه کتاب، از دو منبع که برای همین منظور به همراه خود برده بودم اما در بدو ورود از من گرفته بودند و آن را پس از یکماه و نیم مرجوع داشتند بهره مند شدم. پس از بروز دو حمله و

انتقال به بیمارستان سرانجام با پشت سر نهادن دوماه و نیم حبس در سلول بسته به زندان نسبتاً عمومی منتقل شده و امکان استفاده از برخی تفاسیر فراهم شد و در نتیجه یادداشت‌هایی برای تکمیل بخش اول تحقیق فراهم گردید که به محض فرستادنم به مرخصی استعلاجی این یادداشت‌ها را در فرصت چند هفته‌ای مرخصی به تحقیق افزودم. دستیاران تحقیق نیز در مدت غیاب و حضور من طبق برنامه کاری و مدلی که برایشان ترسیم شده بود به بررسی روزنامه‌های دهه گذشته و یادداشت برداری در جداول خامی که در اختیارشان قرار گرفته بود اشتغال داشتند و در ایام مرخصی استعلاجی دوماهه به بازبینی و تصحیح و کنترل آنها و تنظیم و تحلیل شان پرداختم. حاصل کار با توجه به شرایط غیر عادی که ذکر شد به نحوی که مشاهده می‌شود در آمده است. در میان ایام حبس من، *کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران* که نسخه‌ای از کتاب را در اختیار داشت در ۲۹ خرداد ۱۳۸۷ بیانیه‌ای را تحت عنوان «انتشار اولین سیاهه از اسامی نوجوانان مجرم که با حکم اعدام مواجه هستند» درباره این کتاب صادر کرد. از زمان انتشار اولیه در خرداد ۱۳۸۶ مطالب آن توسط برخی افراد مورد استفاده قرار می‌گرفت. همچنین نسخه‌های متعددی تکثیر و در اختیار صاحب‌نظران و تعدادی از نمایندگان و قضات و مقامات قضایی و علمای تهران و قم قرار گرفت تا در تصمیمات و نظرات ارائه شده مورد توجه قرار گیرد. همچنین روزنامه اعتماد یکشنبه ۲۴ آذر ۱۳۸۷ مقارن با به جریان افتادن رسیدگی به لایحه تشکیل دادگاه اطفال در مجلس، بخش‌هایی از کتاب پیش رو را در دو صفحه کامل انتشار داد. گرچه این کتاب امکان انتشار عمومی تر به زبان

فارسی را نیافت اما به همراه جلد نخست آن با پیگیری های کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران و توسط شبکه عربی حقوق بشر ( مستقر در قاهره) به زبان عربی ترجمه و به صورت چاپی و اینترنتی انتشار یافت و همزمان، فایل فارسی آن نیز به صورت اینترنتی در دسترس پژوهشگران و علاقمندان قرار گرفت.

### مشکلات تحقیق

مشکلات بخش اول: هنگامی که ایده تحقیق در زمینه ریشه ها و چاره های فقهی اعدام کودکان در ایران را در ذهن می پروراندم هیچ منبع فقهی به عنوان پایه بحث وجود نداشت. در چنین تنگدستی نظری، به برخی از دوستان صاحب نظر در حوزه و روحانیون محقق و مجتهد مراجعه کرده و ایده ام را مورد بحث قرار دادم تا سرنخ هایی برای تحقیق فراچنگ آورم، اما مع الاسف همگان آهنگ یأس سروده و بر آن بودند که در این زمینه هیچ آیه و روایت و سنت و خبر تاریخی که بتوان مورد استناد و اتکا قرار داد وجود ندارد و آنچه در متون کلاسیک فقهی ما یافت می شود چیزی جز همین فتاوی موجود مبنی بر اعمال کیفر علیه افراد پس از رسیدن به سن بلوغ جنسی موجود نیست. این مشکل طبیعی بود زیرا اصل مسئله سابقه ای در فقه و نظام حقوقی اسلام نداشت و مسئله ای تازه و مستحدثه و نیازمند اجتهادی نوین بود. در عین حال پژوهش آغاز گردید و پس از بررسی های فراوان و بر خلاف انتظار خویش، دلایل چندی برای ممنوعیت اعدام زیر ۱۸ سال بلحاظ فقهی اقامه شد که بجز پاره ای دلایل جزئی یا فرعی، ۱۲ اصل وقاعده را استنباط کرده ام که به اتکای آن با قاطعیت می توان اظهار داشت، اعدام کودکان زیر ۱۸ سال نه تنها عاری از

مبنای محکم حقوقی و فقهی است بلکه مبانی ودلایلی بر ضرورت لغو آن دلالت می کنند.

مشکلات بخش دوم: بخش دوم حایز مشکلات عدیده ای بود: ۱- یکی از مشکلات این بود که برخی از روزنامه های مورد مراجعه، پیشتر توقیف شده و در دسترس نبودند و دفتر دایر نداشتند و باید به آرشیو کتابخانه های مهم مراجعه می شد. ۲- برخی از روزنامه ها مانند ایران و کیهان و . . نیز برای مراجعه ما حایز اهمیت بودند لیکن به دلیل نگاه امنیتی و حساسیت های حاکم بر آنها در زمینه مطالعات و فعالیت های حقوق بشری، ورود محقق به آنجا و استفاده از آرشیویشان مشکل و بل به طرق عادی غیر ممکن بود لذا برای بهره گیری از آنها گزیری جز استفاده از آرشیو کتابخانه های مهم و نیز آرشیو اینترنتی وجود نداشت. ۳- نقصان آرشیو اینترنتی برخی از روزنامه ها و نیز کمبود سرعت اینترنت و زمان بر بودن بارگیری (دانلود) آنها و همچنین فقدان اسناد (document) ماهها یا سنوات گذشته برخی از روزنامه ها در اینترنت کار مطالعات اسنادی در مطبوعات را مشکل می کرد. ۴- برای استفاده از منابع کتابخانه ها نیز مشکلاتی وجود داشت. زیادتی حجم کار و ضرورت مراجعات مکرر در یک فرایند چندماهه، کنجکاوی و حساسیت برخی کارکنان کتابخانه را بر می انگیخت. با توجه به تغییرات پرسنل اداری تا پایین ترین سطوح و نیز نگرانی برخی از پرسنل از مواخذه های غیر منطقی در آینده، محقق گاهی با پرسش های آنان درباره چند و چون تحقیق مواجه می شد و دلوپسی های امنیتی در خصوص ادامه تحقیق بر آنها سایه می افکند در حالی که عرف کتابخانه ها در همه جهان این است که به محقق، بدون تجسس

درباره موضوع تحقیق او خدمات می دهند و صرف نظر از اینکه موضوع تحقیق چیست و خوشایند دولتمردان هست یا نه وظیفه ارایه خدمات را بر عهده دارند. این تحقیق نیز کاری عادی و در چارچوب حقوق و تکالیف شهروندی محقق انجام شده و به اسناد و منابع آشکار و منتشر شده مطبوعاتی مراجعه کرده و دلیل برای ابراز کنجکاوی و حساسیت وجود نداشت. ۵- برای تحلیل حقوقی و درک دقیق تر احکام صادره لازم بود برخی از احکام را عینا در اختیار داشته باشیم و این کار نیز دشوار و نیازمند تماس با خانواده محکومان و یا وکلای آنها برای استنساخ احکام بود. ۶- یکی دیگر از مشکلات که جنبه محتوایی داشت این بود که فردی ۸ یا ۱۰ سال پیش بازداشت و در طول چند سال، چند بار خبری درباره او یا محاکمات یا نقض حکم و... وی در مطبوعات چاپ شده و هر بار در گزارش همان سال خبرش را آورده بودیم و دچار تکرار شده بود، از سوی دیگر در هر خبر نیز اطلاعات تازه ای وجود داشت و ذکر یک منبع کافی به نظر نمی آمد. در چند مورد نیز خود برای آزمایش دقت کار، به صورت تصادفی برخی روزنامه های گذشته را انتخاب و مرور کردم که مطمئن شوم داده های لازم از قلم نیفتاده است و به این ترتیب هم پاره ای از اشکالات مرتفع می شد.

### پیشنهادهایی برای کاربرد نتایج پژوهش

مقاله: برای انتشار در مطبوعات به منظور ترویج ادبیات حقوق بشر در زمینه حقوق کودکان.

کتاب: برای انتشار و تولید ادبیات و کار ترویجی و تهیه اسناد ومنابعی برای سایر محققان که بر افکار پژوهشگران حقوق اسلامی و حقوق بشر و نیز قانونگذاران موثر است.

نرم افزار: انتشار مجموعه بصورت سی دی وخصوصا جداول آماری و تحلیل آنها به صورت نرم افزاری.

ترجمه: با توجه به اینکه معضل حقوق کودکان در برخی از کشورهای اسلامی نیز وجود دارد ترجمه حاصل پژوهش به زبانهای عربی و (حتی انگلیسی) پیامدهای مطلوبی در بر دارد.

همچنین اگر به عنوان کتاب به زیور طبع آراسته نشد می توان در تیراژ محدودی برای نمایندگان دوره بعدی مجلس ومقامات قضایی و برخی حوزویان ارسال داشت تا زمینه ذهنی شان را برای دفاع درون دینی از لایحه رسیدگی به جرایم اطفال (که در آن سن ۱۸سال را سن مسئولیت کیفری تعیین کرده است) تقویت کند.

# بخش اول

## ریشه ها و چاره های فرهنگی و فقهی اعدام کودکان زیر ۱۸ سال در ایران

### درآمد

نماینده ویژه سازمان ملل در امر اعدام‌های غیرقضایی، صحرایی و خودسرانه، در روز ۲۸ مارس ۲۰۰۷ (۸ فروردین ۱۳۸۶) بیانیه‌ای در اعتراض به اعدام کودکان مجرم در ایران صادر کرد. هرچند اطلاعات فیلیپ آلستون نماینده ویژه سازمان ملل ناکافی بود و در گزارش او از ۱۵ نفر سخن رفته بود اما ایران متهم شد که دارای بیشترین احکام اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال است. این در حالی است که ایران میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی را که در بند ۵ ماده ۶

آن اعدام افراد زیر ۱۸ سال ممنوع شده امضا کرده و در اسفند ۱۳۷۲ (سال ۱۹۹۴) ایران کنوانسیون حقوق کودک را نیز پذیرفته و طبق آن متعهد شده است که دیگر مجازات اعدام را در مورد جرم‌هایی که توسط افراد زیر هیجده سال انجام می‌گیرد، اعمال نکند. طبق ماده ۹ قانون مدنی و نیز ماده ۲ میثاق که توسط ایران امضا شده این میثاق و کنوانسیون در حکم قوانین داخلی به شمار می‌آیند.

از سویی در ایران اولین قانون دادگاه اطفال در تاریخ ۱۳۳۸ تصویب و اجرا شده است. پس از انقلاب این قانون در عمل جاری نبود و کودکان در دادگاه عمومی محاکمه می‌شدند. «قانونگذار پس از انقلاب اسلامی، کودکانی را که به حد بلوغ شرعی نرسیده‌اند، فاقد مسؤولیت کیفری و غیر قابل مجازات دانست. در حال حاضر مطابق تبصره‌های مواد ۲۹۵ و ۳۰۶، جنایت عمدی کودک در حکم خطای محض بوده و عاقله وی مسؤول پرداخت دیه، یعنی جبران خسارت جنایت صورت گرفته توسط غیر بالغ هستند. ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، اطفال را در صورت ارتکاب جرم، میرا از مسؤولیت کیفری دانسته، تربیت آنان را با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء، قانون اصلاح و تربیت قرار داده است. در تعیین مفهوم طفل، تبصره یک ماده ۴۹، سن مشخصی را برای تشخیص طفل در نظر نگرفته و بلوغ شرعی را مرز میان کودکی و کبر دانسته است.» در سال ۱۳۸۲ آیت‌الله شاهرودی طی بخشنامه‌ای از تمام قضات خواست صدور احکام اعدام زیر ۱۸ سال را

متوقف کنند. پس از این دستور هر چند روند صدور و اجرای این احکام مدتی کاهش یافت اما قضاات به بهانه اینکه بخشنامه، اعتبار و قوت قانون را ندارد و این دستور هنوز هم بصورت قانون از تصویب مجلس و شورای نگهبان نگذشته است به صدور این احکام ادامه دادند. سرانجام در بهمن ۱۳۸۳ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان از سوی قوه قضاییه تقدیم دولت شد و دولت خاتمی آن را به مجلس هفتم ارائه کرد. این لایحه با وجود اهمیت زیادی که داشت مسکوت ماند تا اینکه در مرداد ۱۳۸۵ کلیات آن به تصویب رسید. تصویب کلیات لایحه، انعکاس گسترده و مثبتی داشت اما لایحه به کمیسیون رفت و با گذشت یکسال هنوز به صحن مجلس بازنگشته است. گفته می شود یکی از دلایل آن پیغام‌هایی از سوی شورای نگهبان مبنی بر مغایرت این قانون با شرع به ویژه مغایرت ماده ۲ (وبند ۳ ماده ۳۳) مبنی بر عدم صدور حکم قصاص برای افراد زیر ۱۸ سال است. برای گذاشتن راه فرار در برابر ایرادات شورای نگهبان، لایحه پیشنهادی دچار تناقض نیز گردیده است زیرا در ماده ۲ این قانون آورده شده است که اطفال در صورت ارتکاب جرم مبرا از مسوولیت کیفری هستند. و در تبصره این ماده می گوید: منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد ولی ماده ۱ و ۳۳ شمول این قانون را بر افراد زیر ۱۸ سال می داند.

### هدف پژوهش و اتکای زبانشناختی

این پژوهش نه با هدف نمایش پیشتازی حقوق بشر یا حقوق کودکان در اسلام و نه در پی اثبات یگانگی اسلام و حقوق بشر تحریر شده است. بیش از هر چیز هدف این پژوهش را شبیه یک ترجمه می‌دانم. اگر قرآن به زبان عربی نازل نشده بود اعراب آن را نمی‌فهمیدند و باید پیام و مضمون آن برایشان ترجمه می‌شد و امروز که قرآن به زبان عربی نازل شده است، برای تسهیل فهم دیگران باید به زبان‌های دیگر ترجمه شود چنانکه قرآن در آیات متعددی درباره عربی بودن و شیوا و فصیح بودن زبان آن برای فهم دیگران و مناسبت آن با زبان قومی که قرآن برایش نازل شده سخن می‌گوید (سوره شوری آیه ۷، زخرف آیه ۳، احقاف آیه ۱۲، زمر آیه ۲۸، فصلت آیه ۳) و نیز می‌گوید: .  
 وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۹۲) نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (۱۹۳) عَلَى قَلْبِكَ لَتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (۱۹۴) بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (۱۹۵) وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأُولِيِّينَ (۱۹۶) أَوْلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۹۷) وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ (۱۹۸) فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ (۱۹۹) كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (۲۰۰) (شعرا آیات ۱۹۲-۲۰۰)  
 مسلماً این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است. روح الامین آن را نازل کرده است. بر قلب (پاک) تو، تا از اندازکنندگان باشی. آن را به زبان عربی آشکار نازل کرد. و توصیف آن در کتابهای پیشینیان نیز آمده است. آیا همین نشانه برای آنها کافی نیست که علمای بنی اسرائیل بخوبی از آن آگاهند؟ هرگاه ما آن را بر بعضی از عجم ( غیر عرب)ها نازل می‌کردیم و او آن را برایشان

می خواند، به آن ایمان نمی آورند. آری، این گونه (با بیانی رسا) قرآن را در دل های مجرمان وارد می کنیم.

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ الْأَعْجَمِيَّةُ وَعَرَبِيَّةٌ  
قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقُرْ  
وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (فصلت آیه ۴۴)

هرگاه آن را قرآنی عجمی قرار می دادیم حتما می گفتند: «چرا آیاتش روشن نیست؟! قرآن عجمی از پیغمبری عربی؟!» بگو: «این (کتاب) برای کسانی که ایمان آورده اند هدایت و درمان است؛ ولی کسانی که ایمان نمی آورند، در گوشه هایشان سنگینی است و گویی نابینا هستند و آن را نمی بینند؛ آنها (همچون کسانی هستند که گوئی) از راه دور صدا زده می شوند!»

این آیات نشان می دهند باید با هر قومی به زبان خودش سخن گفت نه با زبانی بیگانه برای آنان.

برای تعامل فرهنگ ها باید از منطق ترجمه و آن هم ترجمه روان و گویا برای تسهیل تفهیم و تفاهم مدد جست و باید حقوق بشر را نه فقط به زبان ملفوظ که به زبان دین ترجمه کرد. مترجم برای برگردان یک متن از زبان انگلیسی یا عربی به فارسی می کوشد در درون فرهنگ و دایره واژگان زبان فارسی، کلمات و معادل های مناسب را بجوید و هر جا کلمه ای را نیافت جمله ای را جایگزین می کند و سرانجام در ازای برخی واژگان، معادلی ساخته نمی شود بلکه خود اصطلاح اصلی به کار می رود چنانکه برای مثال اصطلاحاتی

مانند جهاد و شیعه و... را از زبان عربی به انگلیسی ترجمه نمی‌کنند و خود واژه اصلی را به کار می‌برند. اگر زبان واژگانی ملتی، فقیر باشد، برگردان متن‌های پیشرفته به آن دشوار می‌شود به گونه‌ای که تنها بخش‌هایی از آن را می‌توان به یاری ادبیات فقیرانه درک کرد.

بر همین قیاس برای پیشبرد حقوق بشر باید زبان و منطق و گفتمان آن را نه فقط به زبان تکلم و واژگان ملت‌ها که به زبان ادیان و فرهنگ‌ها ترجمه کنیم. از این رو می‌توان گفت که این نوشتار در حقیقت ترجمه حقوق بشر در زمینه اعدام کودکان به زبان اسلام یا به منطق اسلام است و می‌کوشد عناصر و معادل‌های مناسب را در فرهنگ اسلامی بیابد و راهی را برای تعامل و تفاهم بگشاید. پشتوانه‌این روش و هدف، رویکردی جامعه‌شناختی است که می‌خواهد مانع بسیج احساسات مذهبی در برابر حقوق بشر به اتهام تضادش با اسلام گردد، همان کاری که قدرت‌های مخالف حقوق بشر برای مصونیت بخشیدن به اعمال خود انجام می‌دهند.

#### **دشواری‌ها و چکیده و فهرست قواعد**

اما دشواری کار این بود که اگر در پاره‌ای از موضوعات مستحدثه، سابقه بحث و اجتهاد در فقه اسلامی و تفاسیر وجود داشته یا امور مشابه و قابل قیاس وجود دارند اما در زمینه ممنوعیت اعدام کودکان زیر ۱۸ سال هیچ سابقه بحث و اجتهاد وجود نداشت که بتوان به آن تمسک کرد و یا آن را نقطه آغاز پژوهش قرار داد. در این زمینه با

اهل فن نیز رایزنی های بسیاری صورت گرفت و هیچ کس سابقه و سنتی را در این زمینه به خاطر نیاورد. از این رو باید دست به پژوهشی اکتشافی می زدیم و اقوال و آراء مختلف را برای صورت بندی ادله ممنوعیت اعدام زیر ۱۸ سال استخدام می کردیم. این نوشته در اقامه چند دلیل ولو مجمل برای منظور فوق کامیاب بوده است و این دلایل و قواعد فقهی و قرآنی از همان فقه و شریعت موجود و منابع آن وام و الهام گرفته. . است که البته حاکی از قابلیت و غنای شریعت اسلامی برای این استنباط یا ترجمه حقوق بشر به زبان آن بوده است. به نحو فهرست وار این دلایل دوازدهگانه (که اولی عام درباره اعدام و بقیه، اختصاص به کودکان زیر ۱۸ سال دارند) عبارتند از:

- ۱- دلیل کلی لغو اعدام در شریعت
- ۲- حجیت عرف و سیره متشرعه، کشورهای اسلامی و مجازات اعدام زیر ۱۸ سال
- ۳- نقد اتحاد حد بلوغ برای عبادات و مجازات
- ۴- تفاوت رشد و بلوغ و دلیل شرطیت رشد برای مجازات کودکان
- ۵- طیفی بودن مفهوم بلوغ و مفهوم آن در قرآن و معدل ۱۸ سال
- ۶- قاعده سلطه
- ۷- قاعده شبهه و درء براساس ابعاد روانشناختی و جامعه شناختی جرم کودکان
- ۸- قاعده آسانگیری
- ۹- اولویت منع اعدام کودکان نسبت به کودکان جنگی

۱۰- مصلحت قصاص

۱۱- استفاده از اصل حقوقی تعلیق مجازات

۱۲- دلیل فطرت

### تئوری پایه

نظریه‌ای که اساس تحقیق را تشکیل می‌دهد همان است که آیت‌الله مطهری در عبارتی کوتاه خلاصه کرده است «عدل مقیاس دین است نه دین مقیاس عدل» (مطهری ۱۴۰۳ ص ۱۴)

یعنی آنچه عدل است دین می‌گوید نه آنچه دین می‌گوید عدل است. این نظریه، اساس تفکر کلامی، فلسفی و فقهی معتزله و شیعه است (هر چند در این تحقیق، به مناسبت از آراء پیشوایان و علمای اهل سنت نیز بهره گرفته‌ایم) لذا از آنجا که از نظر ما حقوق بشر امری فطری، وجدانی و اصیل است عین عدل بوده و چون عدل است دین باید بر همان مقیاس

سخن بگوید و با آن دمساز باشد و هر جا گزاره‌ای دینی با آن سازگار نبود، دین نیست و مقبول نیست چون معقول نیست. از این رو با فرض اصالت حقوق بشر و در نتیجه منع اعدام کودکان، هدف این تحقیق را می‌توان کشف اصول و قواعد شرعی در توجیه منع اعدام‌های زیر ۱۸ سال دانست و نیز تلطیف و تصحیح این نگرش سنتی که منع اعدام و قصاص را برای کودکان نابالغ (به معنای

دختران زیر ۹ سال و پسران زیر ۱۳ سال یا زیر ۱۵ سال) روا می‌شمرد اما اعدام و قصاص را برای کودکان بالغ تجویز می‌کند.

### مسئله

بر اساس تحقیق بعمل آمده و داده های بخش دوم این کتاب، طی سالهای اخیر ۱۸۰ حکم اعدام یا قصاص برای افراد زیر ۱۸ سال صادر شده است. منهای ۳۷ حکم اجراء شده (که تاکنون شناسایی گردیده اند) و نیز ۲۹ مورد رضایت اولیای دم یا نقض احکام در دیوانعالی کشور، در پایان سال ۱۳۸۷ حداقل ۱۱۴ نفر منتظر حکم اعدام در زندان های کشور شناسایی شده اند که در هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال داشته اند. از این تعداد منتظرین ۶ نفر دختر و بقیه پسر هستند. برخی از آنها در سن کودکی که بسیار تلقین پذیر بوده و سریعاً مرعوب می‌شوند و مطلقاً با حقوق خویش آشنایی نداشته و امکان اغفالشان وجود داشته است بدون حضور وکیل، بازجویی و محکوم شده اند. در بخش دوم این پژوهش، چکیده شماری از پرونده ها با استناد به احکام صادره دادگاه بیان شده تا نشان داده شود که برخی از آنها مدعی هستند که در بازجویی مورد شکنجه قرار گرفته اند. بسیاری از آنان پس از ارتکاب جرم یا مشارکت در جرم وبدون اینکه نقش شان در قتل محرز شده باشد توسط خانواده شان به مراجع قانونی تحویل داده شده اند تا تنبیه شوند (نه اعدام) زیرا تصور می‌کردند افراد زیر ۱۸ سال اعدام نخواهند شد. گزارش پیوست

این تحقیق نشان می‌دهد که قتل انجام شده توسط اغلب آنان از نوع قتل‌های سازمان یافته و حرفه‌ای نبوده و صرفاً در یک شوخی یا نزاع و بصورت ناگهانی رخ داده اما با محکومیت نوجوان به مرگ، برچسب قاتل بر او خورده و وی را که چه بسا فردی رو به تعالی بوده بخاطر یک اشتباه در زمره جنایتکاران قرار داده و سرنوشتی تحمیلی را برایش رقم زده است. در این میان موانعی برای رسیدگی صحیح و حقوق بشری و نیز توقف اعدام‌های زیر ۱۸ سال وجود دارد که بایسته نقد و بررسی است.

۱- اساساً برخی معتقدند دلیل شرعی برای تشکیل دادگاه جداگانه‌ای به عنوان دادگاه اطفال وجود ندارد و آنها را می‌توان در دادگاه عمومی مورد محاکمه قرار داد.

۲- از اهم دلایلی که تاکنون برای مغایرت لغو حکم اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال با شرع ذکر شده این است که از نظر شرعی و مطابق قول مشهور فقها دختر در سن ۹ سالگی و پسر در سن ۱۵ سالگی به سن بلوغ و تکلیف می‌رسند. برخی از فقهای متأخر که در این زمینه نوآوری کرده‌اند به سن ۱۳ سال برای مکلف شدن دختر فتوا داده‌اند. از آنجا که سن تکلیف و مجازات یکی است، قبول عدم صدور حکم قصاص برای افراد زیر ۱۸ سال مستلزم قول به مکلف شدن دختر و پسر از سن ۱۸ سالگی به بعد است که خلاف شرع است. در تبصره ۱ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی آمده است «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد».

۳- راه حلی که برخی پیموده‌اند این است که مجرمان زیر ۱۸ سال را در حبس نگه داشته و پس از رسیدن به ۱۸ سال محاکمه و به مرگ محکوم می‌کنند یا اینکه اجرای حکم اعدام را تا رسیدن به سن ۱۸ سالگی به تاخیر می‌افکنند و پس از آن اجرا می‌کنند.

### تحلیل مسئله

**ضرورت تشکیل دادگاه اطفال:** تبصره ماده ۲۲۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مقرر داشته که به کلیه جرائم اشخاص کمتر از ۱۸ سال تمام بر طبق مقررات عمومی در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شود. طبق ماده ۲۳۰ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب رسیدگی به تمام جرائم اطفال در صلاحیت دادگاه اطفال می‌باشد. ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ شعبه یا شعبی از دادگاه‌های عمومی را برای رسیدگی به جرائم اطفال تخصیص می‌دهد. ادبیات و مباحث صورت گرفته حقوقی، روانشناختی و جرم‌شناختی در این زمینه چندان غنی و عظیم است که حاجتی به بحث نیست و اندک اطلاعی از آنها برای درک ضرورت تشکیل محاکم اطفال در نظام‌های قضایی جهان کفایت می‌کند. در رشته‌های مختلف علوم تربیتی و حقوق، تفاوت اطفال و بزرگسالان موجب پیدایش شاخه‌های علمی تخصصی کودکان گردیده است و در روایات و آیات و فقه اسلامی نیز بارها در خصوص زنان و کودکان به نحو

ویژه سخن رانده شده است. لذا از این بحث در می‌گذریم و به مسایل اساسی تر می‌پردازیم.

## **حجیت عرف، کشورهای اسلامی و مجازات اعدام زیر ۱۸ سال**

یکی از مباحث مهم وارجمند در رسیدگی به مسئله اعدام کودکان در ایران این است که سایر کشورهای اسلامی در این زمینه چه کرده اند. از آنجا که نظام حقوقی بسیاری از کشورهای اسلامی بر مبنای شریعت و فقه اسلامی بوده و ایران یکی از مجموعه این کشورهایی است که اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند، بدیهی است که رویه آنها می‌تواند دلیل و مثالی برای توضیح دیدگاه اسلامی باشد. در علم اصول فقه مبحثی پیرامون حجیت سیره متشرعه یا عرف مسلمین قرار دارد و در مواضع زیادی از فقه مانند شناخت مفهوم اهانت یا مقدسات اصل بر حجیت عرف است. بنابراین اگر اکثر مسلمین در مورد مسئله ای دیدگاه مشترکی داشته باشند که در میان آنان قطعاً مجتهدین و مومنینی قرار دارند می‌توان آن را از مصادیق سیره متشرعه و حجیت عرف دانست.

کنوانسیون حقوق کودک در تاریخ ۱۹۸۹ تصویب و در ۱۹۹۰ لازم الاجرا شده است. دو ماده مهم آن که در میان کشورهای اسلامی بسیار مورد بحث و مناقشه قرار دارد عبارتند از مواد ۱ و ۳۷.

ماده ۱ این کنوانسیون به تعریف کودک پرداخته و می گوید: منظور از کودک افراد انسانی زیر هیجده سال است مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

ماده (الف) ۳۷ کنوانسیون نیز تصریح دارد: " حکم اعدام در مورد جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از هیجده سال صادر نمی شود و در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست. "پیش از آنکه ماده (الف) ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک اعدام اطفال زیر هیجده سال را در قالب یک قرارداد بین المللی به صراحت منع نماید ماده (۵) ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۱ این امر را به همان صراحت مورد ممانعت قرار داده بود. براساس این ماده: مجازات اعدام و یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نمی توان در مورد کودکان زیر هیجده سال اعمال کرد.

« این کنوانسیون جهان شمول ترین معاهده بین المللی حقوق بشر محسوب می گردد و تمامی کشورهای مسلمان به آن ملحق شده اند. از سوی دیگر در حالی که این کنوانسیون تنها معاهده بین المللی است که در آن صراحتاً به اسلام و یا به عبارت دقیقتر به "حقوق اسلامی" اشاره شده است از مجموع ۵۷ کشور مسلمان ۲۲ کشور آن را همراه با حق شرط و یا اعلامیه تفسیری پذیرفته اند. این حق شرط ها و یا اعلامیه های تفسیری عمدتاً با استناد به اسلام، شریعت و عبارات مشابه می باشند.

حق شرطهای کشورهای مسلمان به کنوانسیون حقوق کودک و اعلامیه های تفسیری مربوطه یا تنها بعضی از مواد کنوانسیون را مورد توجه قرار داده اند و یا همچون شش کشور عربستان سعودی، قطر، بروئی دارالسلام، سوریه، عمان و ایران کلیت کنوانسیون را پوشش داده اند. بطور نمونه حق شرط کلی قطر بر کنوانسیون با عبارات ذیل می باشد: "دولت قطر یک حق شرط کلی را در ارتباط با مفادی که با حقوق اسلامی مطابقت ندارند بر کنوانسیون وارد می نماید.»

در میان ۵۷ کشور مسلمان عضو کنوانسیون حقوق کودک، ۴۴ کشور عضو میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بوده و لذا به این کنوانسیون نیز متعهد می باشند.

سیزده کشوری که عضو میثاق نیستند عبارتند از: بروئی دارالسلام، بحرین، کومور، گینه بیسائو، قزاقستان، اندونزی، مالزی، مالدیو، عمان، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، و امارات متحده عربی. همان گونه که مشاهده می شود از میان کشورهایایی که با حق شرط کلی به کنوانسیون پیوسته اند چهار کشور قطر، عربستان سعودی، بروئی دارالسلام و عمان عضو میثاق نیستند اما دو کشور ایران و سوریه عضو میثاق و بنابراین متعهد به آن نیز می باشند. بر این اساس دو کشور اخیر حتی قبل از پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک متعهد به ماده (۵) ۶ میثاق فوق الذکر و ملزم به ممنوعیت اعدام اطفال در سنین کمتر از هیجده سال در قوانین و رویه قضایی خود بوده اند.»

پاکستان از جمله کشورهای مسلمان بود که در ابتدا با حق شرط کلی بر اساس شریعت به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شد اما بعداً حق شرط خود را بازپس گرفت.»

ماده ۱ گرچه سن هیجده سال را بعنوان حد تمیز کودکی از بزرگسالی تعیین کرده است اما از طرف دیگر تا حدودی دست دولتها را جهت تعیین معیارهای دیگر برای تشخیص بلوغ باز گذاشته است.

انعطاف ملحوظ در ماده ۱ کنوانسیون در تعیین سن دقیق کودک باعث شده است تا سودان، که از اتفاق از جمله کشورهای بدون حق شرط به کنوانسیون نیز می باشد، بین علایم بلوغ براساس فقه سنتی و سن قانونی براساس سایر قوانین موضوعه خود به نوعی دچار سردرگمی باشد. براساس گزارش مقدماتی سودان به کمیته حقوق کودک: "اولین معیار (برای تمیز کودکی از بزرگسالی) ظهور علایم خارجی بلوغ همچون سن بلوغ، روییدن موهای عمومی، و در ارتباط با دختران جوان زمان قاعده شدن و توانایی بارداری می باشد. دومین معیار رسیدن به سن کامل قانونی است. در رابطه با این معیار حقوقدانان نظرات مختلفی دارند و قوانین مختلف نیز در این مورد متفاوتند."

بجز سودان کشور مسلمان دیگری در گزارش های دوره ای خود در ارتباط با معیار تمیز کودکی از بزرگسالی به علایم بلوغ شرعی اشاره ای نکرده است و اکثریت این کشورها در همگامی با ماده ۱

کنوانسیون به صراحت سن هیجده سال را به عنوان سن تکلیف قانونی مشخص نموده اند. جالب آنکه با وجودیکه عمان و عربستان سعودی حق شرطهای کلی به کنوانسیون وارد نموده اند در گزارش های دوره ای خود ماده ۱ کنوانسیون را در تطابق با قوانین شریعت در خصوص سن بلوغ تشخیص داده اند. بعنوان مثال عربستان سعودی در گزارش خود اذعان داشته است که "ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک در هماهنگی کامل با حقوق اسلامی در تعریف کودک می باشد." عمان نیز در گزارش خود عنوان نموده است: "مصوبه شماره ۳۲/۹۷ حقوق شخصی (عمان) در مطابقت با حقوق اسلامی می باشد. این مصوبه سن هیجده سال را به عنوان سن بلوغ قانونی تعیین کرده است." بنا به گزارش این کشور "در عمل هیچ کدام از مفاد کنوانسیون در تقابل مستقیم با هیچ کدام از احکام اسلامی قرار نمی گیرند، مگر در موضوع فرزند خواندگی که برای آن نیز تمهیدات مناسبی در مفاد کنوانسیون اندیشیده شده است."

کشور عربستان نیز با وجود حق شرط کلی به کنوانسیون مجازات اعدام اطفال کمتر از هیجده سال را در قوانین خود ممنوع اعلام نموده است. با این وجود موضوع دیگری که در مذاکرات اعضای کمیته حقوق کودک با هیئت سعودی مورد توجه قرار گرفته امکان صدور حکم اعدام در سنین کمتر از هیجده سال و تعویق اجرای حکم به زمان رسیدن کودک به این سن می باشد.

همان گونه که در بررسی گزارشات دوره ای کشورهای مسلمان مشاهده می شود هیچ کدام از این کشورها از اعدام اطفال با استناد به قوانین شرعی دفاعی به عمل نیاورده اند. جالب آنکه دو کشور سودان و پاکستان که در گزارشات خود صادقانه به نواقص موجود در قوانین خود اشاره نموده اند از کشورهای دارای حق شرط به کنوانسیون نمی باشند. برعکس این دو، عمان، عربستان سعودی و قطر که از کشورهای با حق شرط کلی به کنوانسیون هستند به صراحت از ممنوعیت مجازات اعدام در قوانین خود خبر داده اند. گذشته از این در سایر موارد نیز کشورهای مسلمان دارای حق شرط در یک برخورد منطقی و متعهدانه نسبت به کنوانسیون نقایص سیستم حقوقی خود را با استناد به حق شرطهای خود توجیه نموده اند (Hashemi, ۲۰۰۷).

باید توجه داشت که در بسیاری از کشورهای اسلامی قوانین کیفری مبتنی بر شریعت بوده و فقها در تدوین آن نقش داشته اند از اینرو نمی توان حجیت آنها از باب عرف مسلمین و سیره متشرعه دست کم گرفت.

## نقد اتحاد حد بلوغ برای عبادت و مجازات

سن و مسوولیت کیفری: ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی ایران به‌ویژه تصریح مندرج در تبصره ۱ این ماده (متن کامل ماده و تبصره در صفحات بعد آمده است) سن بلوغ را برای پسر ۱۵ سال تمام قمری و برای دختر ۹ سال تمام قمری دانسته است و چون تعمیم آن به سن کیفری هم ابهام داشته در این زمینه از شورایعالی قضایی استفساری به عمل آمده است و نظریه تفسیری این شورا سن بلوغ یاد شده را شامل سن مسوولیت کیفری هم دانسته‌اند هر چند بعدها دیدگاه‌های دیگری مطرح شده و از جمله دستور توقف صدور احکام اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال توسط آیت‌الله شاهرودی و نیز لایحه تشکیل دادگاه‌های اطفال پیشنهادی قوه قضاییه در سال ۱۳۸۴ مغایر با این نظریه تفسیری است اما به هر صورت نظریه تفسیری شورایعالی قضایی تا سال‌ها مجری بوده و هنوز برخی به آن استناد می‌کنند و آن را معتبر می‌شمارند. متن پرسش و پاسخ به شرح زیر است:

آیا با توجه به صراحت ماده ۱۲۱۰ اصلاحی قانون مدنی و تبصره ۱ ذیل آن سن مسوولیت کیفری و حقوقی و عبادی برای اناث همان ۹ سال قمری می‌باشد یا برای مسوولیت کیفری و حقوقی، اناث می‌بایست به سن بیشتری برسند یا خیر؟

شورای عالی قضایی در نظریه تفسیری خود می‌گوید: «طبق تبصره یک ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی، منظور از طفل کسی است که به

حد بلوغ نرسیده باشد و طبق تبصره یک ماده ۱۲۱۰ اصلاح قانون مدنی سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است». (شورای عالی قضایی ص ۸ سوال ۷)

### سیطره فقه و آراء فقها بر قانون

برای درک بیشتر ضرورت این تحقیق لازم است به بیان فتاوی فقهای مختلف کنونی درباره اعمال رژیم حقوقی خاص نسبت به مجرمین کمتر از ۱۸ سال گزارشی را ذکر کنیم. ممکن است گفته شود که با وجود قوانین مصوب مجلس اهمیتی ندارد که دیدگاه فقها چیست؟ اما واقعیت این است که ۱- در قوانین ایران شأن و جایگاه خاصی برای رای فقهاء منظور گردیده است به گونه ای که در اصل ۱۶۷ قانون اساسی می گوید: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد». علاوه بر این در اصول مختلفی از قانون اساسی برای نظر فقها وزن عمده ای قایل شده اند. در اصل ۴ آمده است «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقها شورای نگهبان است. «و در اصل ۶۹ می گوید «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم

تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است. «طبق اصل ۱۰۹ نیز یکی از شرایط و صفات رهبر، داشتن صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه است. در بسیاری از موارد اصولاً قوانین مصوب مجلس باید بر مبنای فقه باشد چنانکه برای مثال در اصل ۱۶۳ قانون اساسی آمده است: صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.

بنابراین آرای فقها در شرایطی که قانون در مورد مسئله‌ای ساکت است یا ابهام و اجمال دارد و نیز آرای فقهای شورای نگهبان که از میان حوزویان برگزیده می‌شوند گاهی فراتر از مصوبات مجلس قرار دارند. از همین رو شناخت دیدگاه فقها که در نظام حقوقی ایران تعیین کننده است اهمیت ویژه می‌یابد.

### **دیدگاه فقهای معاصر درباره رژیم حقوقی خاص نسبت به مجرمین کمتر از ۱۸ سال**

در زیر به بیان دیدگاه چند تن از فقهای کنونی پرداخته می‌شود. متن استفتائات و پاسخ‌ها به شرح زیر است:

سوال: از آنجا که در عرف قانون حقوقی کشور ما و بسیاری از کشورهای جهان سن رشد متعاملین برای ذکور و اناث ۱۸ سال شمسی تمام دانسته شده (مجموعه قوانین و مقررات حقوقی، ص ۵۰۸، قانون راجع به رشد متعاملین) همین‌طور در قوانین جزایی کشور ما و اکثر کشورهای، اطفال کسانی هستند که بیش از ۶ سال تمام و تا ۱۸ سال تمام سن دارند و باید طبق قانون در دادگاه اطفال به جرائم آنها رسیدگی

شود (مجموعه قوانین و مقررات جزایی، ص ۲۶۵، قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب: ۱۰/۹/۱۳۳۸، ماده ۴) بفرمائید:

۱- آیا حاکم شرع در محاکم قضایی می تواند در احکام کیفری این افراد که از نظر شرعی بالغند ولی زیر سن قانونی ۱۸ سال هستند تخفیفاتی قائل شود؟

۲- اگر جواب منفی است، با توجه به اینکه در اکثر کشورهای جهان برای بزهکاران زیر سن ۱۸ سال رژیم حقوقی و کیفری خاصی اعمال می شود که بیشتر مبتنی بر اقدامات تأمینی و تربیتی است و این امر به عنوان عرف قانونی در سطح بین المللی شناخته شده است، بفرمائید:

الف - آیا حاکم شرع می تواند با توجه به عناوین ثانویه (پیشگیری از وهن اسلام و نظام اسلامی و نیز جلوگیری از بهانه جویی سازمان های بین المللی و معاندین اسلام و نظام اسلامی و به منظور عمل اجمالی به تعهدات بین المللی) در بعضی از مجازات های این دسته، تخفیف قائل شود؟

ب - آیا در موارد مذکور بین پسر و دختر تفاوتی وجود دارد؟

ج - آیا در موارد مذکور بین حد و قصاص تفاوتی وجود دارد؟

### آیت الله محمد تقی بهجت

۱ و ۲. در صورت ثبوت جرم در مواردی که حدی در شرع برای آن مقرر شده، تخفیف و تعطیل حد نیست ولی می توان در این گونه

موارد از طرفی که منجر به اثبات کامل جرم نشود یا ترغیب ذی‌حق به عفو استفاده نمود.

### آیت‌الله سیدعلی سیستانی

۱- عموماً تعزیر به نظر حاکم شرع است.

۲- الف - جواب روشن شد.

ب - فرق ندارد

ج - در حدود الهی و قصاص فرق بین افراد بالغ نیست ولو به سن ۱۸ سالگی نرسیده باشد.

### آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی

۱- در موارد قصاص یا حد، تخفیف مشروع نیست و در موارد تعزیر هر طور که حاکم شرع جامع‌الشرايط صلاح بداند متبع است والله العالم.

۲- الف - بهانه‌جویی سازمان‌های بین‌المللی مبتنی بر اصل و منطق صحیح نیست آنها با هر کشوری که روابط حسنه داشته باشند نه تنها بهانه‌جویی نمی‌کنند بلکه بر خلاف‌های آنها هم سرپوش می‌گذارند و با هر کشوری که اینگونه روابط نداشته باشند دائماً بهانه‌جویی می‌کنند و حتی تهمت و افترا می‌زنند و هر چه مراعات آنها بشود بدتر می‌کنند و این تجربه شده است بنابراین احکام باید اجرا شود و دستگاه‌های قضایی باید استقلال خود را حفظ کنند خلاصه اینکه

این مماشات‌ها هیچگونه اثر مثبتی ندارد و وجهی برای جواز آن نیست والله العالم.

۲- ب و ج - تفاوتی در هیچیک از دو مورد سؤال ندارد والله العالم.  
۳۰ ذی الحجه ۱۴۱۹ ه. ق.

### آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی

الف - بلوغ شرعی همان است که در کتب فقهی مقرر شده (تمام شدن پانزده سال قمری در پسر و نه سال قمری در دختر) که همین مطلب در قانون مدنی نیز تصریح شده است.

ب - در تمام مسائل کیفری افرادی که به سن مذکور رسیده‌اند مانند دیگران دارای مسوولیت کیفری باشند و غیر از جنون رافع برای مسوولیت آنان نیست، مگر در موارد استثنایی.

ج - بهانه‌های مذکور در سؤال، واقع احکام شرعی نخواهد بود. بلکه هرگاه اجرای حکمی مستلزم مفسده اعظم باشد، می‌توان اجرای حکم را موقتاً با تشخیص حاکم شرع به تأخیر انداخت.

د - شرط رشد، اختصاص به مسائل مالی دارد (فان آنستم منهم رشداً) و ربطی به مسائل کیفری ندارد.

ه - در امور فوق‌الذکر فرقی بین حدود و قصاص و یا پسر و دختر چنانچه واجد شرایط باشد نخواهد بود.

### آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی

۱- سن قانونی پسر و دختر از نظر اسلام همان است که در رساله‌ها آمده است، منتها برای شمول قوانین جزائی نسبت به نوجوانان کم سن و سال، لازم است حد نصاب رشد عقلی در زمینه مسائل جزایی احراز شود و اگر در مواردی مشکوک باشد حدود و قصاص مشمول قاعده درء است و اما در مورد عناوین ثانویه چنانچه واقعاً و بطور دقیق احراز شود که تعمیم قانون شرع نسبت به افرادی که فوق سن بلوغ شرعی و زیر سن ۱۸ سال قرار دارند سبب وهن اسلام در جهان خارج می‌شود، می‌توان برای آنها تخفیفاتی قائل شد. اضافه بر این، بسیاری از حدود از طریق اقرار اثبات می‌شود و دست قاضی در این گونه موارد باز است و همچنین در مورد تعزیرات از اینها گذشته، در مورد قصاص، قضات می‌توانند بعد از صدور حکم پا در میانی کنند و در مورد افراد کم سن و سال مذکور به نحوی رضایت مجنی علیه را به دست آورند یا آن را تبدیل به دیه یا مادون دیه کنند و با آموزش و درایت کافی این مشکل را می‌توان حل کرد. همیشه موفق باشید.

### آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

- ۱- نمی‌تواند تخفیفاتی قائل شود، ولی در اجرای حدود اضافه بر بلوغ سنی رشد عقلی و علم به حرمت هم لازم است.
- ۲- الف - نمی‌تواند تخفیف قائل شود.
- ب - فرقی بین دختر و پسر نیست.

ج - تفاوتی وجود ندارد.

آیت الله حسین نوری همدانی

با رعایت دقت و مصلحت می تواند.

### تطبیق حکم کلی قصاص با کودکان و نوجوانان

مخالفان ممنوعیت اعدام افراد زیر ۱۸ سال معتقدند که حکم قصاص، حکمی کلی و شامل همه مکلفین است لذا کودکان و نوجوانان بالغ شده را نیز در بر می گیرد. متقابلاً از سوی مخالفان اعدام نیز بحث‌ها و دلایلی درباره عدم مغایرت لغو مجازات اعدام بطور کلی با شریعت وجود دارد که شامل ممانعت از اعدام زیر ۱۸ سال نیز می شود و قبلاً در پژوهش مبسوطی بدان پرداخته شده است (نگاه کنید به کتاب: "حق حیات" از همین قلم). بنابراین تحقیقی که پیشتر منتشر شده است هیچیک از انواع مجازات مرگ در قوانین جاری ایران، مبنایی در قرآن ندارند. در قرآن کریم تنها یک مورد مجازات مرگ پذیرفته شده و آن هم قصاص نفس است یعنی در موردی که فردی با سبق نیت و تصمیم و سوء نیت و برنامه قبلی مرتکب قتل نفس بیگناهی شود. مجازات محارب نیز ذیل قصاص قرار می گیرد. تجویز این یگانه مجازات مرگ البته تجویز تخییری است نه تعیینی. خودداری از اعدام یا قصاص مجرم نیز مانع انجام سایر مجازات‌ها نیست. اگر دلایل

قرآنی و فقهی که در پژوهش‌های پیشین برای عدم مغایرت توقف قصاص با شریعت آمده‌اند پذیرفته شود به طریق اولی می‌توان از قصاص افراد زیر ۱۸ سال جلوگیری کرد. در اینجا علاوه بر آن دلیل کلی و مباحث مبسوطی که در پژوهش پیشین آمده است دلایل اختصاصی در مورد عدم صدور حکم مجازات مرگ برای افراد زیر ۱۸ سال و نقد دیدگاه‌های پیش گفته مورد بحث قرار می‌گیرند.

### **تمسک به قاعده تخفیف**

غالباً فقها در موارد خاصی چون سرقت وزنا که می‌گویند نصی از شارع وجود دارد تعزیر نابالغ را جایز می‌دانند و در سایر موارد قایل به تعزیر نابالغ نیستند اما در مورد فرد بالغ هم جواز تعزیر و هم جواز حد را می‌دهند.

برخی افراد به دلیل اینکه اصل شمول مجازات‌های حدی برای کودکان را مسلم فرض کرده‌اند لذا صرفنظر کردن از اعدام کودکان را از باب تخفیف مجازات می‌دانند در حالیکه این امر از باب تخفیف نیست زیرا اساساً کودکان از موضوع مجازات‌های حدی خارج هستند چنانکه سفیه و مجنون و نابالغ از موضوع و شمول این نوع مجازات‌ها خارج هستند نه اینکه مجانین را به سبب اعمال تخفیف مجازات نمی‌کنند. آنها در حقیقت واجد شرایط لازم برای اعمال کیفر نیستند.

هنگامی که اصل را بر قاعده تخفیف و ترحم می‌نهند تا از بن بست حقوقی و فشارهای بین‌المللی در مورد مشکل اعدام کودکان رهایی یابند در دام پرسش‌هایی گرفتار می‌شوند که پاسخی متناسب خود را می‌یابد. پرسش درست ممکن است پاسخ درست را دریافت کند اما پرسش نادرست پاسخ نادرست می‌گیرد. بنابراین در خصوص استفتای زیر:

آیا حاکم شرع در محاکم قضایی می‌تواند در احکام کیفری این افراد که از نظر شرعی بالغند ولی زیر سن قانونی ۱۸ سال هستند تخفیفاتی قائل شود؟

این پاسخ‌ها دریافت می‌گردد که آیت‌الله بهجت اظهار می‌دارند: در صورت ثبوت جرم در مواردی که حدی در شرع برای آن مقرر شده، تخفیف و تعطیل حد نیست ولی می‌توان در این گونه موارد از طرفی که منجر به اثبات کامل جرم نشود یا ترغیب ذی‌حق به عفو استفاده نمود. آیت‌ا. . . سیستانی می‌گویند: در حدود الهی و قصاص فرق بین افراد بالغ نیست ولو به سن ۱۸ سالگی نرسیده باشد و آیت‌الله صافی گلپایگانی پاسخ می‌دهند: در موارد قصاص یا حد، تخفیف مشروع نیست و در موارد تعزیر هر طور که حاکم شرع جامع‌الشرایط صلاح بداند متبع است و می‌افزایند: بهانه‌جویی سازمان‌های بین‌المللی مبتنی بر اصل و منطق صحیح نیست آنها با هر کشوری که روابط حسنه داشته باشند نه تنها بهانه‌جویی نمی‌کنند بلکه بر خلاف‌های آنها هم سرپوش می‌گذارند و با هر کشوری که اینگونه روابط نداشته

باشند دائماً بهانه‌جویی می‌کنند و حتی تهمت و افترا می‌زنند و هر چه مراعات آنها بشود بدتر می‌کنند و این تجربه شده است بنابراین احکام باید اجرا شود و دستگاه‌های قضایی باید استقلال خود را حفظ کنند خلاصه اینکه این مماشات‌ها هیچگونه اثر مثبتی ندارد و وجهی برای جواز آن نیست. در عین حال برخی فقها نیز فتوایی کاملاً معکوس آن داده‌اند. آیت‌الله مکارم در خصوص همین پرسش فرموده‌اند: «در مورد عناوین ثانویه چنانچه واقعاً و بطور دقیق احراز شود که تعمیم قانون شرع نسبت به افرادی که فوق سن بلوغ شرعی و زیر سن ۱۸ سال قرار دارند سبب وهن اسلام در جهان خارج می‌شود، می‌توان برای آنها تخفیفاتی قائل شد.». آیت‌الله موسوی اردبیلی می‌فرمایند: «نمی‌تواند تخفیف قائل شود.» و آیت‌الله نوری همدانی اظهار می‌دارد: «با رعایت دقت و مصلحت می‌تواند.»

بنابراین توسل به روش‌هایی که می‌خواهند با حفظ یک استنباط ولو مشهور در گذشته و رفوکاری‌هایی از قبیل تمسک به تخفیف، راهی بیابند برای حل مشکل کفایت نمی‌کند چنانکه ملاحظه می‌گردد برخی قایل به تخفیف شده و برخی قایل به آن نیستند و مشکل اینجاست که در عمل هر یک از این نظرات ممکن است اخذ شوند و تضمینی برای عدم مجازات حدی برای کودکان نیست. این همان مشکلی است که پس از شیخ طوسی حوزه‌های شیعه بدان گرفتار شدند و به دلیل عظمت شیخ تا قرن‌ها بجای اجتهاد تازه در چارچوب نظرات شیخ اجتهاد و در حقیقت تقلید کرده و با حفظ همان مبنا

می‌کوشیدند پاسخ مسایل خویش را بیابند. این امر سبب رکود فقه شد تا هنگامی که از سیطره شیخ خارج شدند. به جای تردید ناپذیر دانستن مبنای موجود و تمسک به قاعده تخفیف باید در اصل حکم، تحقیق و اجتهاد کرد و به پرسش‌های اساسی تری پاسخ گفت از قبیل اینکه کودک کیست و سن کودکی چیست؟

### بلوغ

مطابق آراء فقهای سلف و خلف و آنچه در فقه اسلامی در هزارسال گذشته آمده است کودک اعم از اینکه کودکی یا بزرگسالی را کشته باشد قصاص نمی‌شود. طبق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی نیز، اطفال، فاقد مسوولیت کیفری هستند مگر در صورت صلاحدید قاضی که عندالاقضاء، طفل را برای مدت معینی جهت اصلاح و تهذیب رفتار به کانون بفرستد. بنابراین محل نزاع این نیست که آیا می‌توان کودک را قصاص کرد یا نه؟ بلکه محل نزاع این است که کودک کیست؟ و چه زمانی مسوولیت کیفری پیدا می‌کند؟ نظریه رایج این است که هرگاه طفل به سن بلوغ رسید مسوولیت کیفری دارد. اتحاد «حد بلوغ در عبادات و غیر عبادات و حتی مسائل کیفری» البته مبتنی بر روایات متعددی است که در نگاه درون دینی نمی‌توان به آسانی از کنار آنها گذشت که پژوهش و بحث گسترده‌تر در این زمینه را به منابع و فرصت دیگری موکول می‌کنم. در اینجا متذکر می‌شوم که معیار ما در بررسی موضوع، استانداردهای جهانی حقوق

بشر است اما با نقد و بررسی ادله فقهی و مبنا قرار دادن آموزه‌های قرآنی می‌توان به نتایج سازگار و ارزشمندی به منظور دفاع از تعطیل قصاص برای افراد زیر ۱۸ سال دست یافت و فقهای شورای نگهبان را از نگرانی بی‌مورد در خصوص تعارض لایحه پیشنهادی قوه قضائیه مبنی بر تشکیل دادگاه اطفال با شرع برحذر داشت.

۱- در دیدگاهی که اکنون رسمیت و فعلیت دارد معیار اینکه هر فرد چه زمانی به سن تکلیف می‌رسد، بلوغ است و مراد از آن بلوغ جنسی است. چه دلیلی برای این ادعا وجود دارد که دختر در سن ۹ سالگی و پسر در سن ۱۵ سالگی به بلوغ می‌رسد؟ آنچه مسلم است اینکه در قرآن که منبع اصلی نظام حقوقی مسلمانان است ذکرری از سن بلوغ به میان نیامده است.

آیه ۵۸ سوره نور می‌گوید: کودکان نابالغ، [برای وارد شدن به اتاق شما و به طریق اولی نامحرمان] باید سه وقت از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح (پیش از بیداری صبحگاهان)، ظهر هنگامی که لباس‌های خود را برای استراحت در می‌آورید و پس از نماز عشا که معمولاً هنگام خواب شبانه بوده است. در ادامه آیه می‌گوید: و اذا بلغ الاطفال منکم الحلم فلیستاذنوا کما استاذن الذین من قبلهم» (توبه ۵۹) اگر کودکان به حد تکلیف رسیدند باید هر بار که می‌خواهند وارد اتاق بزرگترها شوند مثل سایرین اجازه بگیرند. یعنی هنگامی که کودکان شما به سن احتلام برسند از طفولیت خارج می‌شوند.

بنابراین در قرآن مطلقاً برای بلوغ، سنی مقرر نشده و صرفاً گفته است اگر فرد به بلوغ رسید مکلف می شود اما تعیین سن به استناد روایات صورت گرفته است. در این زمینه روایات نیز مختلفند. «در ابواب گوناگون کتاب های روایی، روایاتی که درباره بلوغ ذکر شده بالغ بر دویست روایت است» (مهریزی. ص ۴۰۸)

برخی روایات ۹ سال، برخی ۱۰ سال و برخی ۱۳ سال را برای دختر و برای پسر ۸ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ سال را ذکر کرده اند. (ن. ک. روایات گردآوری شده در ضمیمه مبانی حقوق در اسلام آیت الله موسوی غروی و نیز شخصیت و حقوق زن در اسلام. مهدی مهریزی ص ۴۰۸-۴۱۴)

اما ملاک اصلی در روایات سن نبوده بلکه بلوغ بوده و نوعاً گفته اند که در این سنین، فرد، بلوغ جنسی و جسمی می یابد. حتی برخی از روایاتی که سن ۹ یا ۱۰ سالگی را برای تکلیف معین کرده اند آنرا همراه با آمادگی دختر برای ازدواج مطرح کرده اند. بنابراین به قول آیت الله صانعی ۹ سالگی به خودی خود ملاک جواز آمیزش و شوهرداری نیست و قیود دیگری هم مطرح است و انحصار سن از موضوعیت می افتد. (ن. ک: صانعی. ۱۳۸۵) آیت الله سید جواد موسوی غروی نیز با ذکر اقوال فقها و روایات و استدلال فقهی و قرآنی، ملاک بلوغ شرعی را احتلام برای پسر و حیض برای دختر می داند و شرط و تعیین سن را در آن مردود می شمارد (موسوی غروی. ۶۰۸-۵۶۷)

برخی فقها مانند شیخ طوسی نیز ملاک واحدی را برای بلوغ نگفته‌اند و بر اساس روایات در مورد نماز و روزه و جهاد سنین مختلفی را ذکر کرده‌اند.

نکته مهم این است که بلوغ در موقعیت‌های جغرافیایی گوناگون، یکسان نیست و نوعاً افراد در مناطق گرمسیر زودتر و در مناطق سردسیر دیرتر به بلوغ می‌رسند. در مناطق گرمسیر دختران غالباً از سن ۹ سالگی و پسران از سن ۱۱ سالگی بالغ می‌شوند و در مناطق سردسیر چند سال دیرتر. دایره المعارف بریتانیکا می‌نویسد «حدود ۹۷ درصد دختران بین ۱۱-۱۵ سالگی محتمل می‌شوند و در مناطق گرمسیری این احتلام زودتر و در مناطق سردسیری دیرتر اتفاق می‌افتد» (Britannica P۱۱۴۵. vol. ۸). لذا نمی‌توان سن ثابتی را برای بلوغ معین کرد. بلوغ تابع شرایط اقلیمی و بهداشت و تغذیه افراد است. بنابراین بلوغ یک مسئله زیست‌شناختی و طبیعی است و نمی‌توان سال دقیقی برای آن مقرر کرد و به قانونی عام مبدل ساخت. شاید به همین دلیل در قرآن علی‌رغم بحث درباره بلوغ، زمانی برای آن تعیین و تشریح نگردیده و برای فهم رشید شدن کودکان نیز بجای تعیین سن گفته است از طریق آزمایش آنرا به دست آورید. از دیدگاه نسبت بحث با «حکم» و «موضوع» می‌توان گفت اساساً تعیین سن، جنبه موضوعی و عرفی دارد و شأن فقها و شأن شارع در اغلب مسائل، بیان حکم است نه بیان موضوع و تعیین مصداق! (۱)

شارع، یا قانونگذار حکم حرمت شراب را می دهد نه اینکه در عالم واقعی هر ظرف مایعی را حکم کند که آب است یا شراب. او حکم کلی را بیان می کند و تعیین موضوع با افراد است. حکم کلی قرآن نیز تبعیت «تکلیف» از «بلوغ» است اما اینکه چه فردی در چه زمانی بالغ می شود امری موضوعی و تابع تشخیص خود فرد و یا تابع محیط جغرافیایی و عرف است و اگر ائمه (ع) سن مشخصی را مقرر کرده اند از باب ارشاد در موضوع و بر مبنای عرف و وضعیت منطقه بوده است. تفاوت سن بلوغ در روایات نیز به همین دلیل است و نوعاً وضعیت منطقه گرم مانند عراق ملاک بوده است.

از دیدگاه بحث «سببیت» و «طریقیت» (۲) نیز می توان گفت اساساً تعیین سن در روایات، در تشخیص بلوغ "سببیت و موضوعیت" ندارد بلکه "طریقیت" دارد و صرفاً نشان می دهد که یکی از راه های کشف بلوغ حقیقی، رسیدن به آن سنین بوده است.

این امر به معنی آن است که یکی از راه ها برای کشف بلوغ حقیقی در منطقه حجاز و اطراف آن (در زمان صدور روایات) رسیدن به سنین ۹ یا ۱۵ سال بوده است. این نکته به صراحت در برخی روایات معتبر آمده است (صحیحی عبدالله بن سنان از امام صادق: ... و ذلک لأنها تحيض لتسع سنين (کلینی. ج ۷ ص ۶۹). بنا بر این، ملاک حقیقی حکم، بلوغ حقیقی و طبیعی است، و رسیدن به سن خاص، هیچگونه دخالتی در حکم ندارد.

**بلوغ و عقل**

ملازمه‌ای میان بلوغ (آمدگی غریزی و طبیعی برای ازدواج) با مسوولیت کیفری وجود ندارد زیرا کسی که بالغ شد ضرورتاً عاقل و رشید نخواهد بود. پرسش این است که طول دوران کودکی چقدر است؟ چرا بلوغ جنسی معیار باشد نه بلوغ عقلی؟ اساساً سن تکلیف صرفاً تابع بلوغ جنسی نیست و در احکام و مقررات شرعی بلوغ و عقل توأمان مطرح شده‌اند زیرا مجنون به سن بلوغ می‌رسد اما مکلف نیست چون فاقد عقل و تشخیص است.

در امور عبادی، بلوغ شرط کافی است اما در امور مدنی شرط لازم است ولی کافی نیست مگر اینکه بلوغ و رشد توأم شود چنانکه در تصرفات مالی و ازدواج (که در سطور بعد مورد بحث قرار می‌گیرد) بلوغ و عقل کافی نیست و رشد هم شرط است. آیت‌الله مطهری می‌گوید: «عقل غیر از رشد است. افراد یا عاقل‌اند یا مجنون و عاقل‌ها به دو نوع تقسیم می‌شوند یا رشید هستند یا غیررشید. . . رشد در اصطلاح فقهی مربوط به اندام نیست یک نوع کمال روحی است مثلاً در مورد ازدواج باید معنی و هدف و ارزش و نتایج ازدواج را درک کند و قدرت تشخیص و انتخاب و اراده داشته باشد. . . شایستگی اداره، نگهداری و بهره‌برداری از آن را داشته باشد چنین شخصی در آن کار و در آن شأن رشید است.» (مطهری. ۱۳۷۵ ج ۳، ص ۳۱۳ و ۳۱۴)

**معیار تکلیف و معیار کیفر**

به نظر می آید یکی از اشکالات این باشد که سن بلوغ را هم سن تکلیف و هم سن کیفر فرض کرده اند در حالی که آنچه در شرع درباره شرطیت سن بلوغ و بلوغ جنسی گفته شده شرط مکلف شدن فرد در احکام عبادی است مانند زمان تعلق وجوب نماز و روزه برای فرد مسلمان و نمی توان آن را به حوزه امور کیفری هم تعمیم داد. اصل بر بلوغ طبیعی است و تعیین سن برای این است که اگر کسی در سن معین شده بالغ نشد نماز و روزه اش را بخواند و از فضیلت آن محروم نشود. بنابراین معیار کیفر، رشد است نه بلوغ. از زمان پایان طفولیت، گناهان فرد ثبت می شود. از امام رضا(ع) نقل شده است که: وان الصبی لایجرى علیه القلم حتی یبلغ. (مستدرک الوسائل ج ۱/۸۷) بر کودک قلم جاری نمی شود. [گناهان او ثبت نمی شود] تا زمانی که بالغ شود. مسئله ثبت گناهان (برای عقوبت اخروی) غیر از کیفر دنیوی و اجرای حدود و قصاص است. میان گناه و جرم تفاوت وجود دارد.

در روایاتی میان سن شرعی و سن جسمی و سن کیفری تفاوت قایل شده اند. برای مثال از قول امام علی(ع) نقل شده است: یجب الصلوة علی الصبی اذا عقل والصوم اذا اطاق والشهادة والحدود اذا احتلم. (بروجردی، ج ۱۰/۳۱۵ و مستدرک الوسائل ج ۱/۸۵)

نماز هنگامی بر کودک واجب می شود که عاقل گردد و روزه، آن گاه که طاققت جسمانی پیدا کند و حدود، زمانی که محتلم گردد. گرچه

(خصوصاً با توجه به کثرت و اختلاف روایات) ملاک اصلی ما در بررسی موضوع، قرآن است ولی این روایات صرفنظر از درستی و نادرستی شان و یا تعارض شان با روایات دیگر نشان می‌دهند که در حقوق سنتی ما این تفاوت‌گذاری‌ها مطرح بوده‌اند. از امام صادق(ع) نیز نقل شده است: پایان کودکی، زمان محتلم شدن است. اگر کودک محتلم شد، ولی در او رشد نیافتید و سفیه یا ضعیف بود، ولی او باید اموال او را نگاهداری کند. «انقطاع یتیم الیتیم الاحتلام و هو اشد و ان احتلم و لم یؤنس منه رشده و کان سفیهاً او ضعیفاً فلیمسک عنه ولیه ماله» (حرعاملی ۱۷/۳۶۰)

## تفاوت رشد و بلوغ و دلیل شرطیت رشد برای

### مجازات

قرآن نیز میان بلوغ و رشد تفاوت قائل شده و برای معاملات علاوه بر بلوغ، رشد را هم شرط دانسته است و می‌گوید: فابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم (نساء- آیه ۶) یتیمان را وقتی به حد بلوغ برسند، مورد آزمایش معاملاتی قرار دهید؛ و پس از اینکه به سن بلوغ و ازدواج رسیدند اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید.

اما چنانکه در سطور پیش گفته (دیدگاه فقها درباره رژیم حقوقی خاص کودکان) مشاهده شد برخی فقها مانند آیت‌الله فاضل علی‌رغم

تصریح قرآن به تمایز نهادن میان بلوغ و رشد برای واگذاری مسوولیت به افراد، گفته‌اند که «شرط رشد، اختصاص به مسائل مالی دارد و ربطی به مسائل کیفری ندارد» اما به نظر می‌آید این انحصار قابل مناقشه است.

آیت الله مطهری می‌گوید رشد یعنی لیاقت و شایستگی برای نگهداری و بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌هایی که در اختیار انسان قرار داده شده است (مطهری، ۱۳۷۷ ص ۱۳۳). اطمینان از حصول رشد پس از بلوغ شرط واگذاری تصمیم‌گیری در مورد اموال و معاملات به افراد است.

ولا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن حتی یبلغ اشدّه. (انعام ۵۳- اسراف ۳۴)

به مال یتیم نزدیک نشوید، مگر آن که راه بهتری را برگزینید، تا آن که به حد رشد برسد.

ولمّا بلغ اشدّه اتیناه حکماً و علماً و کذلک نجزی المحسنین. (یوسف ۲۲)

چون یوسف به رشد رسید، او را حکمفرمایی و دانش بخشیدیم و نیکوکاران را هم با همین معیار رشد، جزا (پاداش) می‌دهیم. شبیه همین آیه در مورد موسی نیز آمده سپس حکم کلی جزا بیان شده است: ولمّا بلغ اشدّه واستوی اتیناه حکماً و علماً و کذلک نجزی المحسنین (قصص ۱۴) و هنگامی که موسی به رشد رسید و کمال یافت، ما به او حکم و علم بخشیدیم و به نیکوکاران نیز همینگونه جزا می‌

دهیم. در این آیات کلمه جزا مطرح شده است که منحصرًا به معنای پاداش نیست و در موارد زیادی در قرآن به معنای کیفر و مجازات نیز آمده است اما در اینجا به قرینه کلمه محسنین منظور از آن پاداش است. این مطلب یکی از نکات کلیدی در بحث حقوق کودکان در قرآن و معیار بودن سن رشد (نه بلوغ) در کیفر دادن است که همواره مغفول مانده است. زیرا وقتی که «رشد» معیار واگذاری حکم و حکومت و پاداش به نیکوکاری است به طریق اولی معیار کیفر هم به شمار می‌آید. قاعده «إن الشریعة سمحة و سهله» که برگرفته از حدیث پیامبر است (حرعاملی ج ۸، ص ۱۱۶، روایت ۱۰۲۰۹) نیز ایجاب می‌کند که سن رشد ملاک مسوولیت کیفری باشد. آیات ۱۸۵ بقره و ۷۸ حج و ۱۵۷ اعراف نیز مفهوم همین قاعده آسانگیری در شریعت را بیان می‌کنند. از این رو باید قوانین (و شریعت) را تفسیر موسع به نفع متهم کرد و لذا اصل گرفتن اماره ۱۸ سال برای رشد و رهایی کودک و نوجوان از مجازات‌های غیر قابل جبران با این منطق سازگار است.

در یک آیه قرآن اوج سن رشد را ۴۰ سالگی خوانده است «... حتی اذا بلغ اشد و بلغ اربعین سنة...» (احقاف ۱۵) ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر سفارش کردیم. مادر، با رنج، بار حمل را تحمل کرد و با مشقت وضع حمل کرد و سی ماه مدت حمل و شیرخواری بود، تا وقتی که به حد رشد و حتی به نهایت رشد که چهل سالگی است رسید.

«فقها در مسایل مالی رشد را مطرح کرده‌اند و بلوغ را هم ملازم با رشد نمی‌دانند اما در مسایل کیفری رشد را ذکر نکرده‌اند. از قدمای اصحاب تنها کسی که رشد را ذکر کرده علامه حلی است که در کتاب تحریر در بحث قتل عمد می‌گوید: عاقله از طرف کودک مسوول پر داخت دیه است مادامی که کودک به حد بلوغ و رشد نرسیده باشد اما بعد از آنکه به حد رشد و بلوغ رسید دیگر عاقله مسوول نیست» (مرعشی، ۱۳۸۲)

سن رشد امری عرفی است. بنابر تشخیص عالمان روانشناسی و زیست‌شناسی در قوانین اغلب کشورها اماره سن رشد به عنوان سن کیفر ۱۸ سال تمام است و در برخی کشورها ۲۰ و ۲۲ سال. هرچند پژوهش‌ها و آمارها نشان می‌دهند علیرغم سن قانونی ازدواج در این کشورها در بیش از ۵۰ درصد دختران و پسران رابطه جنسی در سنین پایین تر برقرار شده و آمار فزاینده سقط جنین دختران کم سال را به دنبال آورده است. بنابراین وضع قوانین نتوانسته جلوی رابطه جنسی پایین تر از ۱۸ سال را بگیرد و به آن شکل غیرقانونی و ناهنجار و مشکل آفرین بخشیده است.

ممکن است افرادی در سنین کمتر یا بیشتر رشید شوند. اگر چه در احکام شخصی عبادی مانند نماز و روزه می‌توان بلوغ جسمی فرد را ملاک تکلیف قرار داد اما در احکام و قوانین عام و اجتماعی نمی‌توان برای هر شخص یک قانون وضع کرد و بر مبنای استثنائات ولو استثنای کثیر، قاعده بنا کرد. قاعده بر مبنای اغلب بنا می‌شود.

بنابراین روایاتی که می‌گوید اگر دختر به ۹ سالگی رسید می‌تواند در مال خود تصرف کند با این فرض است که دختر در ۹ سالگی که به بلوغ می‌رسد به رشد هم رسیده باشد.

در قوانین ایران پایین بودن سن مسوولیت کیفری به دلیل آن است که مسوولیت کیفری را بر مبنای سن بلوغ مقرر کرده‌اند. در حالی که اولاً اگر سن بلوغ معیار باشد نمی‌توان سن ۹ یا ۱۵ سال را سن قطعی و جهانشمول قرارداد ثانیاً مسوولیت سن کیفری را اساساً باید بر مبنای رشد لحاظ کرد نه بر مبنای بلوغ.

### قانون مدنی

در قانون مدنی که به تصویب فقهارسیده است میان رشد و بلوغ تمایز نهاده‌اند اما این تمایز را در کیفر دادن مورد توجه قرار نمی‌دهند. در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی اصلاحی سال ۱۳۶۱ آمده است: هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ، به عنوان جنون یا عدم رشد، محجور نمود، مگر آن که رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

تبصره ۱: سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است.

تبصره ۲: اموال صغیری را که بالغ شده است، در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.

در قوانین مدنی اغلب کشورها سن قانونی ازدواج را نیز سن رشد قرار داده‌اند نه سن بلوغ. اما از نظر شریعت اسلام اگر نکاح از سن بلوغ به

بالاصورت گیرد صحیح است ومانعی ندارد افراد در سنین بالاتر ازدواج کنند کماینکه پیامبر اسلام در ۲۵سالگی ازدواج کرد. جواز ازدواج از سن بلوغ به بالا به معنای اجباری بودن آن نیست بلکه اجبار به ازدواج حتی در سن پس از بلوغ، حرام و ممنوع وبلکه ازدواج باطل است ورضایت و اختیار شرط صحت هر عقدی است. نکته مهم دیگر این است که در قانون مدنی ایران سن ۱۸ سالگی را برای مسوولیت های مدنی و اجتماعی رسماً پذیرفته اند. برای مثال در قانون نظام وظیفه، خدمت سربازی برای افراد پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی اجباری است و برای اخذ گواهینامه رانندگی نیز سن ۱۸ سال تمام شرط شده و پیش از آن سن رانندگی یا صدور گواهینامه برای فرد غیرقانونی است و اگر مرتکب حادثه غیرعمدی شود در حکم جرم عمدی قرار می گیرد. این در حالی است که پس از انقلاب ماده ۱۲۰۹ مصوب سال ۱۳۱۴ را اصلاح و بلوغ را به جای سن ۱۸ سال معیار قرار دادند.

#### **اهلیت ازدواج و اهلیت مجازات**

چگونه می توان کسی را که هنوز اهلیت و صلاحیت ازدواج، تشکیل خانواده و اداره یک زندگی را نیافته و رشد لازم برای پذیرش این مسوولیت را به دست نیاورده از نظر عقلی و اجتماعی و روانی در حدی دانست که اهلیت مسوولیت کیفری یافته و در جرایم و مجازات ها با او همانگونه رفتار کرد که با افراد بالغ و عاقل و رشید

رفتار می‌شود؟ این در حالی است که برخی از علما و حقوقدانان اسلامی صرف بلوغ جنسی و یا رسیدن به سن ۱۳ سالگی برای دختر و ۱۵ سالگی برای پسر را برای ازدواج و پذیرش مسوولیت خانوادگی کافی نمی‌دانند. آیت‌الله مطهری می‌گوید: «گمان نمی‌کنم یک نفر قاضی تاکنون پیدا شده باشد و مدعی شده باشد که از نظر قانون مدنی، رشد عقلی و فکری در ازدواج شرط نیست و یک دختر سیزده ساله که معنی ازدواج و انتخاب همسر را نمی‌فهمد می‌تواند ازدواج کند. قانون مدنی در ماده ۲۱۱ چنین می‌گوید: «برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند.» هر چند در این جمله [کلمه] متعاملین به کار رفته و باب نکاح باب معامله نیست اما چون دنباله یک عنوان کلی است (دنباله عقود، معاملات و الزامات) که از ماده ۱۸۱ آغاز می‌شود، کارشناسان قانون مدنی ماده ۲۱۱ را به عنوان اهلیت عام تلقی کرده‌اند که در همه عقود لازم است. در تمام قباله‌های قدیم نام مرد را پس از «البالغ العاقل الرشید» و نام زن را پس از «البالغه العاقله الرشیده» ذکر می‌کردند. چگونه ممکن است نویسندگان قانون مدنی از این نکته غافل مانده باشند.» (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۹۷ و ۹۸)

آیت‌الله مطهری در کتاب دیگری به بیان دیدگاه خود در زمینه بلوغ و شروط تکلیف شرعی و مدنی پرداخته است که می‌تواند مکمل سخنان فوق باشد. وی با تمایز نهادن میان بلوغ طبیعی و قانونی می‌گوید: «هر کسی در حقیقت یک بلوغ طبیعی دارد. به طور دقیق

نمی‌توان یک زمان معین را مرحله بلوغ برای همه افراد معین کرد. ممکن است بعضی از افراد از بعضی دیگر زودتر به مرحله بلوغ طبیعی برسند. خصوصیت فردی افراد و همچنین خصوصیات منطقه‌ای و محیطی در تسریع یا تأخیر بلوغ طبیعی تأثیر دارد. از نظر قانونی لازم است یک سن معین که سن متوسط عموم است و یا سنی که حداقل سن بلوغ است (به‌علاوه شرطی دیگر مانند رشد در فقه اسلامی) در نظر گرفته شود تا همه افراد یک ضابطه داشته باشند. بنابراین ممکن است افرادی به بلوغ طبیعی رسیده باشند ولی هنوز به سن بلوغ قانونی نرسیده باشند. «مطهری، ۱۳۷۵، ص ۲۹۳»

آیت‌الله مطهری گرچه قایل به تعیین سن دقیق برای بلوغ همگان نیست اما چون معتقد است «طبق نظر اکثریت علمای شیعه، بلوغ قانونی مرد از نظر سن تمام شدن پانزده سالگی به سال قمری و ورود در شانزده سالگی تعیین شده است و بلوغ قانونی زن تمام شدن نه سالگی و ورود در ده سالگی تعیین شده است و بلوغ قانونی [سن معین] یکی از شرایط تکلیف است یعنی فردی که به مرحله قانونی نرسیده مکلف نیست مگر با دلیل ثابت شود که به مرحله بلوغ طبیعی قبل از بلوغ قانونی رسیده است. «همان منبع) لذا آیت‌الله مطهری می‌گوید: «عقل»، «آگاهی از حکم»، «قدرت و توانایی انجام تکلیف»، «آزادی و اختیار» و «بلوغ» هم شرط تکلیف است و هم شرط صحت عمل است اما معتقد است «رشد» شرط صحت عمل هست اما شرط تکلیف نیست و در «قانونگزاری اسلام برای کسی که

می‌خواهد یک کار اجتماعی را عهده‌دار شود مثلاً می‌خواهد ازدواج کند یا می‌خواهد مستقلاً معامله‌ای را انجام دهد یعنی می‌خواهد در مال و ثروت شخصی خود تصرف کند لازم است علاوه بر سایر شرایط عمومی یعنی بلوغ و عقل و قدرت و اختیار، «رشد» هم داشته باشد. رشد یعنی لیاقت و شایستگی اداره آن کاری که می‌خواهد به عهده بگیرد. « (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۳۰۱ و ۳۰۲)

به بیان دیگر می‌توان گفت آیت‌الله مطهری همه شرایط را برای مکلف شدن در عبادات لازم می‌داند اما برای عهده‌دار شدن مسوولیت‌های اجتماعی، رشد را هم شرط می‌داند. آیا می‌توان بلوغ طبیعی را برای اهلیت فرد در تحمل کیفر همانند افراد بالغ عاقل رشید کافی دانست در حالی که چنین فردی هنوز اهلیت ازدواج و معامله و مسوولیت‌های مدنی و اجتماعی را ندارد؟

### طیف بلوغ و معدل سنی ۱۸ سال

غیر از بحث رشد و تفاوت آن با بلوغ که از قرآن قابل استنباط است، یکی دیگر از مفاهیمی که در قرآن مطرح شده و برای اجتهاد در مسئله می‌تواند گشاینده باشد واژه یا مفهوم بلوغ اشد است. منظور از بلوغ اشد چیست؟ گفته اند: «اشد به معنی استحکام و قوت جسمی و روحی است و بلوغ اشد به معنی رسیدن به این مرحله است» (مکارم، ص ۳۶۳) در قرآن گاهی این کلمه به معنای سن بلوغ آمده است مانند

آنچه در آیه « ولا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن حتی یبلغ اشدّه. (انعام ۵۳-اسرا ۳۴) آمده است که می گوید نزدیک مال یتیم نشویدمگر به نحو احسن یعنی تا زمانی که به حد بلوغ برسد.

گاهی نیز این کلمه به معنای چهل سالگی آمده است مانند آیه « حتی اذا بلغ اشدّه و بلغ اربعین سنه. . . (احقاف ۱۵) که می گوید تا زمانی که بلوغ اشد پیدا کند و به چهل سالگی برسد.

گاهی به معنای میانسالی (قبل از پیری) آمده است که تقریباً همان چهل سالگی می شود مانند آیه «ثم یخرجکم طفلاً ثم لتبلغوا اشدکم ثم لتکونوا شیوخاً» (غافر ۶۷) که می گوید سپس خداوند شما را به صورت اطفالی از عالم جنین بیرون می فرستد سپس به مرحله بلوغ اشد می رسید سپس به مرحله پیری.

نکته جالب این است که این تلقی از بلوغ در جامعه عربستان بود که به دلیل گرمسیری آن افراد زودتر از سایر مناطق به بلوغ می رسیدند. در مورد ابراهیم (ع) نیز می گوید « و لما بلغ اشدّه و استوی آتیناه حکماً و علماً (قصص ۱۴) و مشابه آن در آیه دیگری « و لما بلغ اشدّه آتیناه حکماً و علماً (یوسف ۲۲) است که می گوید هنگامی که به مرحله بلوغ وقوت رسید (اشد بلوغ) حکمت و علم - حکومت و قدرت برداوری و علم ودانایی - به او عطا کردیم.

بنابراین صرف نظر از مباحثی که درباره «رشد» و شرطیت آن در این نوشتار مطرح گردید، خود اصطلاح بلوغ نیز منصرف به یک سن ثابت و مفهومی ایستا نیست. به عبارت دیگر مفهوم بلوغ در قرآن به

صورت طیفی مطرح است که حداقل و حداکثری برای آن معین شده است. اگر ابتدای بلوغ را «بلوغ اخف» در مقابل «بلوغ اشد» بدانیم قرآن برای بلوغ اخف یا آغاز بلوغ، سنی مقرر نکرده و این مرحله را می‌توان همان مرحله احتلام دانست که با تعبیر " حُلْم " در قرآن مشخص گردیده است یعنی هنگامی که غریزه جنسی فرد در نوجوانی شکوفا می‌شود و موی زهار می‌روید ولی بالاترین مرحله را که بلوغ اشد است قرآن تصریحاً سن چهل سالگی می‌داند اما بلوغ اشد حدوداً از سنین ۱۸ سالگی به بعد آغاز می‌شود و کمال آن چهل سالگی است. بنابراین می‌توان تقسیم‌بندی دیگری تحت عنوان بلوغ جنسی و بلوغ جسمی داشت که منظور از بلوغ جسمی کمال عقل و قوت جسم است. بلوغ جسمی که قدرت بر تولید نسل و تربیت فرزند نیز به این مرحله متعلق است و به صرف بلوغ جنسی این قدرت و صلاحیت برای فرد به وجود نمی‌آید و آنچه مسلم است بلوغ جسمی پس از بلوغ جنسی است.

اگر نهایت بلوغ جسمی چهل سالگی باشد آغاز آن تابع عرف است زیرا بسته به اشخاص و محیط‌های جغرافیایی و حتی سطح رفاه اجتماعی و تغذیه یک جامعه متفاوت است و در یک جامعه آفریقایی و فقیر و یک جامعه اروپایی و ثروتمند یکسان نیست. به همین دلیل در کشورهای مختلف سن مسوولیت کیفری متفاوت است. در قانون مدنی مصر سن رشد را ۲۱ سال کامل میلادی در سوئیس ۲۰ سال و در یوگسلاوی ۲۱ سال می‌دانند و رشد با بلوغ جسمی نسبت

مستقیم دارد. با توجه به آنچه گذشت در تفاسیر و روایات نیز سنین مختلفی برای بلوغ گفته‌اند که برخی ناظر به بلوغ جنسی و برخی ناظر به بلوغ جسمی است ولو اینکه بدان تصریح نکرده باشند اما برخی از مفسران معدل این سن را ۱۸ سالگی دانسته‌اند.

تفسیرالمیزان آیه ۱۴ سوره قصص را اینگونه ترجمه کرده است: «و چون موسی به حد رشدش رسید و جوانی تمام‌عیار شد او را حکمت و علم دادیم» (طباطبایی، ج ۱۶، ص ۶). در حقیقت از نظر قرآن سن قابلیت دریافت حکم و علم و رهبری، اشد بلوغ است. علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد «بلوغ اشد به معنای این است که انسان آنقدر زنده بماند تا نیروی بدنی‌اش به حد قوت و شدت برسد و این غالباً در هجده سالگی صورت می‌گیرد و کلمه (استوی) از استواء است که به معنای اعتدال و استقرار می‌باشد. پس استواء در حیات به معنای این است که آدمی در کار زندگی‌اش استقرار یابد و این در افراد، مختلف است و بیشتر بعد از بلوغ اشد یعنی بعد از هجده سالگی حاصل می‌شود» (طباطبایی، ج ۱۶، ص ۱۹).

آیه مربوط به امتحان یتیمان را می‌توان مکمل و مفسر کلمه استواء در این آیه دانست. علامه طباطبایی همچنین در تبیین آیه ۲۲ سوره یوسف می‌نویسد: «بلوغ اشد به معنای سنینی از عمر انسان است که در آن قوای بدنی‌اش رفته‌رفته بیشتر شده و به تدریج آثار کودکی زایل می‌شود و این از سال هجدهم تا سن کهولت و پیری است که در آن موقع دیگر عقل آدمی پخته و کامل شده است و ظاهراً مراد از

آن رسیدن به ابتدای سن جوانی است نه اواسط یا اواخر آن که حدود چهل سالگی است به دلیل آیه‌ای که درباره موسی(ع) فرموده و لما بلغ اشدّه و استوی آتیناه حکماً و علماً (قصص ۱۴) زیرا در این آیه کلمه استوی را آورد تا برساند موسی به حد وسط اشد رسیده بود که ما مبعوث‌اش کردیم و در آیه حتی اذا بلغ اشدّه و بلغ اربعین سنه... (احقاف ۱۵) چون می‌خواستند برسانند که موسی در اواخر بلوغ اشد خود چنین و چنان گفت، کلمه چهل سالگی را هم اضافه کرد و اگر بلوغ اشد به معنای چهل سالگی بود دیگر حاجت به ذکر «بلغ» و تکرار آن نبود بلکه می‌فرمود «حتی اذا بلغ اشدّه اربعین سنه» (طباطبایی، ج ۱۱، ص ۱۸۳) از سخنان علامه طباطبایی هم می‌توان طیفی بودن بلوغ و اقل و اکثر داشتن آن در قرآن را برداشت کرد و هم تفاوت بلوغ جنسی و بلوغ جسمی و هم اینکه بلوغ جنسی برای مسوولیت کافی نیست و بلوغ جسمی لازمه مسوولیت و صلاحیت است و نیز سن هجده سالگی سن بلوغ در دیدگاه علامه طباطبایی است. تفسیر نمونه نیز ذیل آیه ۱۵ سوره احقاف که سن چهل سالگی را اوج بلوغ یا بلوغ اشد خوانده می‌نویسد: «بعضی از مفسران، بلوغ اشد (رسیدن به مرحله توانایی) را با رسیدن به چهل سالگی هماهنگ و برای تأکید می‌دانند ولی ظاهر این است که بلوغ اشد اشاره به بلوغ جسمانی دارد و رسیدن به اربعین سنه (چهل سالگی) اشاره به بلوغ فکری و عقلانی است چرا که معروف است انسان غالباً در چهل سالگی به مرحله کمال عقل می‌رسد و گفته‌اند که غالباً

انبیاء در چهل سالگی مبعوث به نبوت شده‌اند. ضمناً در اینکه سن بلوغ قدرت جسمانی چه سنی است؟ در آن نیز گفتگو است. بعضی همان سن معروف بلوغ را می‌دانند که در آیه ۳۴ اسراء در مورد یتیمان نیز به آن اشاره شده در حالی که در بعضی از روایات تصریح شده که سن هجده سالگی است» (مکارم، ج ۲۱، ص ۳۲۸)

این در حالی است که برخی از پیشوایان اسلام و فقیهان نیز سن هفده و هجده را سن بلوغ دانسته‌اند بدون اینکه تصریح کنند منظورشان بلوغ جنسی است یا جسمی گرچه چون در بحث مربوط به بلوغ جنسی متعرض آن شده‌اند می‌توان گفت منظورشان بلوغ جنسی بوده است که طبعاً بلوغ جسمی بعد از آن قرار می‌گیرد.

«ابوحنیفه گفته است: حد بلوغ المرأه سبع عشره سنه بکل حال وله فی الذکر روایتان، اِحدیهما سبع عشره سنه کالانثی وَاخری ثمانی عَشْرَه سَنَه کامله

حد بلوغ زن هفده سال است در همه حال و نسبت به مرد دو روایت از ابی حنیفه آمده است یکی هفده سال همانند زن و یکی هجده سال کامل. و قال اصحابُ مالکٍ فی الغلامِ و المرأه سَبْعَ عَشْرَه و ثمانی عَشْرَه سَنَه

و ما لکيه در پسر و دختر هفده سال و هجده سال را قائل شده‌اند - یعنی در پسر هفده سال و در دختر هجده سال» (موسوی غروی، ۵۷۷)

«ابن حزم پایان نوزده سالگی را سن بلوغ پسران و دختران می‌داند»

(مهریزی، ۳۹۳)

بنابر آنچه مسطور شد می‌توان گفت در قرآن و فقه دو نوع بلوغ مشخص شده که اولی ملاک تکلیف شرعی و دومی ملاک تکلیف مدنی و اجتماعی است و انسان اجتماعی را معرفی می‌کند.

### تمایز بلوغ شرعی و بلوغ مدنی

نتیجه بحث اینکه با تمایز نهادن میان بلوغ شرعی و بلوغ مدنی سن ۱۵ سال قمری در پسران و ۹ سال قمری در دختران را اماره بلوغ برای انجام تکالیف مذهبی دانسته و سن ۱۸ سال را اماره رشد می‌دانیم. در قانون مدنی افراد زیر ۱۸ سال را غیررشید می‌دانند زیرا طبق ماده ۲۱۱ و ۱۲۱۴ معاملات و تصرفات غیر رشید در اموال خود نافذ نیست و اعتبار معاملاتشان به نماینده قانونی آنها بستگی دارد. در ماده ۱۲۰۹ مصوب ۱۳۱۴ آمده بود هر کس که دارای ۱۸ سال تمام نباشد غیر رشید است. گرچه این ماده در دوره جمهوری اسلامی حذف شد و بلوغ معیار قرار گرفت اما تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ بالغ را لزوماً رشید نمی‌داند و رویه قضایی و اداری نیز اثبات رشد را در افراد بالای ۱۸ سال می‌داند و اصل بر صحت معاملات آنهاست مگر غیررشید بودنشان ثابت شود.

اجمالاً می‌توان گفت تفاوت حد بلوغ در مسائل عبادی و غیرعبادی و خصوصاً کیفر شدیدی چون «قصاص» که اقدامی جبران ناپذیر است از برخی روایات و نظریات فقهی استفاده می‌شود، ولی پژوهشی کامل و استدلال کافی درباره آن را به مجال دیگری می‌سپاریم.

## منع قصاص برای قتل های اتفاقی

گزارش پیوست دربخش دوم این نوشته در مورد ۳۷ نوجوان محکوم به قصاص (که اعدام شده اند) نشان می دهد ۱۱ مورد بخاطر اعمال منافی عفت که گاه توام با شرب خمر و یا اخلاص بوده محکوم شده و ۲۶ مورد دیگر جرم شان قتل عمد است. در جدول منتظرین اعدام نیز عده ای از افراد بخاطر قاچاق مواد مخدر محکوم به اعدام شده اند. بنابراین ۱۱ نفر از اعدام شدگان اساساً قتلی مرتکب نشده اند و از محکومان قتل عمد نیز چند مورد از نوع قتل های ارتجالی یا اتفاقی است که نمی تواند مصداق قتل عمد باشد (پیشتر در نوشته ای تفصیلاً به دلیل فقهی و حقوقی منع قصاص برای قتل های ارتجالی پرداخته شده است که در اینجا از تکرار در می گذرم و به آن ارجاع می دهم) اساساً از دیدگاه کارشناسان، تفاوت جرایم اطفال و نوجوانان با سایر سنین این است که جرایم کودکان و نوجوانان نوعاً اتفاقی است نه سازمان یافته. باید به کودکان که در آغاز راه زندگی خویش هستند فرصت کافی داده شود نه اینکه با یک اتهام یا محکومیت آنان را درجاده مجرم شدن بیفکنیم.

## وراثت و محیط

طبق یافته‌های تجربی علوم روانشناسی و تربیتی و نیز احادیث و روایات، در دوران طفولیت و نوجوانی نقش عامل وراثت در رفتارهای انسانی قوی‌تر از نقش عامل تربیتی و اکتسابی است. نباید فراموش کرد همانطور که برخی از نارسایی‌های جسمی وراثتی، مربوط به شکل‌گیری نطفه و انعقاد آن در رحم است حسن اخلاق و شقاوت نیز تاحدی ناشی از وراثت است و ژن‌های فعال و غیرفعال ممکن است در نسلی یا فردی ظاهر و در فرد دیگری غایب شوند. روایات مذهبی فراوانی نیز دلالت بر همین نکات دارند که در این مختصر از ذکر آنها صرف‌نظر می‌کنم و به یکی از کتاب‌ها که نمونه‌هایی از این روایات را نقل و شرح داده است ارجاع می‌دهم (فلسفی، ۱۳۶۸). با حذف وراثت و اصالت دادن به تربیت نیز، در سنین کودکی و نوجوانی هنوز انسان، فاقد استقلال و شخصیت کامل و تلقین‌پذیر است. کودک بزهکار مجرم بالفطره نیست و از هنگام زاده شدن بزهکار به دنیا نیامده و رفتارش را از خانواده و جامعه آموخته است. کافی است هر کسی فقط لحظاتی کودک بزهکار را جای فرزند خویش بینگارد تا بتواند موقعیت او در ارتکاب جرم را درک کند.

### کودکان مجرم، محصول و قربانی اجتماعی شدن نادرست

«جامعه‌شناسان نشان داده‌اند که یکی از علل عمده بزهکاری "اجتماعی شدن" کودکان در گروه‌هایی است که دارای ارزش‌ها و معیارهای ضداجتماعی هستند. برای مثال کودکی که در خانواده‌ای نادرست بار می‌آید و همسالان و همبازی‌های او نیز دارای ارزش‌های ضداجتماعی هستند و فرضاً به شیطنت و ارتکاب جرائم ساده دست می‌زنند برای آنکه در این محیط‌های خاص پذیرفته شود باید اجباراً خود را با شرایط آن سازش دهد. به این ترتیب در اثر «اجتماعی شدن» در محیط‌های جرم‌زا، ارزش‌ها و رفتارهای ضداجتماعی را فرا می‌گیرد. همین واقعیت کوچک که تنها یکی از تحقیقات و کشفیات متعدد جامعه‌شناختی است دید وسیع‌تر و صحیح‌تری را در زمینه علل بزهکاری از یک طرف و تأثیر اجتماعی مجازات‌ها از طرف دیگر ارائه می‌دهد» (صانعی، ۸۳)

بنابراین در مقوله ارتکاب جرم و مجازات کودکان و نوجوانان، نادیده گرفتن زمینه‌ها و علل بزهکاری از بعد جامعه‌شناختی، دور افتادن از عدالت در قضاوت و اعمال مجازات‌های نارواست. نمی‌توان هر مجرمی را جدا از متن اجتماعی و شبکه عوامل و شرایطی که گرد او تنیده شده‌اند مورد قضاوت و مجازات قرار داد لذا لازمه رعایت عدالت ملحوظ داشتن همه این عوامل است که در نتیجه نوجوانان را از مجازات‌های سنگینی چون اعدام می‌رهاند زیرا آنها بیش از هر گروه سنی دیگر بازپچه محیط و شرایط هستند.

## قاعده درء

حدیث «تدرأ الحدود بالشبهات» از قول پیامبر اسلام (حرعاملی ج ۱۸، ص ۳۳۵) روایت مشهوری در میان اهل سنت و شیعه است که در قوانین جزایی به آن استناد می‌شود و به یکی از قواعد اساسی حقوق جزا تبدیل شده است. طبق این قاعده با کمترین شبهه‌ای اجرای حدود (و قصاص که به موجب وجوب احتیاط در دماء و نفوس به طریق اولی مهم تر از حدود است) متوقف می‌گردد. در اینکه ورود شبهه موجب توقف حدود و قصاص است اتفاق نظر وجود دارد اما استفاده ما از قاعده درء در اینجا به این منظور است که معتقدیم مجازات کودک و نوجوان بطور کلی مشمول شبهه و قاعده درء است زیرا یافته‌های روانشناختی در مورد بزهکاری کودکان از حیث علمی و تجربی چندان متقن است که نمی‌توان به آنها بی‌اعتنا بود. کمترین پیامد این یافته‌ها تردید در رسیدن افراد زیر ۱۸ سال به رشد و استقلال کامل در درک و نیز شخصیت کامل و استحقاق کیفر در صورت بزهکاری است. مشاهده افراد رشید زیر ۱۸ سال را باید استثنائی بر قاعده فرض کرد. آیت‌الله منتظری از جمله فقهای است که گرچه رشد به معنای درک نفع و ضرر در امور مالی را ملازم با اجرای حدود و قصاص نمی‌داند ولی آنرا از رشد عقلی جدا دانسته و رشد عقلی را ملاک اجرای حدود و قصاص می‌گیرد که معمولاً با

ظهور امارات بلوغ قابل احراز است مگر خلاف آن ثابت شود. اما وی قاعده درء را در این زمینه مناسب تر می داند. درزیر متن پرسش و پاسخ در استفتایی که از آیت الله منتظری بعمل آمده است نقل می شود:

**سوال:** در حال حاضر در کشور ما ملاک مسوولیت کیفری را سن بلوغ قرار داده اند. بنابر این دختر در ۹ سال و پسر در ۱۵ سالگی تمام قمری دارای مسوولیت کیفری می شوند.

این در حالیست که همین دختر ۹ ساله و پسر ۱۵ ساله به استناد نص قرآن کریم (سوره نساء. آیه ۶) از دخالت در امور مالی منع شده و دخالت او به احراز رشد وی موکول گردیده است و بعلاوه در کتاب «الوسیله الی نیل الفضیله» درخواست قصاص از جانب وی به عنوان ولی دم نیز در صورت احراز رشد او امکان پذیر است. آیا دختر ۹ ساله و پسر ۱۵ ساله که از دخالت در امور مالی اش ممنوع است را می توان دارای اراده آزاد دانست و بر او مسوولیت کیفری بار کرد؟ در حالی که عملاً دختر نه ساله توانایی درک و تمییز بسیاری از مسائل را ندارد.

شاید مطرح شدن اینگونه سوالات در این زمان به این دلیل باشد که امروز پس از حدود ۱۴۰۰ سال حکومت مستقل شیعی در کشور ما تشکیل گردیده است و نیاز به تعیین سنی برای بارشدن مسوولیت کیفری پر رنگ تر شده است. از این رو پس از تحقیق در این زمینه و مشاهده مشکلات ناشی از آن در عرصه عمل سوالاتی مطرح شده

است که تقاضای پاسخگویی مشروح از جانب شما به این سوالات را داریم:

- ۱- آیا تفاوتی میان رشد و بلوغ قائلید؟
  - ۲- رشد را با چه امارات یا نشانه‌هایی می‌توان احراز کرد؟
  - ۳- شما مبنای مسوولیت کیفری را رشد می‌دانید یا بلوغ؟
  - ۴- آیا نمی‌توان به استناد ممنوعیت فرد از دخالت در امور مالی قبل از رشد به نقض اراده آزاد وی استناد کرد؟
  - ۵- با توجه به قاعده «درأ» آیا در بحث اجرای حدود می‌توان این نقص را شبهه دانست و حد را ساقط کرد؟
- جواب:** رشد به معنای قدرت درک نفع و ضرر مالی که شرط رفع حجر در تصرفات مالی است، در اجراء حدود و قصاص شرط نیست ولی رشد عقلی به معنای قدرت تمیز و درک خوبی و بدی و حرمت و وجوب، شرط مسوولیت کیفری می‌باشد، لذا چنانچه فردی از این جهت رشد نیافته باشد حدود بر او جاری نمی‌شود و رشد به این معنا معمولاً با تحقیق امارات بلوغ ملازم و قابل احراز است مگر خلاف آن ثابت شود. البته روشن است که شرط دیگر حدود و دیگر مجازات‌ها علم به حرمت است، لذا با ادعاهای عدم اطلاع از حرمت فعل در مواردی که نزد عقلا محتمل باشد چنانکه معمولاً در افراد تازه بالغ چنین است نمی‌توان حدود را جاری کرد و مورد «تدرأ الحدود بالشبهات» می‌باشد.

**شبهه، استثنا یا قاعده**

به نظر می آید آیت الله منتظری نیز در این فتوا مانند برخی دیگر از فقها رشد در آیه فان آنستم منهم رشداً را در خصوص تصرفات مالی می دانند اما بطور کلی رشد عقلی را شرط مسوولیت کیفری می دانند. تا اینجا با نظر سایر فقها اختلافی مشاهده نمی شود چنانکه از قول آیت الله مکارم نیز در سطور بالا نقل شد که می گوید: سن قانونی پسر و دختر از نظر اسلام همان است که در رساله ها آمده است، منتها برای شمول قوانین جزائی نسبت به نوجوانان کم سن و سال، لازم است حد نصاب رشد عقلی در زمینه مسائل جزایی احراز شود و اگر در مواردی مشکوک باشد حدود و قصاص مشمول قاعده درء است.

آیت الله منتظری معمولاً رشد عقلی را با تحقق امارات بلوغ قابل احراز می داند مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. این دیدگاه گرچه به نظر می آید راه تازه ای است چنانکه قوه قضاییه در جریان رایحه لایحه تشکیل دادگاه اطفال با مجلس متن فتاوی آیات مکارم و همدانی را به عنوان پشتوانه ماده ۲ و بند ۳ ماده ۳۳ مبنی بر لغو اعدام کودکان زیر ۱۸ سال پیوست کرده و در مجله حقوقی دادگستری (جمشیدی، ص ۷۹-۸۰) به چاپ رسیده است اما واقعیت این است که این فتوا نمی تواند پشتوانه مواد پیشنهادی فوق باشد زیرا در حقیقت همان نظریه رایج در فقه سنتی است که طبق آن افراد بالغ مشمول مجازات حدی می شوند مگر اینکه محرز شود سفیه یا مجنون هستند. در واقع اگر جانی بالغ باشد ولی عاقل نباشد اعدام

نمی‌شود و این حکم اختصاص به کودکان و نوجوانان ندارد بلکه اگر فردی در سنین میانسالی و بزرگسالی هم باشد مجازات نمی‌شود. بنابراین شرط کردن رشد عقلی به تنهایی مانعی برای اعدام‌های زیر ۱۸ سال نخواهد بود و طبق این فتوا اصل وقاعده بر این است که هر فرد زیر ۱۸ سال که بالغ شده اعدام می‌شود مگر اینکه محرز شود رشد عقلی ندارد یعنی عدم اعدام زیر ۱۸ سال استثناست نه قاعده. اما آنچه در این تحقیق از قاعده درء استنباط شده این است که اصل و قاعده بر این است که کل مجرمین جرایم سنگین در سنین زیر ۱۷ یا ۱۸ یا ۱۹ سالگی بر اساس یافته‌های دقیق تجربی روانشناسان، جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان به دلیل اینکه نوعاً به رشد عقلی و استقلال شخصیتی کامل نرسیده‌اند مشمول قاعده درء بوده و اینکه افرادی در سنین پایین‌تر از آن به رشد عقلی و یا نبوغ رسیده باشند استثناست. در عین حال از این قاعده نیز نمی‌توان نتیجه گرفت که اصل بر این است که افراد زیر ۱۸ سال اعدام نمی‌شوند مگر اینکه محرز شود که رشد عقلی کامل داشته‌اند، زیرا موارد استثنا معمولاً از قانون کلی تبعیت می‌کند و در هیچ نظامی برای موارد استثنایی قوانین جداگانه وضع نمی‌کنند. در دیدگاه قبلی که اصل بر مجازات بالغی است که نوعاً رشد عقلی او با امارات بلوغ ظاهر می‌شود تنها نکته‌ای که به عنوان یک مفر برای جلوگیری از اعدام زیر ۱۸ سال مطرح گردیده این است که شرط اجرای حدود و دیگر مجازات‌ها علم به حرمت است، لذا با ادعاهای عدم اطلاع از حرمت فعل در مواردی

که نزد عقلا محتمل باشد چنانکه معمولاً در افراد تازه بالغ چنین است نمی توان حدود را جاری کرد و مورد «تدرأ الحدود بالشبهات» می باشد.

این اصل یعنی اطلاع از حرمت فعل گرچه گفته شده است که معمولاً در مورد افراد تازه بالغ می توان گفت به دلیل تازه بالغ شدن احتمالاً از حرمت فعل اطلاع نداشته اند و آنرا مشمول قاعده درء کرد اما باز هم راه حل اساسی نیست زیرا مجازات اعدام زیر ۱۸ سال را (چنانکه ماده ۲ و بند ۳ ماده ۳۳ پیشنهادی لایحه تشکیل دادگاه اطفال مطرح ساخته) بطور کلی ملغی نمی کند زیرا:

اولاً: موضوع اعدام زیر ۱۸ سال دایرمدار احراز اطلاع و عدم اطلاع کودک مجرم می شود و اگر یک قاضی می تواند استدلال کند که تشخیص داده است کودک از حرمت فعل اطلاع داشته لذا حکم اعدام او را صادر کرده است. به این ترتیب منع قانونی اعدام زیر ۱۸ سال وجود ندارد و همانگونه که با وجود دستورالعمل رئیس قوه قضاییه مبنی بر عدم صدور احکام اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال همچنان قضات چنین احکامی را به استناد اینکه قانون آنرا منع نکرده صادر می کنند باز هم چنین احکامی صادر خواهد شد.

ثانیاً: می توان استدلال کرد که برای بسیاری از جرایم مجازات‌هایی مقرر شده که نه تنها کودکان که بسیاری از بزرگسالان هم از آن اطلاع ندارند گرچه اگر فرد بزرگسالی ادعا کند اطلاع نداشته معذور از مجازات نخواهد بود اما قتل از زمره جرایمی است که هر کس

حتی افراد بالغ زیر ۱۸ سال نیز بدون اینکه قانون را بدانند چون ممیز هستند به خوبی و بصورت فطری درک می‌کنند که جرم بزرگی است و از قبیل سایر جرایم عادی نیست.

ثالثاً: اصل اطلاع داشتن از حرمت فعل اختصاص به کودکان ندارد و شامل افراد در همه سطوح سنی می‌شود و حتی به قشر بندی‌های اجتماعی نیز می‌توان تعمیم داد. برای مثال غالباً افراد روستایی و ساکن در نقاط دورافتاده و محروم مشمول بی‌اطلاعی از بسیاری از قوانین و مقررات هستند. این در حالی است که موضوع و مشکل مورد بحث و تحقیق عبارت است از چرایی ممنوعیت اجرای مجازات‌های حدی مانند قصاص برای کودکان یا افراد زیر ۱۸ سال.

هنگامی که وجود شبهه به عنوان قاعده درء برای کل مجرمین تازه بالغ و ممیز پذیرفته شد پرسش و مشکل بعدی این است که برای وضع قانون نمی‌توان زمان رشد کامل عقلی را شناور گذاشت و قاضی را متحیر ساخت. گرچه نمی‌توان بصورت ریاضی وار زمان دقیقی برای بلوغ عقلی غالب جوانان معین کرد اما می‌توان با مراجعه با عرف و به یافته‌های تجربی روانشناسان گفت از آنجا که تازه بالغان غالباً از سنین ۱۷ یا ۱۸ به بالا به رشد کامل عقلی می‌رسند در قانون سن X را مبدا مسوولیت کیفری قرار می‌دهیم. از همین رو است که برخی از کشورها سن ۱۶ و برخی سن ۱۷ و غالباً سن ۱۸ را ملاک قرار داده‌اند کشورهای اسکاندیناوی برای اعایت احتیاط و اطمینان سن ۲۰ یا ۲۲ سالگی را مبدا مسوولیت کیفری گرفته‌اند. اما آنها که مجازات

اعدام را لغو کرده‌اند مجازات‌های کیفری دیگری را جایگزین ساخته‌اند و آنانکه اعدام را برای سنین بالای ۱۸ سال لغو نکرده‌اند مشمول این مجازات قرار می‌دهند.

از آنجا که فقدان رشد کامل عقلی موجه بودن کیفر را زیر سوال می‌برد و از سویی با ملاک گرفتن رشد کامل عقلی می‌توان نه تنها برای افراد زیر ۱۸ سال بلکه درباره بسیاری از مردمان و به ویژه مجرمان در رشد کامل عقلی تردید روا داشت از همین منظر است که در طول دو قرن گذشته همواره مدافعان لغو اعدام برای همه سنین افزایش یافته‌اند. خصوصا که مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که برخی از مرتکبین به قتل مبتلا به یکی از انواع جنون‌های خفیف تا شدید بوده‌اند. جنون‌هایی که مبتلایان به آن در جامعه به زندگی خود در کنار سایر افراد ادامه می‌دهند و ممکن است هیچ شواهدی نتوان پیدا کرد که شخصیت یا فعالیت‌های روزمره بیمار، انسجام خود را از دست داده باشند حتی در معاینه وضعیت روانی آنان توسط پزشک، آنچه بیش از هر چیز دیگری مشهود است، این است که بیماران به جز نظام‌های هدیانی به روشنی ناهنجاری که دارند، ممکن است طبیعی به نظر برسند و این بیماران اکثر اوقات رفتار عادی دارند. (ن. ک. اولیایی. ۱۳۸۵)

برحسب آیه: ولا علی المریض حرج (نور ۶۰) چنین افرادی از نظر مسولیت کیفری مبرا هستند و مشمول یکی از دو نظریه می‌شوند

۱- فاقد مسولیت کیفری (Irresponsibility)

## ۲- تقلیل مسئولیت (Diminished Responsibility)

انجمن وکلای آمریکا و انجمن روانپزشکی آمریکا در بیانیه‌هایی در سال ۱۹۸۲ نوعی دفاع عدم مسئولیت را توصیه کردند که منحصرأ بر این نکته تأکید می‌کند که مدافع در نتیجه بیماری یا نقص روانی قادر به شناخت نادرستی رفتار خود نیست.

### قاعده سلطه

فقیهان از روایت معتبر و معروف «الناس مسلطون علی اموالهم» (الحلی ج ۱ ص ۴۸۹ و احسائی ج ۳ ص ۲۰۸) قاعده سلطه را استنباط کرده‌اند. یعنی هر کس مالک و مسلط بر مال خویش است و هیچ مرجعی حق سلب کردن آنرا ندارد. در آیه «فإن أنستم منهم رشدا فادفعوا الیهم اموالهم» نیز لزوم درک رشد، علاوه بر بلوغ جنسی در مورد واگذاری مسوولیت اموال به کودکان (درغیاب پدر-یتیم) شرط شده است. از این دو مقدمه واز مقدمه ی «اولویت قطعی حفظ جان نسبت به حفظ مال» نتیجه می‌گیریم که اولویت قطعی عقلی و شرعی در حفظ جان نسبت به مال، بطریق اولی حکم می‌کند که نظر شارع در مورد مسوولیت‌های کیفری منجر به قتل، باید مبتنی بر رسیدن فرد به سن رشد باشد.

## قاعده آسانگیری

یکی از روش‌ها و مبادی اجتهاد در اسلام، بهره‌گیری از مبانی اجتهاد و اصول فقه است که خود برگرفته از قرآن و شریعت هستند. تکیه بر این اصول انسان را از افتادن به ظاهرگرایی و اسیر شدن در دام عبارتهای به ظاهر پراکنده و بی‌ارتباط مصون می‌دارد. قاعده آسان‌گیری یکی از قواعد بسیار مهم در فقه اسلامی و برگرفته از قرآن و سنت است که بدون آن هر حکم و استنباطی فاقد ارزش خواهد بود زیرا در موارد بسیاری از قرآن، آسانگیری را داب و داعیه و بلکه هدف شریعت خوانده است. به نحوی که به قول یکی از مفسران قرآن «این قانون کلی در فقه اسلامی تحت عنوان «قاعده لاجرح» به عنوان یک اصل اساسی در ابواب مختلف فقه مورد استفاده فقها می‌باشد و احکام زیادی را از آن استنباط کرده‌اند. (نمونه، ج ۴، ص ۲۹۵) برای مثال برخی از فقها به استناد قاعده لاضرر نیز به قاعده نفی حرج فتوا داده اند شخص مریض اگر بدهکار باشد و معسر نباشد جایز نیست او را حبس کنند (یزدی، ج ۳ ص ۵۶ مساله ۱۲ و خمینی ج ۲ ص ۳۷۸ مساله ۹) در حالیکه غالباً فتوا داده اند بدهکار حبس می‌شود تا اینکه بدهی اش را بپردازد مگر اینکه معسر باشد.

این قاعده در سنت پیامبر نیز وجود دارد و پیامبر در موارد زیادی مردمان را از انجام عبادات و وظایف خود منع کرده و گفته است آنچه پیامبر انجام می‌دهد برای مردمان دیگر شاق است. عبارت «الدین

سمحه و سهله» (صحیح البخاری، ج ۱ / ۱۶) که در روایات فراوانی وارد شده است نیز از نمونه‌های دیگر قاعده آسانگیری است که ریشه قرآنی دارد. ما در اینجا به ذکر مصادیق قرآنی آن پرداخته سپس به بیان تأثیر آن در مجازات‌ها خصوصاً در مورد کودکان می‌پردازیم. آیات زیر حاکی از توجه و تأکید بر قاعده آسانگیری هستند:

۱- بقره ۱۸۵: یریدالله بکم الیسر و لا یریدبکم العسر «خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد».

۲- آیه ۶ سوره مائده: ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج «خداوند نمی‌خواهد تکلیف طاقت‌فرسایی بر دوش شما بگذارد».

«گرچه این آیه در ذیل احکام مربوط به غسل، وضو و تیمم آمده و می‌گوید اگر آب در دسترس نداشتید تیمم کنید پس دلیل آن را اینچنین بیان می‌کند اما در واقع یک قانون کلی را بیان کرده است مبنی بر اینکه در هیچ موردی تکالیف دینی به صورت شاق و طاقت‌فرسا و سختگیرانه نیست». (ن. ک. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۹۵).

۳- آیه ۷۸ سوره حج: و جهدوا فی الله حق جهاده هو اجتنبکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج «برای خدا جهاد کنید و در راه او حق جهاد را به جای آورید. او شما را برگزیده و به دین خود سرافراز کرده است اما در مقام تکلیف بر شما سختی و مشقت قرار نداده است».

۴- آیه ۶۲ سوره مومنون: ولا نکلف نفساً الاوسعها و لدینا کتاب ینطق بالحق و هم لایظلمون «ما بر هیچ کس بیش از وسع و توانایی‌اش تکلیف نمی‌کنیم و بر کسی سخت نمی‌گیریم و نزد ما

کتابی است که آن کتاب سخن به حق می گوید و به هیچ کس هرگز ستم نخواهد شد».

۵- سوره اعلی آیه ۸: و نیسرک للیسری «و ما تو را بر طریقه و روش آسان موفق می داریم».

همچنین در چند مورد مانند فریضه روزه خداوند احکام را از سختی به آسانی تغییر داده است زیرا اصل بر آسانگیری برای مردم بوده است. چنانکه می دانیم در فریضه روزه در ابتدا فقط پس از غروب آفتاب یک نوبت افطار می کردند و تمام ۲۴ ساعت را روزه می گرفتند تا اینکه پیامبر به فرمان خداوند بخاطر مشقت آن و برای آسانگیری، مدت زمان آن را کوتاه تر کرد و محدود به طلوع فجر تا غروب ساخت.

### برخی از روایات:

۱- در خطبه ۱۸۹ نهج البلاغه به هنگام توصیف ویژگی های دین اسلام در این زمینه آمده است که یکی از ویژگی های این شریعت عبارت است از «لا ضنک لطرقة ولا وعودة لسهولته» راههای تنگ نمی گردد و سادگی هایش به پیچیدگی و دشواری نمی گراید.

۲- همچنین در حکمت ۷۵ نهج البلاغه آمده است: «ان الله سبحانه أمر عباده تخييراً و نهاماً تحذيراً و كلفاً يسيراً و لم يكلف عبيراً» خداوند سبحان بندگانش را امر به اختیار کرده و از بیم و ترس نهی فرمود و آنها را به آسانگیری کارها و کارهای آسان تکلیف کرده و به کارهای سخت و دشوار دستور نداده (سخت گیری نکرده است).

۳- پیامبر می‌گوید اگر نبود دشواری بر امت به آنان دستور می‌دادم به هنگام هر نماز مسواک زنند (ترمذی کتاب الطهاره و صحیح مسلم، کتاب الطهاره باب السواک ج ۱، ص ۱۵۱ ح ۴۲). در واقع علاوه بر احکام کلی در باب قاعده آسانگیری در شریعت و مقررات، در احکام جزائی نیز این آسانگیری به صورت مثالی و مصداقی رعایت شده است.

قاعده آسانگیری از مهم‌ترین اصول و قواعد وضع احکام شریعت و استنباط در نظام فقهی و حقوقی اسلام است و بر این امر دلالت می‌کند که هر جا میان دو امر دارای مشقت و آسانی و یا آنچه رحمانی‌تر و سودمندتر برای جامعه یا فرد است یا سخت‌تر و خشن‌تر کدام یک را باید برگزید. این قاعده در اصل در پی ایجاد و تقویت فرصت‌های زیست و بهبود برای انسان‌هاست از این رو قاعده فوق حکم می‌کند که در زمینه مجازات برای کودکان و افراد زیر ۱۸ سال اصل بر آسانگیری و ایجاد فرصت و اصلاح آنها باشد نه بر کشتن و خشونت و مجازات آنها خصوصاً هنگامی که در قواعد و دلایل دیگر یافته و پذیرفته‌ایم که این افراد در حین ارتکاب جرم از شخصیت و توانایی تشخیص کامل برخوردار نبوده‌اند. بنابراین در هنگام دوران امر بین مجازات مرگ و مجازات زندان اصلاحی برای کودکان و نوجوانان روح و مقام آسانگیری در قرآن حکم به اتخاذ روش دوم دارد و این حکم عقل و وجدان بشری نیز هست.

## اولویت منع اعدام کودکان نسبت به کودکان جنگی

یکی از نکات مهم در فقه اسلامی این است که طبق آیات و روایات عدیده و تأکیدات مکرر، در جریان جنگ، سپاه مسلمانان حق ندارد به زنان و پیرمردان و کودکان غیرنظامی آسیب رساند و یا آنان را به اسارت درآورد. حتی در مورد زنان و کودکان نظامی که در جنگ حضور دارند نیز به منع کشتن و آزار آنها دستور داده شده است. (ن. ک. باقی مریم. ۱۳۸۶) این در حالی است که کودک نظامی کسی است که توان حمل سلاح و جنگیدن را داشته و در حال نبرد دستگیر شده است. در فصل سوم کتاب جهاد فقه در مبحث غنیمت جنگی آمده است: «اگر در حین برپا بودن جنگ، نیروی انسانی درگیر جنگ در جبهه دشمن (دشمن حربی یا کافر حربی) به دست مسلمین بیفتد، در صورتی که کودک، مجنون یا زن باشند، نباید کشته شوند. حتی اگر در حال کمک به دشمن باشند. اینان فقط به غنیمت گرفته شده و به ملکیت در می‌آیند.» (روضه البهیة، کتاب التدبیر، المکاتبه، استیلاد) یعنی اسیر می‌شوند. این در حالی است که از نظر بسیاری از فقها جنگ ابتدایی جایز نیست و منظور از کفار حربی که واجب است مسلمانان علیه آنان بجنگند، غیر مسلمانانی هستند که جنگ را علیه مسلمانان آغاز کرده اند. آیا جوان یا نوجوانی که مرتکب جرم و جنایتی می‌شود از یک نوجوان مسلح در حال جنگ بدتر است؟

در قواعد اسلامی اصل بر این است که افراد غیربالغ اگر هم در حال جنگ یا کمک به دشمن اسیر شوند، جایز نیست کشته شوند و به اسارت درآیند اما اگر اسیر شدند باید به هر روش ممکن موجبات آزادی آنها فراهم شود و حاکم نیز می‌تواند اسیر را با اخذ فدیة یا بدون فدیة آزاد کند و برخی از فقها حکم به عدم جواز استرقاق داده‌اند که جای تفصیل بحث در اینجا نیست. شرایط آزادی اسیران جنگی را باید در رساله ای دیگر مورد ملاحظه قرار داد. (باقی. ۱۳۸۵)

در مورد اهل بغی (یعنی شورشیان داخلی) نیز شهید اول می‌گوید: «اگر رزمنده‌ای از ایشان اسیر شد حبس می‌شود تا جنگ تمام شود و اگر غیر رزمنده مانند زنان، زمین‌گیرها، پیرمردان و کودکان اسیر شدند آزاد می‌شوند (دروس، ج ۲، ص ۴۲)

امیر مؤمنان فرمودند: پیامبر خدا از کشتن زنان و فرزندان در جنگ نهی کردند، مگر این که در کارزار مشارکت داشته باشند. در حدیثی، حفص بن غیاث از امام صادق (ع) سؤال می‌کند که چگونه جزیه از زنان ساقط شد؟ حضرت صادق (ع) فرمود: «لان رسول الله (ص) نهی عن قتل النساء والوالدان فی دارالحرب الا ان یقاتلن، فان قاتلت ایضا فامسک عنها ما امکنک». (حر عاملی، ج ۱۵، ص ۶۴) یعنی «زیرا پیامبر خدا (ص) از کشتن زنان و فرزندان (خردسالان) در دارالحرب، مگر اینکه وارد صحنه کارزار شده و به جنگ پرداخته باشند، نهی کرده است، پس حتی اگر زنان و کودکان در عداد جنگجویان باشند، از بر خورد با آنان و کشتن یا اسارت شان دوری جو، البته تا جایی که

امکان آن وجود داشته باشد. « بنا بر این وقتی از قتل آنان در دارالحرب منع فرموده، به طریق اولی در دارالاسلام ممنوع است. در روایت دیگری نیز آمده است: اباعبدالله فرمود: . . . همانا که رسول خدا (صلی الله علیه و اله) کشتن زنان و کودکان را در دارالحرب ممنوع ساخت مگر آنکه در جنگ شرکت کرده و قتل انجام دهند. و حتی اگر در جنگ نیز شرکت کردند تا آنجا که ممکن است از کشتن آنها را باید حفظ کرد. همچنین حکم زمینگیر شدگان از اهل ذمه و نابینایان و سالخوردهگان و بانوان و کودکان در سرزمین دشمن جنگی نیز مانند حکم زنان است و به همین خاطر جزیه از آنها نیز برداشته می شود. (بروجردی، ج ۱۳، ص ۱۵۴). روایات مشابهی نیز در منابع حدیثی وارد شده است. (ر. ک. حر عاملی، ج ۱۵، ص ۶۴).

دسته ای از روایات فوق مبنای صدور احکام و فتاوی فقهی عده ای از فقهای امامیه شده است. «چند تن از فقهای امامیه از جمله ابی الصلاح در کتاب الکافی در این نظر با فقهای سایر مکاتب موافق هستند و قتل زنان و کودکان را در صورت شرکت در جنگ مجاز می دانند ولی به نظر اکثر فقهای امامیه کشتن زنان و کودکان مطلقاً ممنوع است حتی اگر در جنگ شرکت کنند. محقق حلی گفته است: کشتن زنان و کودکان، هر چند در عرصه نبرد کمک رسانی کنند مطلقاً ممنوع است. «(محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲ و ۱۱۳).

تعمیم ممنوعیت اسارت و قتل کودکان مسلح جنگاور به منع اعدام، نتیجه مهمی است که از این بحث اتخاذ می شود، زیرا نشان می دهد

مجاز نیست کودکان را حتی در صورت توانایی جنگیدن و مسلح بودن چه در مخاصمات مسلحانه داخلی و چه بین المللی به قتل رساند پس چگونه برای مواردی که جرم و اهمیت آن کمتر از موارد جنگی است می توان حکم مرگ صادر کرد؟

## قاعده فطرت

این بند یکی از فرازهای مهم پژوهش است و نشان می دهد که اعدام کودکان زیر ۱۸ سال برخلاف فطرت است. معنا و مفهوم فطرت با وجود اهمیتی که در قرآن دارد (وظایرها نخستین بار در قرآن به کار رفته است) در حقوق و قانونگذاری راه نیافته و علیرغم جایگاهی که در شریعت داشته به صورت یک مفهوم کلامی و حاشیه ای درآمده و در اجتهاد مجتهدان نقشی ایفا نکرده است. این واژه در حوزه فلسفه و علوم تربیتی مورد بحث و تحقیق قرار گرفته است اما شاید ابن عاشور از نادر فقها بلکه یگانه فقیهی بود که برای نخستین بار به فطرت به عنوان مفهومی کاربردی در فقه توجه تازه ای کرد و آن را جزو کلیات تشریح دانسته و نظریه مقاصدی خود (فلسفه احکام) را بر آن بنا کرده است. فطرت البته مفهومی کشدار و مبهم بوده و مفسران گوناگون درباره این واژه قرآنی سخنان متفاوتی گفته اند اما چنانکه نشان خواهیم داد این مفهوم ارتباط تنگاتنگی با تشریح و قانونگذاری دارد.

فطرت در ۱۹ آیه قرآن آمده است. فطرت را به معنای زیر گفته اند:  
**آفرینش، خلق کردن و پدید آوردن:** معنای آفرینش در ۱۳ آیه آمده است که بیشترین کاربرد فطرت در قرآن در همین معنا بوده است. درباره خدا در ۶ آیه می گوید «فاطر السموات والارض» (یوسف ۱۰۱) (انعام ۱۴) (ابراهیم ۱۰) (فاطر ۱) (زمر ۴۶) (شوری ۱۱).  
 موارد دیگر کاربرد در این معنا چنین است:

انی وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفاً (انعام ۷۹) من با اخلاص تنهابه سوی کسی که آسمان و زمین را آفریده است رو نموده ام.

الذی فطرکم اول مره (اسراء ۵۱) کسی که نخستین بار شما را پدید آورد.  
 والذی فطرنا (طه ۷۲) کسی که ما را آفرید.  
 ان اجرى الا على الذی فطرنی (هود ۵۱) پاداش من بر عهده کسی است که مرا آفریده است.

وما لی لا اعبد الذی فطرنی (یس ۲۲) چرا نپرستم کسی را که مرا آفریده است.

الذی فطرنی فانه سیهدین (زخرف ۲۷) آنکه مرا آفرید هدایتیم خواهد کرد.  
 رب السموات والارض الذی فطرهن (انبیاء ۵۶) پروردگار آسمان و زمین کسی است که آنها را آفریده است.

بسیاری از مفسرین مانند زمخشری همین معنا را برای فطرت مسلم دانسته اند. (زمخشری. کشاف. ج ۳ ص ۴۷۹)

اسلام: برخی مفسرین در تفسیر آیه ۳۰ سوره روم منظور از فطرت و دین فطری را دین اسلام دانسته اند (صابونی ۱۰۰۵) و یا فطرت را به دین و اسلام و توحید معنا کرده اند (طبرسی. ج ۸-۷ ص ۴۷۴)

**طبیعت و خمیرمایه انسان، غریزه: مطهری** بحث تفصیلی در این معنای فطرت دارد و سرانجام می گوید « فطرت مانند طبیعت و غریزه، یک امر تکوینی است، یعنی جزء سرشت انسان است ( اگر می گویم تکوینی است می خواهم بگویم اکتسابی نیست )، امری است که از غریزه آگاهانه تر است» (مطهری ۲۸-۳۲)

**آغاز:** طبرسی در تفسیر آیه ۱۴ سوره انعام می گوید اصل کلمه از شق (جدایی و گسیختن) است و فطرت یعنی آغاز خلقت (طبرسی. ج ۴-۳ ص ۴۳۲ و ۴۳۴) و نیز ذیل آیه ۵۱ اسرا همین معنا را در نظر داشته است. (طبرسی. ج ۶-۵ ص ۶۴۸). ابن اثیر هم می گوید الفطر: الابتداء والاختراع. " فطر " یعنی ابتدا و اختراع، یعنی خلقت ابتدایی (مطهری. ۱۳۶۱ ص ۱۲)

**قابلیت آفرینش انسانی برای خیر و شر و ایمان و کفر: وزن " فعله "** دلالت بر نوع یعنی گونه می کند. " جلسه " یعنی نشستن، و " جلسه " یعنی نوع خاصی از نشستن. " جلست جلسه زید " یعنی نشستم به گونه نشستن زید. . . « فطره الله التي فطر الناس عليها » یعنی آن گونه خاص از آفرینش که ما به انسان داده ایم، یعنی انسان به گونه ای خاص آفریده شده است. فطرت انسان یعنی ویژگیهایی در اصل

خلقت و آفرینش انسان (مطهری. ۱۳۶۱ص ۱۲). یعنی انسان به نوعی از جبلت و سرشت و طبیعت آفریده شده است که برای پذیرش دین آمادگی دارد و اگر به حال خود و به حال طبیعی رها شود همان راه را انتخاب می کند مگر اینکه عوامل خارجی او را از راهش منحرف گردانند. (همان ۱۳۰)

دین: معروف ترین آیه «فطره الله التی فطرالناس علیها» (روم ۳۰) است. یعنی «پس روی خود را پاکدلانه به دین آور، فطرت الهی که خدا مردم را با آن سرشته (خلق) کرده است». در این آیه، فطرت به معنای دین و فطرت خدا آمده که فطرت مردم یا آفرینش آنها بر مایه و پایه فطرت خدا بوده است. فطرت خدا چیست؟

**گسستن و فرو پاشیدن:** کلمه فطر در صیغه های دیگری به معنایی متفاوت به کار رفته است. مانند: «تکاد السموات یتفطرن» در آیه (مریم ۹۰ و شوری ۵) نزدیک است که آسمان ها فروپاشد.

إذا السماء انفطرت (انفطار ۱) آنگاه که آسمان از هم گسسته شود. فارغ البصر هل تری من فطور (ملک ۳) اینک روی بگردان آیا هیچ گسیختگی در کار می بینی؟

السماء منفطر به (مزمّل ۱۸) روزی که آسمان ها شکافته شود. واژه متداول «افطار» در ماه رمضان به همین معنا به کار می رود زیرا افطار یعنی خوردن. به عبارت دیگر در اصل به معنای گسیختن و تمام کردن روزه است که کنایه از خوردن طعام است.

اما تعریف ابن عاشور که قابلیت کاربرد فطرت را در قانونگذاری میسر می‌سازد و بیشتر با الهام از معنی آفرینش از کلمه فطرت است عبارتست از: «نظامی از امکانات یا توانمندی‌های بدنی و عقلی که مکلف در پرتو آن می‌تواند ادای تکلیف کند و بدین جهت... آفرینش یعنی نظامی که خداوند در هر مخلوقی نهاده است و فطرت انسان یعنی آنچه انسان در ظاهر و باطن از نظر جسمی و عقلی بر آن آفریده شده است» «معنای فطرت نزد ابن عاشور همان به کارگیری درست امکانات عقلی و جسمی انسان است و این معنا را نزد ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان می‌یابیم» (الحسنی ۳۴۷ و ۳۵۰)

هرچند مبحث فطرت را ابن عاشور در مسایل دیگری به کار بسته و برای نشان دادن اینکه هرچه فطری است عقلی است و هرچه عقلی است فطری است و می‌توان چنین ملازمه‌ای را از دیدگاه او برداشت کرد که هرچه با فطرت سازگار باشد با عقل سازگار است تا مصلحت احکام را از طریق تشخیص عقل توجیه کند اما، ما می‌خواهیم این مبحث را در حوزه حقوق و حقوق بشر به کار بندیم. آیت الله منتظری نیز پس از گفتاری در باب معنای فطرت و امور فطری می‌گوید: «وجهه دیگر فطری بودن دین این است که انسان‌ها برای راه یافتن به سعادت خویش در جستجوی قوانین و مقرراتی تلاش می‌کنند اما دستاوردهایشان آنان را قانع و راضی نمی‌کند و راه مطمئن و مورد اعتماد را می‌طلبند. دین همان راه مطمئنی است که انسان‌ها سخت در تکاپوی یافتن آن هستند» (منتظری، ۳۴-۳۵) این عبارت

گویی که دارد به کاربرد حقوقی فطرت نزدیک می شود اما قبل از ورود به آن دوباره دور افتاده و به حوزه کلامی مهاجرت کرده است. علامه طباطبایی نیز می گوید «تشریح (قانونگذاری) باید از وضع تکوینی یعنی طرز آفرینش انسان سرچشمه بگیرد اما قانونگذاران بشری معنویات-توحید فطری و اخلاق فاضله غریزی-را از مطالعات حقوقی خود حذف کرده اند» (طباطبایی، ج ۱ ص ۷۶) ولی علامه طباطبایی نیز در همین حد بسنده کرده و روشن نکرده است که حضور مفهوم فطرت در مطالعات حقوقی چیست و چگونه است. فطرت به عنوان اصلی که بسیاری از احکام و مقاصد آنها (یا فلسفه احکام) بر فطرت مبتنی است از طریق ساختن نظریه فطری یا تکوینی بودن برخی از حقوق می تواند نقش ایفا کند. حقوق خصوصی فطری مانند حق خوردن و حق مسکن و پوشاک و... است و حقوق عمومی یا سیاسی فطری مانند حق تسامح و حق نفی خشونت و تعیین سرنوشت خود به عنوان اهداف و مقاصد شریعت در قرآن تصریح شده است. فطری بودن یک حق بیانگر جهانشمول بودن آن نیز هست. این طرز تلقی از فطرت به بحث کلامی عدل مقیاس دین است نه دین مقیاس عدل که در ابتدای کتب نیز مطرح شد نزدیک است. در آنجا گفتیم:

بنابراین معیار درستی و نادرستی گزاره ها و احکام بستگی به میزان عقلانی بودن یا فطری بودن شان دارد و به همین دلیل منشور حقوق بشر یک مقیاس پذیرفته شده است.

همچنین طرز تلقی یاد شده درباره فطرت به قاعده اصولی «کَلِمَا حَكْمٌ بِهَ الْعَقْلِ حَكْمٌ بِهَ الشَّرْعِ وَكَلِمَا حَكْمٌ بِهَ الشَّرْعِ حَكْمٌ بِهَ الْعَقْلِ» شبیه می‌گردد. یعنی هرچه که عقل بدان حکم کند شرع نیز همان حکم را دارد و هرچه که شرع بدان حکم کند حکم عقل نیز همانست. به عبارت دیگر عقل و شرع ملازمه دارند و نمی‌توان حکم شرعی صادر کرد که با عقل همخوانی نداشته باشد. لذا اگر در جهان امروز عقلا حکم به نادرستی اعدام زیر ۱۸ سال بدهند این حکم عقلی حکم شرعی نیز هست و چون بشر همواره می‌کوشد هرچه بیشتر نشانه‌های فطرت را کشف کند و حجاب‌های آن را بزداید در واقع منع این مجازات با حکم فطرت هم سازگار و به معنای نزدیک شده به فطرت است که در نتیجه نزدیک شدن به چیزی است که خداوند انسان را بدان سرشته است. در جامعه شناسی نیز مفهوم عقل سلیم Common Sense را داریم که به معنای خرد عامه یا سیره عقلا است که این نیز مفهوم جامعه شناختی فطرت می‌تواند تلقی شود. یعنی حکمی که با عقل سلیم سازگار است حجیت عقلی و شرعی دارد. برخی مفسران نیز تعبیر فطرت سلیم را همچون عقل سلیم به کار برده‌اند (الصابونی ۲۰۰۵ و طباطبایی. ج ۱ ص ۵۴) دستاوردها و آموزه‌های حقوق بشر از این جنس هستند و اتصاف شان به غربی و شرقی بودن مغایر فطری بودن است. مطهری به تفصیل توضیح می‌دهد که انسان دارای فطریاتی از قبیل حقیقت‌خواهی، آزادی خواهی، ارزشهای انسانی، گرایش به خیر و فضیلت، گرایش به جمال و

زیبایی، گرایش به خلاقیت و ابداع، عشق و پرستش، کرامتهای انسانی است. (ن. ک. مطهری، فطرت).

با توجه به مجموع آنچه گذشت، نتیجه گرفته می شود که در جهان امروز اگر ۱۳۰ کشور از ۱۹۳ کشور جهان به طور کلی مجازات اعدام را کنار گذاشته اند (یا آن را لغو کرده و از قوانین خود حذف کرده اند و یا اگر در قوانین شان موجود است آن را اجرا نکرده و به تعلیق در آورده اند) اما قریب به اتفاق کشورهای جهان کنوانسیون حقوق کودک را که مشتمل بر لغو اعدام کودکان زیر ۱۸ سال است امضا کرده اند. البته معدودی از کشورها حق شرط اعمال کرده اند که از میان آنها نیز غالباً با وجود استفاده از حق شرط اعدام زیر ۱۸ سال را اجرا نمی کنند. چنین اجماع جهانی که شامل مسلمانان نیز هست (از ۱۹۳ کشور جهان، ۵۱ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی و از این تعداد در ۳۱ کشور دین رسمی، اسلام است) بیانگر سیره عقلای عالم بوده و الزام عقلی و حقوقی و شرعی برای لغو اعدام زیر ۱۸ سال را به وجود می آورد و باید هرچه سریعتر مطابق کنوانسیون امضاء شده حقوق کودک، آن را در قوانین داخلی نیز رسمیت بخشید و تا زمان تصویب آن در مجلس نیز به استناد تعهد به کنوانسیون و میثاق بین المللی مدنی و سیاسی واصل شرعی و قانونی وفای به عهد و پیمان که بر قوانین عادی حکومت دارد و نیز به استناد رویه عقلای عالم و حجیت شرعی آن نمی توان مجازات اعدام زیر ۱۸ سال را اجرا کرد. این در حالی است که براساس نتایج مستند بخش دوم این کتاب

ایران بزرگترین صادر کننده احکام اعدام های زیر ۱۸ سال در جهان بوده و در ۱۰ سال گذشته دست کم ۱۸۰ مورد صادر و ۳۷ مورد اجرا شده وهم اکنون ۱۱۴ نفر منتظر اعدام دارد.

### استفاده از اصل تعلیق مجازات

تعلیق مجازات‌ها یکی از روش‌های متداول در همه نظام‌های جزایی جهان است. به این معنا که فرد مجرم را پس از محاکمه، به مجازاتی محکوم می‌کنند ولی آن را اجرا نکرده و به مدت چند سال معلق می‌نمایند (که غالباً مجازات زندان تعلیق می‌شود) که اگر فرد مجرم در مدت معین شده مجدداً مرتکب جرم شد محکومیت قبلی قطعی و لازم‌الاجرا می‌شود. در عین حال مجازات جرائم سنگینی مانند قتل عمدی را معلق نمی‌کنند اما اگر فلسفه تعلیق مجازات‌ها را به دقت مورد توجه قرار دهیم و آن را محصول رویکرد اصلاحی در نظام جزایی و با هدف بازپروری مجرم بدانیم قایل شدن استثناء در تعلیق مجازات‌ها جای تأمل و درنگ دارد و دست کم در خصوص برخی از جرائم سنگین مانند جرائم کودکان و نوجوانان این استثناء موجه به نظر نمی‌رسد.

در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی آمده است: «در کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده، حاکم می‌تواند اجرای تمام یا

قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط زیر از دو تا پنج سال معلق نماید».

به گفته یکی از دانشمندان حقوق «در نظام مجازات‌های عرفی، تعلیق مجازات معمولاً بدان خاطر صورت می‌گیرد که شخص برای بار اول مرتکب جرم شده، شرایط و اوضاع و احوال جرم نشان می‌دهد که بزهکاری او امری اتفاقی و تصادفی بوده و به احتمال قوی در آینده تکرار نخواهد شد. در این شرایط قانونگذار فرصتی مجدد به بزهکار می‌دهد تا از آثار سوءزندانی مصون بماند و به طور آزمایشی به روند زندگی عادی خود ادامه دهد. با توجه به این طرز تلقی و برداشت، مرتکبین جرائمی هم که برای آنها در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی حدود، قصاص و دیات شده باید بتوانند از این فرصت مغتنم استفاده کنند» (صانعی ۴۴).

البته پرواضح است که در موارد وجود شاکی خصوصی نقش حاکم در جبران مافات و جلوگیری از اجرای مجازات سنگین‌تر خواهد بود اگر هم در تمام موارد حدود و قصاص نتوان تعلیق مجازات را اعمال کرد در خصوص کودکان و نوجوانان به دلایلی که در سراسر این نوشتار نیز مورد بحث قرار گرفته است باید این استثناء را در نظر گرفت. تعلیق مجازات یکی از سلسله اصول حقوقی پذیرفته شده در قوانین اساسی و عادی ایران و نیز کشورهای اسلامی دیگر است و مجازات‌های مقرر شده در قوانین نمی‌توانند با اصول حقوقی پذیرفته شده در این نظام‌های حقوقی معارض باشند.

## مصلحت قصاص

اگر هدف شارع را از تشریح قصاص وجود مصلحت در آن بدانیم، در صورت محرز شدن مفسده ای در اجرای یک حکم قصاص، مرتکب نقض غرض شارع شده ایم. در برخی از موارد از گزارش پیوست در بخش دوم مشاهده می شود که خویشاوندی‌های چند جانبه میان قاتل و مقتول به گونه ای است که کشته شدن فرد دیگری از طایفه می تواند به تعمیق خصومت‌ها و کینه‌های قومی و خانوادگی انجامیده و تا سالیان متمادی در طایفه بماند و خود منجر به مشکلات و حوادث دیگری شود. چنین وضعیتی با حکم «فاصلحوا بین اخویکم» (حجرات ۱۰) مغایر است و در چنین مواردی تلاش برای اصلاح ذات البین مقدم و مرجح بر قصاص است. گرچه حکم «فاصلحوا بین اخویکم» مربوط به «جنگ رسمی بین دو طایفه و گروه مسلمان» است که ارتباطی با بحث «قصاص» ندارد اما به یک مصلحت مهم (یعنی جلوگیری از اختلاف میان مسلمانان) ریشه دینی بخشیده است لذا تلاش برای «اصلاح ذات البین» که امری اخلاقی است، تزامم و تعارضی با «حق قصاص» که حکمی فقهی و قضائی است، ندارد اما از جهت مصلحت رعایت اخوت، در موارد خاصی می تواند دلیلی بر خودداری از اعمال حق قصاص گردد. در چنین مواردی حتی در باره متهمان بالاتر از ۱۸ سال، حکم حبس بدل از

قصاص می تواند راهی برای جلوگیری از مفسده جدال و نزاع شود. از دیدگاه مدافعان اجرای قصاص، این حکم برای تامین مصلحتی به نام نظم و حیات اجتماعی است. لذا اگر درموردی، خلاف این مصلحت وجود داشته باشد و قصاص خصوصا در مورد کودکان موجب نفی این مصلحت شود جلوگیری از آن واجب می شود. وقتی خداوند مجازات جریمه مالی بدل از قصاص را تجویز کرده و تبدیل مجازات حبس به جریمه یا جریمه به حبس در تعزیرات، از سوی فقها پذیرفته شده است استبعادی ندارد که بتوان به حبس بدل از قصاص یا اعطای عضوی از بدن برای نجات جان یک انسان به جای قصاص فرد حکم داد کما اینکه قبلا فقها در مورد آن چنین حکمی داده اند. (باقی). (۱۳۸۲/۶/۳۰).

### جمع بندی

لازم است قانونگذار شقوق پیش گفته خصوصا موارد تبدیل مجازات را پیش بینی کرده و برای رعایت احتیاط در دماء و نفوس راه های وسیع تری را بگشاید. در بحث کلی قصاص با توجه به تصریح قرآن بر سه گزینه «قصاص»، «دیه» و «عفو» در قتل عمد و تاکید و ترجیح عفو از سوی خداوند بهتر است قانونگذار فقط به وضع قانون برای اجرای قصاص نیندیشد و گزینه های راجح را نیز قانونی و عملیاتی کند که یکی از راه های آن حمایت از نهادهای مدنی است که برای

کاهش یا جلوگیری از مجازات اعدام به صورت قانونی و منطقی تلاش می‌کنند. علاوه بر اینکه طبق مباحث فوق در هر صورت (چه موافق اعدام و قصاص باشیم چه نباشیم) صدور حکم اعدام و قصاص برای افراد زیر ۱۸ سال نه تنها خلاف حقوق بشر و خلاف تعهدات ایران در کنوانسیون حقوق کودک و میثاق بین المللی مدنی و سیاسی است بلکه مبنای فقهی آن نیز محل اشکال جدی است و دلایل متینی برای منع قصاص زیر ۱۸ سال در قرآن و فقه می‌توان نشان داد. در این تحقیق علاوه بر دلایل فرعی مطرح شده یازده اصل وقاعده حقوقی و فقهی را که از پشتوانه های قرآنی و روایی برخوردارند برای توجیه لغو اعدام کودکان زیر ۱۸ سال اقامه کردیم و به این نتیجه دست یافتیم که اعدام برای این گروه سنی بیش از اعدام در موارد دیگر با فطرت و شرع و عقل سلیم مخالفت دارد حال آنکه براساس نتایج مستند بخش دوم این کتاب ایران بزرگترین صادر کننده احکام اعدام های زیر ۱۸ سال در جهان بوده و در ۱۰ سال گذشته دست کم ۱۸۰ مورد صادر و ۳۷ مورد اجرا شده و هم اکنون ۱۱۴ نفر منتظر اعدام دارد.

بنابراین در مورد کودکان بزهکار، تصویب مجازات‌های پیش بینی شده در ماده ۳۳ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان با موازین حقوق بشر و شرع هم‌نوازی بیشتری دارد و گامی به پیش و بلند در توسعه قضایی ایران است.

## پاورقی

۱- با توجه به تفاوت موضوع و عرف در اینجا مقصود این بوده است که تعیین سن هم جنبه عرفی دارد و هم جنبه موضوعی.

۲- در اصول فقه درباره طریقت گفته می شود که طریقت اماره این است که اماره تشریح شده تا مکلف را به واقع یا حکم واقعی مورد نظر قانونگذار برساند. به عبارت دیگر طریقت یعنی اینکه اماره مانند یک تابلویی است که در راه برای راهنمایی افراد و جلوگیری از گمگشتگی وضع شده است اما سببیت یعنی اینکه «اماره» فی نفسه دارای مصلحت است و خود جزو حکم یا عامل قهری یک نتیجه است مانند آتش که سبب قهری سوختن است و فرضاً در بحث ما گفته شود که ۱۵ سالگی سبب قهری بلوغ یا رشد است.

۳- أخبرنی حفص بن غیاث قال کتب إلی بعض إخوانی ان اسأل ابا عبد الله علیه السلام عن مدینه من مدائن ( اهل - کا ) الحرب هل یجوز ان یرسل علیهم الماء ( و تحرق بالنار أو ترمی - ۱ - بالمجانیق

- (كا) حتى يقتلوا وفيهم النساء والصبيان والشيخ الكبير والأسارى من المسلمين والتجار فقال يفعل ذلك بهم ولا يمسك عنهم لهؤلاء ولا دية عليهم للمسلمين ولا كفارة كما وسئلته عن النساء كيف سقطت الجزية عنهن ورفعت عنهن فقال لان رسول الله صلى الله عليه وآله نهى عن قتال النساء والولدان فى دار الحرب الا ان يقاتلوا فان قاتلت أيضا فامسك عنها ما أمكنك ولم تخف خلا ( حالا - خ ل ) فلما نهى عن قتلهن فى دار الحرب كان فى دار الاسلام أولى ولو امتنعت ان تؤدى الجزية لم يمكن قتلها فلما لم يمكن قتلها رفعت الجزية عنها ولو امتنع الرجال ان يؤدوا الجزية كانوا ناقضين للعهد وحلت دماؤهم وقتلهم لان قتل الرجال مباح فى دار الشرك وكذلك المقعد من أهل الذمة والأعمى والشيخ الفانى والمرأة والولدان فى ارض الحرب فمن أجل ذلك رفعت عنهم الجزية.

## بخش دوم

### گزارش ۱۸۰ مورد احکام اعدام در دهه ۱۳۷۷-۱۳۸۷

#### استنتاج های داده های بخش دوم

در خصوص داده های بخش دوم کتاب نکات زیر درخور توجه وتامل است:

۱- در بسیاری از اخبار منتشره در رسانه ها غالباً سن محکومان مشخص نشده است لذا احتمال زیادی وجود دارد که عده ای از محکومان زیر سن ۱۸ سال داشته باشند ولی به دلیل عدم اطلاع در لیست ارایه شده از قلم افتاده باشند لذا آنچه ملاحظه خواهد شد حداقل احکام صادره (اعم از اجرا شده و نشده) است.

۲- ما در این تحقیق به موارد زیادی از محکومان در سنین ۱۹ و ۲۰ سالگی برخوردیم که آنها را از شمار داده های زیر خارج

کرده ایم گرچه همانطور که در بخش نخست تحقیق مشاهده شد در برخی از کشورها گروه سنی ۱۹ و ۲۰ سال را نیز در زمره نوجوانان به شمار آورده اند.

۳- یکی از نکات قابل توجه، افزایش فراوانی مرتکبین جرم وجنایت در سنین ۱۷ و ۱۸ سالگی است. این سن دقیقا سن بحران روحی، جنسی و جسمی جوانان است و در این سنین روحیه پرخاشگری در آنها بالا است. یکی به دلیل ترشح هورمون های جنسی در سنین ۱۵ تا ۱۸ و دوم به دلیل حس استقلال جویی نوجوانان و جوانان که می کوشند به والدین و بزرگترها نشان دهند که وابسته به آنان نیستند و متکی به خویش اند. لذا در این سنین از تعقل و مشورت و تاثیر پذیری بزرگترها محروم می شوند.

نکته درخور توجه در جرایم خشونت آمیز در این سنین، انگیزه ها و دلایل قتل است. در موارد زیادی مشاهده می شود که مقتول، دوست قاتل بوده و طبعا با توجه به شدت وابستگی های نوجوانان به دوستان و همالان خویش، انتظار وقوع این خشونت ها نمی رود. به همین رو دلایل و انگیزه های قتل اهمیت بیشتری می یابد زیرا نشان می دهد اغلب قتل هل ناشی از نزاع ناگهانی بوده است چه در مواردی که مقتول دوست متهم بوده و چه در مواردی که شناخت قبلی نداشته اند و بر سر مسئله ای جزئی و بی اهمیت در گیر شده و واقعا هیچگونه قصد قبلی برای قتل وجود نداشته است (این موارد را در پژوهش دیگری در زمره قتل های ارتجالی نامیده ایم که قتل شبه

عمد محسوب می شوند اما متأسفانه در محاکم ایران برای آن حکم قصاص صادر می شود (ن. ک. باقی. ۱۳۸۵. حق حیات)). برای مثال ستارنوجوان ۱۷ ساله که در ۲۴ بهمن ۱۳۸۴ در اثر نزاع در صف باجه تلفن با دو ضربه چاقوسیب قتل جوانی شده است در دادگاه صریحا می گوید «قصد کشتن نداشتم» اما حکم اعدام او در ۱۳۸۵/۶/۱۵ در زندان اوین به اجرا گذاشته شد. (ن. ک. اعتماد ملی و جام جم ۱۳۸۵/۶/۱۶). دقیقا مفهوم جوانی و ناپختگی و کامل نشدن شخصیت افراد و عدم بلوغ فکری و عقلی را که در بخش نخست تحقیق مورد بحث قرار گرفت در رویدادهای ذکر شده در بخش دوم کتاب می توان مشاهده کرد. در حقیقت آنچه در جداول این بخش آمده اند Case های تجربی مدعیات مطروحه در بخش نخست هستند.

۴- بجز آنچه در بند ۳ آمد برخی از قتل ها نیز جنسی بوده و ناشی از کنجکاوی یا فوران غرایز جنسی مهار نشده نوجوانان و جوانان است. این امر علاوه بر اینکه وضعیت غریزی آنان را وعدم تناسب و تعادل قوه عقلانی را برای رفتار درست جنسی نشان می دهد بیانگر عدم توجه خانواده ها به اقتضائات سنی آنان و کمک به مهار بحران جنسی و راهنمایی و در صورت ضرورت تدارک ازدواج آنان است. علاوه بر این نشانه وجود کاستی و بلکه بحرانی در مدیریت اجتماعی است زیرا وجود محرک های فراوان جنسی خصوصا با توجه به وسایل و رسانه های جدید و غیر قابل کنترل (سی دی، اینترنت، فیلم های ماهواره ای، تصاویر و نوشته های پیامکی موبایل، و . . .) از یک سو و محرومیت

ها و ممنوعیت های فراوان از سوی دیگر وبسته بودن راه های ارضای مشروع غرایز جنسی و فقدان شغل و امکانات راهیابی آسان به دانشگاه و بالارفتن سن ازدواج، همه اینها سبب سرخوردگی جنسی و انفجار یا پرخاشگری جنسی شده و به حوادثی منجر می گردد که در برخی از داده های جداول زیر مشاهده می کنیم.

۵- پرونده های بررسی شده (که نمونه هایی از آنها در بحث پایانی این بخش با عنوان نقدهای حقوقی آراء صادره آمده اند) نشان می دهند که بسیاری از قضات صادر کننده رای به عوامی و زمینه های اجتماعی جرم توجهی ندارند در حالی که نمی توان این دیدگاه را به غیر قضایی بودن متهم کرد زیرا در قانون، توجه به عوامل اجتماعی جرم را تحت عنوان «اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تاثیر آنها مرتکب جرم شده است» (بند ۳ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی) و «وضع خاص متهم و یا سابقه او» و نیز تمام مواد مربوط به «جهات مخففه جرم» (ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مشتمل بر همه بندها و تبصره های آن و بند ب ماده ۲۵ همان قانون) در نظر گرفته اند.

### یادآوری لازم

آنچه در زیر می آید بر اساس جستجو در مطبوعات منتشر شده رسمی و نیمه رسمی در داخل کشور طی ۱۰ سال گذشته و گاهی مراجعه به سایت ها و بیانیه های نهادهای معتبر حقوق بشری است. برای این داده ها ضریب خطای اندکی را باید مفروض داشت زیرا محتمل است در باره متهمی در یکی از مراحل دادرسی اطلاع رسانی شده باشد ولی در سایر مراحل اطلاع رسانی نشده و در نتیجه داده های تکمیلی در این جداول موجود نباشند. اما آنچه مسلم است ضریب خطا در حدی نیست که به عمده داده ها و نتایج ماخوذه آسیبی وارد سازد. خانه های خالی جداول نیز بیانگر نقصانی در امر خبر نویسی و عدم توجه به اهمیت اطلاعاتی است که در اینجا مفقود هستند. حتی در برخی موارد نام محکوم نیز در خبرها ذکر نشده است. در قسمت منابع جداول بعضا از کلمه "محقق" استفاده شده است. منظور از آن مواردی است که محقق از طریق پرس و جو از زندانیان و یا زندانبانان شناسایی کرده و اطلاعات اجمالی به دست آورده و هنوز منابع دیگری برای آگاهی بیشتر به دست نیاورده است. در فاصله نخستین انتشار این کتاب تا امروز (بهمن ۸۷) نام برخی کسانی که در لیست منتظرین اعدام بودند به لیست اعدام شدگان پیوست مانند رضا حجازی و بهنام زارع و نام برخی منتظرین در لیست عفو شدگان رفت مانند حسین ترنج.

### چکیده داده های آماری

در دهه مورد مطالعه دست کم ۱۸۰ حکم اعدام و قصاص برای نوجوانان زیر ۱۸ سال صادر شده است که ۱۳ مورد آن دختر و بقیه پسر بوده اند. از این تعداد ۳۷ حکم اجرا شده که یک نفر آنها دختر بوده و ۲۹ نفر مشمول عفو یا نقض حکم یا رضایت اولیای دم گردیده و از زندان آزاد شده اند که ۷ نفرشان دختر بوده اند. در زمان ارائه این گزارش حدود ۱۱۴ نوجوان محکوم به مرگ، منتظر اجرای حکم در زندان های ایران بسر می برند که از این تعداد نیز ۶ نفر دختر هستند.

## احکام اعدام اجرا شده در دهه ۷۷-۸۷

ردیف	۱	۲
نام و نام خانوادگی	رسول علی محمدی	عاطفه رحیمی سپاهلر*
استان	اصفهان	نکا در مازندران
نوع اتهام	تجاوز به عنف دختر بچه ها در اصفهان با کمک پدرش موسی وریودن جواهرات آنان	اعمال منافی عفت
تاریخ دستگیری بازداشت		
تاریخ و مرجع صدور رای (رسیدگی) بدوی	آبان ۸۳ ش ۵۳ اصفهان	
تاریخ صدور رای تجدید نظر		
تاریخ رسیدگی تجدید نظر یا اجرا	اعدام در ملا عام	۱۵ اوت ۲۰۰۴ در ملا عام اعدام
نوع محکومیت	اعدام	
سن در زمان ارتکاب جرم	۱۶	۱۶
منبع	اعتماد ۱۶/۱۹/۱۳۸۳ و صدای عدالت ۸/۱۸/۱۳۸۳/۸/۱۹	گزارش عفوین الملل

۳	۴	۵	۶	۷	۸
ایمان فرخی*	ایاز مرفوزی*	محمد عسگری*	رستم تاجیک*	مجید سگوند*	محمد رضاهوسوی شیرازی
تهران			اصفهان	خرم‌آباد لرستان	شیراز
	لواط به عنف	لواط به عنف	قتل یک زن	انفعال پسر ۱۲ ساله و تجاوز به او و قتل وی در کوه با همکاری دوست خود	قتل
۱۹ ژوئیه ۲۰۰۵	۱۹ ژوئیه ۲۰۰۵ در میانی در مشهد در ملا عام	۱۹ ژوئیه ۲۰۰۵ در میانی در مشهد در ملا عام	۱۰ دسامبر ۲۰۰۵ در ملا عام	اجرا ۲۱/۲/۱۳۸۵	۱۳۸۶/۲/۲ در زندان عادل آباد
			قصاص	قتل و لواط (دو بار اعدام)	قصاص
۱۷	۱۷	۱۶	۱۶	کجهان ۲۱/۲/۱۳۸۵ اعتماد ۲۴/۲/۱۳۸۵	۱۶
گزارش عقوبت المل	گزارش عقوبت المل	گزارش عقوبت المل	گزارش عقوبت المل		گوانموز وبنایه دجههان حقوق بشر ۱۳۸۶/۲/۳۱

۹	سعدیه قنبرزهی	ناصر پانمانی	مرتضی م.	ستار شیری	سلمان	اسم نا معلوم
زاهدان	سنتدج	یزد	اسلام شهر	تهران	اهل روستای دوست ایران نودان، د. فارس	
منارکت در انفجار انوربوس سپاه ۱۴گشته	قتل	قتل	قتل با چاقو در درگیری بر سر تانفن عمومی ۲۴/۱۱/۸۴	قتل / درگیری / سرقت	زنانی به عنف	
				۷۹		
			ش. ۷۱. ک. ا. ت			
			۱۳۸۳/۱۱/۷ تایید درش ۲۷ مورخ ردیه هفت ۸۴		۲۰۰۰	
۱۳۷۲/۳/۶ دار در زندان زاهدان	۲۰۰۶ اواخر دسامبر دار در زندان سنتدج	۷ نوامبر ۲۰۰۶ در ملاه عام	اجرا در زندان اوین ۱۵/۶/۱۳۸۵	۸۳/۲/۲۳ اجرا شد	۱۳ سپتامبر ۲۰۰۵ در استان فارس در ملاه عام	
قصاص و مجازیه	قصاص	قصاص	قصاص	قصاص		
۱۷	۱۸	۱۸		۱۷	۱۷	
محقق	محقق	محقق	صدا میدانت ۸۳/۱۱/۱۴ ۸۳/۱۱/۷	بیانیه عفو بین الملل	بیانیه عفو بین الملل	

۱۵	۱۴	۱۷	۱۸	۱۹
(اسم نا معلوم)	فرشید فریقی	علی صفیپور رحیمی	سلمان	محمد محمدزاده
			مشهد	ایلام
آدم ربانی و تجاوز جنسی	قتل ۵۰ زننده تاکسی در زمان های مختلف	قتل مأمور پلیس	قتل	قتل موسی آزادی ۵ ساله با ضربات چکش به دلاپیل تلموسی
		فوریه ۲۰۰۲	۲۰۰۰	
۳۳ اوت ۲۰۰۵ در بندرعباس در ملا عام	۱ اوت ۲۰۰۵ در بندرعباس به دار آویخته شد	۱۳ ژوئیه ۲۰۰۵ در پلدختر به دار آویخته شد	۱۲ مه ۲۰۰۴ در مشهد	۳۸۲/۱/۱۵ در زندان ایلام به دار آویخته شد
	قصاص	قصاص	قصاص	قصاص
۱۷	۱۶ تا ۱۴	۱۷	۱۷	۱۷
اعتماد ملی ۸۵/۶۳۰	گزارش عفو بین الملل	گزارش عفو بین الملل	گزارش عفو بین الملل	۱۳۸۲/۱۱/۶

۲۰	مهرداد یوسفی	۲۱	جاسم ابراهیمی	۲۲	ابراهیم قربان زاده	۲۳	علی عسراوی	۲۴	محمد رضا ترک
		گناوه	رشت	اهواز	اهواز	ملائیر			
قتل	آدم ربایی، تجاوز و قتل	قتل	بمب گذاری در خیابان نادری اهواز که منجر به قتل شد	قتل ۳ کودک در نزاع خانوادگی به کمک دینگر و تحریک پدر بزرگ					
				۸۴/۱۰/۵					
۲۹ مه ۲۰۰۱م غرب ایران	۱۴ ژانویه ۲۰۰۰ در گناوه در ملاء عام به دار آویخته شد	۲۴ اکتبر ۱۹۹۹ در رشت	اجرا ۸۴/۱۲/۳۳ ملان، عام خیابان نادری اهواز	در همدان به دار آویخته شد					
قصاص	قصاص و افساد فی الارض	قصاص	قصاص و مجازیه	قصاص					
۱۶	۱۷	۱۷	۱۸	۱۶					
گزارش عقوبت الملل	گزارش عقوبت الملل	گزارش عقوبت الملل	مستجد به عنوانه حجره ذری فارس ۸۴/۱۱/۱۰ و کتبان ۸۴/۱۲/۱۱	زاد یوفردا ۸۳/۸/۱۳					

۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
ماکون مولودراه	حسین - غ	مهران	علی
پاوه	اسلام شهر		
شرارت و تجاوز به عیف در ۱۳ سالگی و بازداشت در ۹ سالگی	قتل محمود ۲۰ ساله (۱۱ آذر ۸۳) در بوستان سعدیه اسلامشهر، با کار با ادعای اینکه او قصد آزارهای شیطانی اش را داشته	رودن با پنجر کردن اتومبیل دختر و تجاوز به دختری در یک ساختمان یمه کاره با تهدید به وسیله تیغ موکتبری (شهریور ۸۴)	رودن با پنجر کردن اتومبیل دختر و تجاوز به دختری در یک ساختمان نیمه کاره با تهدید به وسیله تیغ موکتبری (شهریور ۸۴)
شعبه ۷ دادگاه کیفری کرج کرماتشاه	شعبه ۷۱ دادگاه کیفری تهران		(سالار کیا معاون دادستان؛ این دو بالاتر از ۱۸ سال دانستند آفتاب ۱۷/۳/۱۳۸۵)
	شعبه ۳۱ دیوان		
۱۳۸۶/۹/۱۴ در زندان کرماتشاه	دار	۱۰/۳/۱۳۸۵ اجرا در زندان اوین	۱۰/۳/۱۳۸۵ اجرا در زندان اوین
	قصاص		
۱۳	۱۶	۱۸	۱۸
اعتماد ملی ۱۴/۹/۱۳۸۵ تا اعتماد ملی ۱۴/۸/۸۶۹	اعتماد ملی و اعتماد و شوق ۵ و ۴/۴/۱۳۸۵ و ایسکا نیوز: ۱۳۸۶/۷/۲۵	اعتماد ملی و همشهری و اعتماد ۱۶/۳/۱۳۸۵	اعتماد ملی و همشهری و اعتماد ۱۶/۳/۱۳۸۵

۲۹	۳۰	۳۱	۳۲
بانک رحیمی	جواد شجاعی	الف. م. فرزید عبدالکاکظم متولد ۱۳۶۶	الف. ب
	اصفهان	مشهد	بندر عباس
قتل نفس	قتل مودی به نام رستم در جریان نزاع جمعی ۱۳۷۹	شرب خمر، شرکت در آدم ربایی، اعمال منافی عفت، سرقت، تجاوز به عنف، اختلال در نظم	تجاوز به عنف در بی ورود به خانه زنی برای سرقت و تهدید با چاقو و اذیت و آزار
	شعبه نهم دادگاه عمومی جرائی اصفهان	شعبه ۱۳۳ دادگاه مشهد	دادگاه بندر عباس ۱۳۸۳/۵/۳۷
	شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور		
۱۳۸۵	۱۳۸۶/۱۲/۷ دار در زندان اصفهان	در میان عدالت در ملاء عام به دار آویخته شد	در ملاء عام
قصاص	قصاص	اعدام	اعدام
	۱۶	۱۸	۱۷
محقق	اعتماد چهارشنبه ۸ اسفند ۱۳۸۶	کیهان ۹/۳۸۴/۳۸- ایران ۲۸/۴۱۸/۳۸۴	کیهان ۳/۳۸۴/۳۸- ایران ۱/۴۱۸/۳۸۴

۳۳	۳۴	۳۵	۳۶
قلی نقدی	حمید فرخی	بهنام زارع	رضا حجازی، متولد ۱۳۶۷
تهران	قزوین	استهبان فارس	
قتل در بی درگیری با صاحبخانه اش با ضربه چکش بخاری و چاقو	ادم رباهی و تجاوز به عطف و قتل یک دختر ۴ ساله و زنده به گور کردن وی با همکاری دو دوست خود در روستای فارسجین ضیاء آباد قزوین	قتل عمد	قتل عمد
۷۳	۷۷/۲/۱	۱۳۸۴/۲/۱	۱۳۸۲
	شعبه ۱۵۷۷ دادگاه عمومی قزوین	دادگاه کیفری استان فارس	دادگاه اصفهان
		تایید شعبه ۳۳ بیوزاعالی ۸۵/۲/۲۴	
به دار آویخته شد	عام به دار آویخته شد	به دار آویخته شد	۳۹ مرداد ۸۷ در زندان اصفهان به دار آویخته شد
قصاص	اعدام و قصاص	قصاص	قصاص
۱۷	۱۷	۱۶	۱۵
ایران انتخاب ۷۸/۳/۲۷	کیهان ۱۲/۳/۱۷۹/۳/۱۲ انتخاب ۷۹/۳/۹	رای دادگاه (نویست هاشمی بی سی ۱۳۸۶/۱۱/۱۸۸ و رسانه ها ۸۷/۶/۶)	<a href="http://www.zahward.org/archives/87/5130/post_2630.php">http://www.zahward.org/archives/87/5130/post_2630.php</a> رسانه های ۲۰۰۸/۲/۲۰



## شرح برخی از پرونده های احکام اعدام اجرا شده در دهه ۷۷-۸۷

### عاطفه رجبی سهاله

عاطفه رجبی سهاله در ۱۵ اوت ۲۰۰۴ در مرکز شهر نکا در استان مازندران در ملأ عام اعدام شد. او در آن هنگام ۱۶ سال داشت، و به دلیل محکومیت به «جرایم منافی عفت» برای چهارمین بار، به مرگ محکوم شده بود. روز بعد، روزنامه اعتماد از قول یک مقام قضایی نقل کرد که عاطفه سهاله ۲۲ سال داشته است.

خانواده عاطفه کپی شناسنامه و گواهی فوت او را که پس از اعدامش از سوی مقامات صادر شده بود به یک فعال زن که برای تحقیق در این باره به نکا رفته بود نشان دادند. تاریخ تولد در هر دو سند ۱۹۸۸ قید شده بود. این دو سند هم‌چنین به تهیه کنندگان یک مستند تلویزیونی بی‌بی‌سی که به صورت مخفی در باره اعدام او تهیه شد نشان داده شده‌اند.

عاطفه سهاله در دوران کودکی چندین بار به وسیله شعبه‌ای از سپاه پاسداران که مسئولیت عفت و نظم عمومی را به عهده دارد، دستگیر شده بود، یک بار در حمله به یک کافه، بار دیگر در حمله به یک مهمانی، و یک بار که با پسری در یک اتومبیل تنها بود. او اولین محکومیت خود را به خاطر «جرم منافی عفت» در ۱۳ سالگی گرفت. در این مورد، او به مدت کوتاهی زندان و ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم شد. بنا به مستند بی‌بی‌سی، ادعا شده که او از سوی زندانبانان زندان بهشهر مورد سوء استفاده قرار

گرفته بود. عاطفه سهاله در دو نوبت بعد تحت عنوان «جرم منافی عفت» به زندان های کوتاه مدت و ضربات شلاق بیشتری محکوم شد.

در فاصله کوتاهی پس از آزادی از سومین زندانش، عاطفه سهاله در خانه تنها بود دوباره به وسیله همان نیرو دستگیر شد. بنا بر گزارش ها، دلیلی که برای دستگیری او گفته شده توماری بوده است که عاطفه سهاله را به «منبع فساد» و رابطه جنسی بدون ازدواج با مردان مختلفی متهم کرده بوده است. ادعا شده که تومار به امضای اهالی نکا بوده، ولی امضاها فقط متعلق به مأموران پلیس بوده است. عاطفه سهاله به «اعمال منافی عفت» متهم شد و به وسیله قاضی رضایی در یک دادگاه انقلاب در شهر همسایه بهشهر تحت محاکمه قرار گرفت. او یک وکیل تسخیری داشت.

گفته می شود او در جریان محاکمه شدیداً به وسیله قاضی رضایی تحت بازجویی قرار گرفته و اقرار کرده است که با مردی به نام علی دارابی آمیزش جنسی داشته است. بنا بر گزارش ها، او سه سال پیشتر، در سن ۱۳ سالگی از سوی آن مرد ۵۱ ساله در معرض سوء استفاده جنسی قرار گرفته ولی به کسی نگفته بوده است. گفته می شود در طول محاکمه عاطفه سهاله آرامش خود را از دست داده و بر سر قاضی داد زده است که او قربانی آن مرد مسن بوده، و به عنوان اعتراض روسری خود را پرت کرده است. به قرار اطلاع، قاضی او را توبیخ کرده و بعداً گفته است که او «در ملأ عام لخت شده است». عاطفه سهاله به «جرم منافی عفت» محکوم شد و چون برای چهارمین بار این مجرمیت به وقوع پیوسته بود به اعدام با دار محکوم شد. تصور می رود که حکم سه ماه پیش از اجرا صادر شده بود - تقریباً در ماه مه ۲۰۰۴. علی دارابی نیز به ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم شد.

بنا به تحقیقات فعالان حقوق بشری و روزنامه‌نگاران، عاطفه سهاله بیماری روانی داشته است و یک روانشناس او را در خطر خودکشی تشخیص داده بود. پس از صدور حکم اعدام، ۴۳ نفر از ساکنان نکا عریضه‌ای را امضا کردند با این تقاضا که به دلیل این که او «عقل کم دارد و دارای بیماری روان می‌باشد» از اعدام او صرف نظر شود. عاطفه سهاله در دفاعیه خود نوشته بود: «مدارک پزشکی موجود است که ثابت می‌کند عصب و روان ضعیفی دارم و در دقایقی از شبانه‌روز مختل مشاعر می‌گردم. لطفاً جناب قاضی، به تقاضای من برای آزادی گوش کنید.»

پرونده به صورت غیر عادی به سرعت از سوی دیوان عالی کشور در تهران بررسی شد، و حکم مورد تأیید قرار گرفت. بنا به گزارش‌ها، قاضی رضایی شخصا پرونده را به دیوان عالی کشور برده و دیوان عالی یک روزه به آن رسیدگی کرده است. حکم دادگاه که در فیلم بی‌بی‌سی ضبط شده می‌گوید: «عاطفه سهاله ۲۲ ساله دختر صفر. از آنجا که او به جرم اقرار کرده و این برای دفعه چهارم بوده است، ما حکم اعدام را صادر می‌کنیم.

اعدام در ملاً عام در نکا انجام خواهد شد تا مردم از آن عبرت بگیرند.» به گفته شاهدان عینی، وقتی عاطفه سهاله را برای اعدام پای جرثقیل بردند، او چندین بار از خدا طلب آمرزش کرد. قاضی رضایی که حکم اعدام را علیه او صادر کرده و بعد، بر اساس گزارش‌ها، خود پرونده را به دیوان عالی کشور برده بود، طناب دار را به گردن او انداخت. بعداً که از قاضی رضایی پرسیده شد که چرا در این پرونده این قدر تعجیل کرده است، از قول او چنین نقل شده که به عقیده او در نکا «بی‌عفتی» خیلی زیاد شده بود.

پدر عاطفه سهاله از این که قرار است دخترش در آن روز به دار آویخته شود با خیر نشده بود و پس از واقعه از طریق یک دوست خانوادگی از جریان مطلع شده است. بدین صورت، او از خداحافظی با دخترش محروم شده بود. اشتباه در سن عاطفه سهاله فقط پس از اعدام، موقعی که وسایل شخصی و وصیت نامه او را به خانواده اش تحویل دادند، برملا شد. (بیانیه عفو بین الملل. ۲۰۰۷)

### ایمان فرخی

ایمان فرخی به خاطر ارتکاب جرمی در ۱۷ سالگی، در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۵ در تهران اعدام شد. او متهم بود که در اکتبر ۲۰۰۰ در حین کوهنوردی در اطراف تهران، محمدعلی قاسم زاده را با ضربه کارد کشته است. ظاهراً ایمان فرخی از صحنه قتل فرار کرد، ولی در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۰ دستگیر شد. سپس در یک مرکز بازداشت نوجوانان در بازداشت به سر می برد، ولی در فوریه ۲۰۰۱ فرار کرد.

ایمان فرخی در نوامبر ۲۰۰۲ به خاطر حمل سلاح غیرمجاز و دزدی به سه سال زندان محکوم شد و به زندانی در جیرفت در جنوب ایران انتقال یافت. این امر به شناسایی او منجر شد و در نتیجه، او را برای محاکمه به خاطر قتل به یک دادگاه اطفال در تهران آوردند. گویا ایمان فرخی به قتل محمدعلی قاسم زاده اقرار کرده و به ۸۰ ضربه شلاق به خاطر مصرف مشروبات الکلی و قصاص به خاطر قتل محکوم شده است. شعبه ۴ دیوان عالی کشور در سال ۲۰۰۴ حکم را تأیید کرد. (بیانیه عفو بین الملل. ۲۰۰۷)

### ایاز مرهونی و محمد عسگری

ایاز مرهونی و محمد عسگری، دو نفر عرب ایرانی، در ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۵ در میدانی در مشهد اعدام شدند. به عقیده عفو بین‌الملل، به هنگام جرم ارتكابی محمد عسگری ۱۵ یا ۱۶ ساله و ایاز مرهونی ۱۶ یا ۱۷ ساله بوده است. هر دو نفر پیش از اعدام ۲۲۸ ضربه شلاق خورده بودند. ماهیت واقعی جرم آنان مورد اختلاف است.

عکس‌های صحنه‌های انتقال آنان به پای دار و اعدام در اطراف جهان منتشر شد و محکومیت جهانی را به دنبال داشت. یکی از عکس‌ها نشان می‌دهد که آنان در پاسخ به سؤالات روزنامه‌نگاران در راه به محل اعدام به گریه افتاده‌اند. یکی دیگر نشان می‌دهد که دو پسر با چشم‌بند بر روی یک تریلی در زیر دار آهنی ایستاده‌اند و دو مرد نقابدار پشت سرشان ایستاده و طناب دار را به گردن آنان می‌اندازند. یک عکس دیگر آنان را در حالی که از جرثقیل آویزانند نشان می‌دهد. شاهدان عینی می‌گویند تقریباً ۲۰ دقیقه طول کشید تا ایاز مرهونی و محمد عسگری بمیرند و ظاهراً عده زیادی برای تماشای اعدام جمع شده بودند.

گزارش رسمی به طوری که در روزنامه قدس و پایگاه اینترنتی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) آمده است می‌گوید که این دو به خاطر «لواط به عنف» مجرم شناخته شدند، که استنباط می‌شود تجاوز به یک پسر ۱۳ ساله بوده است. آنان همچنین به خاطر مصرف الکل، دزدی و برهم زدن نظم عمومی مجرم شناخته شده و به شلاق محکوم شده بودند. قدس گزارش مفصلی، ظاهراً مبتنی بر اظهارات پدر بچه ۱۳ ساله، از تجاوز به او با تهدید به کارد منتشر کرده است. گفته شده است که محمد عسگری

همچنین به باج‌گیری و تعرض با کارد و ایاز مرهونی به جرح عمد مجرم شناخته شد بودند. برای این جرایم، آنان به جریمه و زندان محکوم شده بودند. آنان پیش از گذراندن حکم زندانشان اعدام شدند. از هنگام اعدام این دو نفر، برخی منابع گفته‌اند که ایاز مرهونی و محمد عسگری یک زوج بوده‌اند و به خاطر اعمال جنسی مرضی‌الطرفین با یکدیگر، و امکاناً با پسر ۱۳ ساله، اعدام شده‌اند. برخی از منابع دیگر، این روایت را نفی می‌کنند. (بیانیه عفو بین الملل. ۲۰۰۷)

### رستم تاجیک

رستم تاجیک، یک فرد ۲۰ سال تبعه افغانستان، روز ۱۰ دسامبر ۲۰۰۵ در اصفهان در ملأ عام اعدام شد. روز پیش از آن، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امر اعدام‌های بدون محاکمه، صحرایی و خودسرانه از ایران خواسته بود که این اعدام را متوقف کنند. روزنامه همشهری صحنه را چنین تصویر کرده است:

«مجرم، یک افغانی به نام رستم، با دست و پای بسته بین دو مأمور حرکت می‌کرد و پاهایش می‌لرزید. . . تماشاچیان با تشویق خود خواهان اجرای حکم بودند. یک دکتر جوان رستم را معاینه کرد و با تأیید سلامتی او اعلام داشت که متهم را می‌توان اعدام کرد. دو مأمور او را پای دار بردند. آن‌ها طناب را دور گردن او انداختند و او اعدام شد.»

رستم تاجیک در شعبه ۹ دادگاه عمومی اصفهان به خاطر قتل یک زن به نام نفیسه رفیعی در ماه مه ۲۰۰۱، زمانی که خود او ۱۶ سال داشت، به قصاص محکوم شده بود. (بیانیه عفو بین الملل. ۲۰۰۷)

**مجید سگوند**

مجید سگوند ۱۷ ساله بود که همراه با مرد ۲۰ ساله‌ای که نامش ذکر نشد، در ۱۳ مه ۲۰۰۶ در خرم‌آباد مرکز استان لرستان در ملأ عام اعدام شد. به گزارش روزنامه‌های ایران، این دو نفر یک پسر ۱۲ ساله به نام کامران را در آوریل ۲۰۰۶ دزدیده و پس از تجاوز او را کشته بودند. گزارش شده است که مجید سگوند و مرد نام‌برده نشده در موقع بازجویی به جرم خود اقرار کرده‌اند. این دو نفر در یک جلسه فوق‌العاده - یک روند تسریع شده - محاکمه شدند و در کمتر از یک ماه پس از قتل اعدام گردیدند. (بیانیه عفو بین الملل. ۲۰۰۷ و کیهان ۲۱/۲/۱۳۸۵ اعتماد ۲۴/۲/۱۳۸۵)

**محمد موسوی**

محمد موسوی به قرار اطلاع در ۲۲ آوریل در سن ۱۹ سالگی در شیراز اعدام شده است. گویا اعدام او را به خانواده‌اش خبر نداده بودند. بنا به گزارش‌ها، محمد موسوی به خاطر ارتکاب قتلی در ۱۶ سالگی به قصاص محکوم شده بود. (بیانیه عفو بین الملل. ۲۰۰۷)

**سعید قنبرزهی**

سعید قنبرزهی در زندان زاهدان در ۲۷ مه ۲۰۰۷ به دار آویخته شد. او از اقلیت بلوچ بود و در سن ۱۷ سالگی همراه با شش نفر بلوچ دیگر در مارس ۲۰۰۷ به اعدام محکوم شد. اطلاعاتی که به عفو بین‌الملل رسیده حاکی از آن است که این هفت نفر ممکن است به خاطر نسبت خانوادگی با

اشخاص مظنون به دست داشتن در انفجار یک اتوبوس حامل مأموران سپاه پاسداران در ۱۴ فوریه ۲۰۰۷ در زاهدان و مرگ ۱۴ نفر در اثر آن دستگیر شده باشند.

بنا به گزارش رسانه‌ها، سعید قنبرزهی و شش نفر دیگر همه در تلویزیون دولتی ایران به یک سلسله از جرایمی که ادعا شده در ایالت سیستان و بلوچستان اتفاق افتاده، از جمله حمله و دزدی اتومبیل، «اقرار کرده‌اند». این «اقرارها»، یک گروه مخالف مسلح بلوچ ایرانی به نام جندالله را که به عنوان جنبش مقاومت مردم ایران نیز معروف است به این جرایم و هم‌چنین حمله به اتوبوس ارتباط داده است. گزارش‌های تأیید نشده حاکی از آن است که «اقرارکنندگان» به صورت‌های مختلف، از جمله شکستن استخوان‌های دست و پا، «داغ شدن» به وسیله میله آهنی داغ، و سوراخ کردن دست و پا با مته برقی و خرد کردن ماهیچه‌های آن‌ها، شکنجه شده‌اند.

بنا به گزارش تلویزیون دولتی ایران، سعید قنبرزهی در ۱۱ مارس ۲۰۰۷ محاکمه شده است. در گزارش گفته شد که او در دادگاه علنی با حضور بازماندگان قربانیان ادعایی او محاکمه شده است. او به قتل، شرکت در یک بمب‌گذاری در دسامبر ۲۰۰۶ و نگهداری از گروگان‌ها در پاکستان در ۲۰۰۶ متهم شده بود. (بیانیه عفو بین الملل. ۲۰۰۷)

### ماکوان مولودراده

ماکوان، پسر ۲۰ ساله‌ای که از یک سال قبل به اتهام تجاوز به عنف در ۱۳ سالگی در زندان کرمانشاه بود. به دنبال نامه پسرخاله متهم به اداره

اطلاعات و آگاهی شهرستان پاره مبنی بر ضرب و شتم، پرونده ای برای ماکوان تشکیل می شود. در این پرونده شش شاکی و شش متهم وجود داشته که سایر متهمان از اتهامات تبرئه شدند. در دادگاه فقط سه شاکی حاضر شدند که آن سه نیز در ادامه شکایت خود را پس گرفتند و مطابق اوراق پرونده اعلام کردند به دروغ و تحت تاثیر برخی مسائل ادعا کرده بودند از سوی ماکوان مورد تعرض قرار گرفته اند. متهم نیز در دادگاه اقرار اولیه خود را پس گرفت و گفت اعتراف هایش تحت فشار بوده و او هیچ وقت به هیچ کس تجاوز نکرده است. با این حال شعبه رسیدگی کننده به استناد علم قاضی و نامه هایی که از شورای تامین استان مبنی بر شرارت های ماکوان فرستاده شد، این جوان را به اعدام محکوم کرد.

### بهنام زارع

بهنام زارع ۱۶ ساله و ساکن روستای دستجرد استهبان در درگیری با یکی از دوستان خود به خاطر اینکه یکی از کبوترهای متعلق به متهم را به وسیله سنگ مضروب مینماید و درگیریهای قبلی که بین مقتول و متهم وجود داشته است این دو با یکدیگر دعوای متعدد کرده اند به طوری که روز حادثه ۸۴/۲/۲۱ طی جرو بحثی جزئی که بین متهم و مقتول به وجود آمده متهم از ترس اینکه دوباره امکان دعوا و کتک کاری بین او و مقتول به وجود خواهد آمد تبرزینی زیر پیراهن خود مخفی میکند که در صورت لزوم از آن استفاده کند که طی اولین برخورد فیزیکی زمانی که مقتول قصد داشته تبرزین خود را از کنار

دیوار بردارد متهم فوری آن را از پیراهن در آورده و به گردن مقتول می زند که این خود عامل قتل می شود.

شعبه ۵ دادگاه کیفری استان فارس نیز در تاریخ ۸۴/۸/۲۲ وی را محکوم به قصاص می کند و شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور نیز در تاریخ ۱۳۸۵/۲/۲۴ رای صادره را مورد تایید قرار می دهد. در حال حاضر در مرحله اجرای حکم است. (ماخذ: مصاحبه در جریان مراجعه برای جلب رضایت و آرای صادره دادگاه-پیوست).

**جدول عفو، توقف اجرا یا نقض حکم**

ردیف	۱	۲	۳
نام و نام خانوادگی	محمد	حبیب افراسیابی	مهیار - ک
استان	بلوچ	تهران	تهران
نوع اتهام	حمل ۵۰ گرم هروئین	قتل ابر دفاع / روابط نامشروع	قتل زن ۵۸ ساله / سرقت / چاقو
تاریخ دستگیری		۷۶/۱۲/۱۵	۷۸/۸/۱۳
تاریخ بازداشت			
تاریخ و مرجع صدور رای	د. راهمان	ش ۱۶۰۳ / ش ۱۶۰۱ ش ۱۶۰۲ / ش ۱۶۰۸	ش ۲۱۰۶ د. اطفال تهران
(رسیدگی) بدوی			
تاریخ صدور رای			
تجدید نظر			
نتیجه رسیدگی	نقض حکم	ش ۲۷ نقض / نقض نقض / ش ۲۷ تأیید	تبر ۸۱ / نقض
تجدید نظر			
نوع محکومیت	اعدام	فصلص / ابراء / قصاص / قصاص	قصاص
سن در زمان	۱۵	۱۸	۱۷
ایران	ایران	ایران	ایران
منابع و مآخذ	۱۳۸۱/۸/۳۰	۱۳۸۱/۷/۲۳	۱۳۸۱/۴/۲۴

۴	۵	۶	۷
سینا پایمرد	کامبیز	شهرام پورمنصوری	عباس حسینی
	تهران	اهل اهواز - رسیدگی در تهران	افغانی - تبار متولد مشهد
	قتل / درگیری / اجاقو	مشارکت در ربودن هواپیما	قتل
رفته بود حکم به دستور مقامات قضایی متوقف و با پرداخت دیه ۱۵۰ میلیون تومانی	ش ۳۹ / نقض / اردیبهشت ۸۱	با تلاش هوارايزنی ها حکم در ۱۳۸۴ به دستور رئیس قوه قضاییه متوقف و در مهر ۸۶ رسماً نقض و به ۱۵ سال کاهش یافت.	۳ ژوئن ۲۰۰۴ تایید در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۴ دیوان عالی در مشهد و توقف اجرای دستور رئیس قوه در اردیبهشت ۲۰۰۵
قصاص	قصاص	محاربه	قصاص
	۱۶	۱۸	۱۷
رای دادگاه (دیربست ها) و ارتباط با خانو با خانواده او	نوروز ۱۳۸۰ / ۲۳۰	ارتباط با خانواده او	بیانیه صفو بین الملل - محقق

۸	۹	۱۰
علی علیجان	بلا مافی	نازین مهاد فاتحی
	اراک	کرج
قتل در جریان نزاع	اشاعه فحشاء، رابطه نامشروع، زنا با محارم	قتل جوانی با ضربات چاقو در دفاع از خود ۹/۱۲/۸۳
شعبه ۷۱ دادگاه جنایی استان تهران	ش ۲۵.ک. اراک	ش ۷۱.ک. ا.ت
مارس ۲۰۰۴	مه ۲۰۰۴	ژانویه ۲۰۰۶
۲۰ سپتامبر ۲۰۰۶ پای دازوسط اولی دم اجرای حکم متوقف و قرار شد در دوماه دیه داده شود	۲۷ مارس ۲۰۰۵ دیوان عالی کشور حکم را نقض کرد	دیوان عالی به دستور رئیس قوه، حکم را در مه ۲۰۰۶ نقض و قضات دادگاه فاتحی را به خاطر شبهه در تناسب دفاع از اتهام قتل عمد تبرئه کردند. ۹/۳/۱۳۸۵
قصاص	اعدام	قصاص
۱۸	۱۷	
بیتابه عفو بین الملل - محقق	اعتماد ۱۳۸۳/۹/۸	همشهری ۱۰/۳/۱۳۸۵

۱۱	۱۲	۱۳
افسانه	رسول صفری متولد ۱۳۶۶	اسم نا معلوم
قاچاق هروئین از طریق بلخ	قتل با چاقو در هنگام شب در جریان یک شوخی	تهران
	۸۳/۸/۱۵	قتل در بی درخواست نامشروع مقتول / چاقو
	دادگاه عمومی گیلانغرب	دادگاه اطفال. شعبه ۲۱۰۳ پانزیر ۸۱
	۸۴/۶/۱۶	
در دیوانعالی کشور با دو درجه تخفیف به ۱۵ سال حبس کاهش یافت	در ۸۴/۱۲/۲۸ حکم در شعبه ۳۳ دیوانعالی ک نقض شد	براساس حکم دادگاه پس نقض حکم قصاص در دیوانعالی کشور در رسیدگی مجدد محکوم به دپه می گردد
اعدام	قصاص	قصاص
۱۷	۱۷	زیر ۱۸
ایران ۱۳۸۶/۹/۲۷	رای دادگاه (پیوست ها)	زیر ۱۸ ایران ویژه نامه حوادث ۸۲/۱۰/۱

۱۴	۱۴	۱۶
ناصر قاسمی متولد ۱۳۶۳/۴/۲۵	نبوت بابایی	محمد لطیف متولد ۱۳۶۸/۸/۱۳
گرومانشاه		ساوه
قتل یک زارع با اسلحه در سرقت شیشه زرت با عمومی خود ۱۳۷۸/۵/۲۹	قتل در شوخی کودکانه ۱۳۸۱	قتل عمد با چاقو در نزاع
۷۸/۶/۲۵		۱۳۸۳/۳/۹
شعبه ۲۹ دادگاه عمومی گرومانشاه		کلاسسه پرونده ۸۳- شعبه ۱۳۵/۴ دادگاه عمومی ساوه ۱۳۸۵/۲/۲۵
تنفیذ در دیوان وثاقت مجدد	رضایت اولیای دم به دیه ۱۳۸۶	اولیای دم در قبال دیه رضایت به عفو دادند. بهمن ۸۶
قصاص	قصاص	قصاص
۱۵	۱۷	۱۴ سال و ۹ ماه
رای دادگاه (ریوست ها) ومصاحبه با خانواده محکوم و پیگیری وضعیت وی	مصاحبه با خانواده محکوم	رای دادگاه (ریوست ها) اعتماد ۱۳۲۳ و ایستادگی ۱۱۲۱/۱۲۸/۴ ملی ۱۳۸۶/۹/۲۴

۱۷	۱۸	۱۹
هاشم	اسماعیل	طیبه
قتل دوست خود به نام عالم (اواخر ۸۳)	دیگر در سفر به تایلند در مهر آباد که مستی و شوخی منجر به نزاع شد ۲۳/۸۰ و سه سال فراری بود	خواستگاری اش می آمد و همدیگر را دوست داشتند با چاقو
	ش ۱۵۷ دادگاه جنایی تهران	
با رضایت اولیای دم از مرگ نجات یافت	با رضایت اولیای دم از اعدام نجات یافت	در لحظه دار با رضایت اولیای دم از مرگ نجات یافت
قصاص	قصاص	قصاص
۱۸	۱۸	۱۸
کارگزاران ۱۱/۳/۱۳۸۵	اعتماد و اعتماد ملی و همشهری ۳۱/۳/۱۳۸۵	اعتماد ۱۵/۴/۱۳۸۵

۲۰	محمد (ابتدا ۵ سال و دبه کامل. پس از اعتراض خانواده مقتول و محاکمه مجدد به اعدام سپس نقض اعدام)	تهران	تهران
	قتل دوستان ایمان (۱۸ ساله) در یک نزاع به خاطر دوچرخه سواری در سن ۱۴ سالگی (۱۳۸۱)	قتل با چاقو در درگیری دربند	قتل همسر ۲۷ ساله با چاقو و مثله کردن جسد ۱۳۷۸
	صدر شعبه ۱۰۲ جزایی به	شعبه ۲۴ دادگاه کیفری تهران	شعبه ۱۶۰۱ دادگاه جزایی تهران در سال ۷۹ و شعبه ۱۵۶ دادگاه جزایی در ۸۴/۵/۱۵ ه
	نقض حکم به دلیل سن موقع جرم و ارجاع به دادگاه اطفال ۱۶/۱/۱۳۸۵	نقض حکم مهر ۸۴	نقض حکم و تبدیل به ۱۵ سال حبس
	قصاص	قصاص	قصاص
	۱۴	۱۸	۲۰-۱۸
	همشهری و اعتماد ۱۷/۱/۱۳۸۵	همشهری ۱۳۸۴/۷/۱۴	همشهری ۱۳۸۴/۵/۱۶ و ۴/۲۱

۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
رضا صفهان	اردبیل (زن)	سمیه تهران	شاهرخ تهران	حبیب الله گل نور اسلامشهر
مقتولان قصد تعرض به وی را در خواجگاه محل ۸۱/۱۲/۱۵	قتل زن صاحبخانه در پی سرقت از او ۵ سال پیش	با پسر مورد علاقه خود در پی مخالفت خانواده با ازدواج آن ۷۵/۱۰/۱۲	مورد علاقه خود در پی مخالفت خانواده دختر با ازدواج ۷۵/۱۰/۱۲	قتل باغیان ۴۰ ساله در پی سرقت از باغ او با چاقو ۶۱
ش ۱۰۶ اصفهان	د اردبیل	د.ج. تهران ۷۵/۱۲/۱	۷۵/۱۲/۱ د.ج. تهران	ش ۱۶۰۱ د.ج. تهران
	تأیید			معمولاً ممنوع بودن
با گذشت اولیاء دم در اسفند ۸۴ عفو شد	اولیاء دم وی را پلی ج. به دار مورد عفو قرار دادند آذر ۸۴	با رضایت اولیاء دم عفو شد ۷۸/۴/۱۴	با رضایت اولیاء دم عفو شد ۷۹/۹/۳۱	در زمان قتل هنوز به دنیا نیامده بود که بعد از رسیدن به سن
قصاص	قصاص	قصاص	قصاص	قصاص
۱۷	۱۵	۱۶	۱۶	۱۷
همشهری ۸۴/۱۲/۳۰	اعتماد ۸۴/۹/۱۳	انتخاب ۷۹/۳/۱۱	انتخاب ۷۹/۳/۱۱	انتخاب ۷۹/۱/۲۲

۲۸	۲۹
رشید دوست محمد	حسین تریج
اسلامشهر	زندان رحایی شهر
قتل باغیان ۴۰ ساله در پی سرقت از باغ او با چاقو	قتل یک نفر در نزاع در حمایت از برادرش
۶۱	۱۳۸۲/۴/۲۳
ش ۱۶۰۱ د.ج تهران	شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان
	تایید شعبه ۴ دیوانعالی
بعد از ۱۸ سال تنها اولیاءدم که در زمان قتل هنوز به دنیا نیامده بود به سن قانونی رسیده و وی را مورد عقوبت قرار داد	بهمن ۱۳۸۷ با رضایت اولیای دم آزاد شد.
قصاص	قصاص
۱۷	۱۷
انتخاب ۷۹/۱/۲۲	محقق

### شرح برخی از پرونده ها

#### علی علیجان

علی علیجان ۱۹ ساله به خاطر جرمی که در هنگام ارتکاب آن زیر ۱۸ سال داشته است، در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۶ به پای دار برده شد و طناب دار را به گردن او انداختند. در آخرین لحظات، خانواده قربانی او اعدام را متوقف کردند.

علی علیجان به خاطر قتل مرد جوانی به نام بهروز در مارس ۲۰۰۴ به قصاص محکوم شد. در جریان محاکمه او در شعبه ۷۱ دادگاه جنایی استان تهران، علی علیجان گفت که بهروز و سه نفر از دوستانش به مغازه خانوادگی او ترقه پرتاب کرده‌اند و بهروز به پدر مسننش سیلی زده است. چند روز بعد، او گفت که این دسته را نزدیک مغازه دیده و با آنان درگیر شده است. «یکی از آن‌ها کارد به همراه داشت و چند بار به من ضربه‌های خفیف زد. من کارد را گرفتم و یک ضربه به بهروز زدم». علی علیجان مصر بود که قتل عمدی نبوده است و کارد متعلق به یکی از دوستان بهروز بوده است. پس از این که علی علیجان به قصاص محکوم شد، وکیلش تقاضای تجدید نظر کرد، ولی حکم از سوی دیوان عالی کشور تأیید شد. خانواده علی علیجان بارها از خانواده بهروز تقاضا کردند که از حق قصاص بگذرند و به جای آن دیه بپذیرند. روزی که قرار بود علی علیجان اعدام شود، آنان دو باره به سراغ آن خانواده رفتند و این دفعه آنان پذیرفتند و از مسئولان خواستند که اعدام را متوقف کنند. به خانواده علی علیجان دو ماه فرصت داده شد که دیه را تأمین کنند. (بیانیه عفو بین الملل. ۲۰۰۷)

### لیلا مافی

لیلا مافی در سن ۱۷ سالگی در یورش پلیس به یک فاحشه‌خانه دستگیر شد. در جریان بازجویی، او چندین بار به کار به عنوان یک روسپی از سن کودکی اقرار کرده است. در حدود ماه مه ۲۰۰۴، دادگاهی در اراک او را به خاطر «اقدامات منافی عفت» - اداره یک فاحشه‌خانه، روسپیگری، زنا با محارم و داشتن بچه نامشروع - به مرگ محکوم کرد. او یک وکیل تسخیری داشت. او همچنین به شلاق پیش از اعدام محکوم شد.

یک خبرنگار اعتماد که در زندان با لیلا مافی مصاحبه کرده بود داستانی از دوران کودکی پر از روسپی‌گری اجباری، تجاوز و سوء استفاده، و دستگیری‌ها و محکومیت‌های شلاق در موارد متعدد کشف کرد. لیلا مافی را مادرش در سن ۸ سالگی به روسپی‌گری واداشته بود و در ۹ سالگی یک بچه به دنیا آورده است. تقریباً در همان زمان او به خاطر روسپی‌گری به ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم شده بود. موقعی که او ۱۲ سال داشته است، خانواده‌اش او را به یک مرد افغان فروخته بودند تا «صیغه» او بشود. مادر شوهرش او را به فاحشگی واداشته است و موقعی که او ۱۴ سال داشته است مجدداً به شلاق - ۱۰۰ ضربه - محکوم می‌شود. او بعداً دو بچه دوقلو می‌زاید. سپس خانواده‌اش او را به یک مرد متاهل ۵۵ ساله و دارای دو بچه می‌فروشند که او نیز در خانه‌اش لیلا مافی را به روسپی‌گری وامی‌دارد.

بنا به گزارش اعتماد، مددکاران اجتماعی در چند موقعیت، توانایی مغزی لیلا مافی را آزمایش کردند و نتیجه گرفتند که او سن مغزی یک بچه هشت‌ساله را دارد. او هیچگاه از سوی یک دکتر منصوب از طرف دادگاه

مورد معاینه قرار نگرفته و بدون توجه به شرایط گذشته یا سلامت روانی او، بر اساس اقرارهایش به مرگ محکوم شده است. در ۲۷ مارس ۲۰۰۵، دیوان عالی کشور حکم اعدام و پنج سال زندان را نقض کرد ولی حکم شلاق را تأیید نمود. پرونده برای محاکمه مجدد به یک دادگاه پایین تر در اراک ارجاع شد. بعداً شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی اراک لیلا مافی را از زنای با محارم (که حکم اعدام دارد) و اداره فاحشه‌خانه تبرئه کرد. ولی، او به «عمل منافی عفت با محارم (جز زنا)» مجرم شناخته شد و به ۹۹ ضربه شلاق محکوم گردید. او هم‌چنین به سه سال و نیم زندان به خاطر «تأمین وسایل فساد و فاحشگی از طریق آمادگی برای عمل جنسی» محکوم شد. قاضی دستور داد که پس از اتمام حکم زندان، او باید برای هشت ماه در یک مرکز توانبخشی زنان زندگی کند. نود و نه ضربه شلاق در فوریه ۲۰۰۶ در مرکز اداره دادگستری اراک اجرا شد. لیلا مافی سپس به یک مرکز توانبخشی زنان در تهران انتقال یافت. (بیانیه عفو بین الملل. ۲۰۰۷ و روزنامه اعتماد ۸۳/۹/۸ و ۸۴/۱/۲۷)

#### نازنین مهاباد فاتحی

در مارس ۲۰۰۵، نازنین فاتحی ۱۷ ساله و سمیه دختر خواهر او که ۱۴ یا ۱۵ سال داشته است و هر دو از خانواده کرد فقیری هستند در یک محل خلوت نزدیک خانه‌شان در کرج در نزدیکی تهران مورد حمله قرار می‌گیرند. یک عده جوان دور این دو دختر را می‌گیرند و می‌خواهند به آنان تجاوز کنند. نازنین فاتحی که برای دفاع از خود کارد به همراه داشته است به سینه یکی از آنان ضربه می‌زند که به قتل او منجر می‌شود. دو

دختر از صحنه فرار می‌کنند و قضیه را به پلیس خبر می‌دهند. در ژانویه ۲۰۰۶، نازنین فاتحی به قصاص محکوم شد؛ مادر مقتول خواهان تلافی به مثل شده بود.

در دادگاه، نازنین فاتحی که وکیل تسخیری داشته است در حال گریه گفت: «من می‌خواستم از خودم و خواهرزاده‌ام دفاع کنم. . . اما قصد کشتن آن پسر را نداشتم. در آن لحظه حساس من نمی‌دانستم چه کار کنم چون هیچ کس به کمک ما نیامد».

دیوان عالی کشور، به قرار اطلاع به دستور رییس قوه قضائیه، حکم مرگ را در مه ۲۰۰۶ نقض کرد. پرونده برای محاکمه مجدد ارجاع شد. وکیل دادگستری شادی صدر وکالت پرونده را به عهده گرفت و قضات دادگاه در ۱۴ ژانویه ۲۰۰۷ نازنین فاتحی را از اتهام قتل عمد تبرئه کردند و نظر دادند که او در دفاع از خود اقدام کرده است. ولی، دادگاه اضافه کرد که او در دفاع از خود واکنش نامتناسب نشان داده است و حکم کرد که او به خانواده جوانی که کشته است دیه بدهد. وکیلان او این حکم را به چالش گرفته‌اند.

پس از پرداخت ۴۰۰ میلیون ریال (تقریباً ۴۳ هزار دلار آمریکا) وثیقه که بیشتر آن از طریق کمک‌های مردم بود نازنین فاتحی در ۳۱ ژانویه ۲۰۰۷ از زندان آزاد گردید و در محیطی پراحساس به خانواده‌اش پیوست. (بیانیه عفو بین الملل. ۲۰۰۷)

**رسول صفری متولد ۱۳۶۶**

- سن در هنگام قتل ۱۷ سال

- دارای وکیل

- در تاریخ ۸۴/۶/۱۶ در شعبه یک دادگاه عمومی گیلانغرب محکوم به قصاص شده است.

- در تاریخ ۸۴/۱۲/۲۸ حکم صادره در شعبه ۳۳ دیوانعالی کشور نقض شد.  
**شرح حادثه:** در تاریخ ۸۳/۸/۱۵ رسول صفری به همراه دو تن از دوستان خود به کوه رفته بودند. شب هنگام حدود ساعت ۲۰-۲۱ در ارتفاعات مقتول که به همراه دوست خود با هدف شوخی و ترساندن و اذیت رسول صفری و همراهانش به کوه رفته بود با اقدامات اولیه خود (سنگ پرانی و زوزه حیوانات در آوردن) ترس و وحشت برای سه نفر ایجاد می کند و باعث می شود رسول صفری و همراهانش با عجله به سمت دامنه کوه حرکت کنند. مقتول در تعقیب آنها بوده و در نهایت با گریزی که در دست داشت و در حالی که به گفته متهم و دیگران سر و صورت خود را هم جهت ناشناخته ماندن پوشانده بود به آنها حمله کرده است که باعث درگیری بین مقتول و رسول صفری و همراهانش می شود. رسول صفری با وارد کردن یک ضربه چاقو به شکم مقتول باعث مرگ وی می شود.

#### ملاحظات:

- ۱- رسول صفری در آخرین دفاع در دادگاه بدوی اظهار داشته: «فقط من می گویم که قتلی انجام نداده ام اعترافاتی که کرده ام در اثر شکنجه آقای امیری و احمدی فر بود» ساعت ۶ اعتراف کردم ساعت ۸ در دادگاه تایید کردم.
- ۲- وی در دادگاه اتهامات وارده را انکار می کند. (ماخذ: رای دادگاه)

#### نبوت بابایی

- سن در هنگام قتل ۱۷ سال.
- دارای وکیل تسخیری
- محکوم به قصاص
- تایید حکم قصاص در دیوانعالی کشور پس از ۹ ماه

- محاکمه نشدن او در دادگاه اطفال به خاطر فقدان دادگاه اطفال در حوزه قضایی

- پدر مقتول راضی به قصاص نیست اما مادر اصرار به قصاص دارد.

**شرح حادثه:** در تاریخ ۱۳۸۱ هنگام شوخی و بازی جلو مغازه پدر مقتول در روستای میر ملکی از توابع شهرستان مهر (فارس)، شوخی کودکان دو نوجوان شکل جدی می‌گیرد و مقتول اقدام به شکستن یکی از چراغ‌های راهنمای موتور سیکلت کوچک متهم کرده و به درون مغازه پدرش می‌گریزد. متهم نیز مترفلیزی مورد استفاده برای اندازه‌گیری پارچه موجود در مغازه را به سوی مقتول پرتاب می‌کند که به سر وی اصابت کرده و به مجروح شدن اش منجر می‌شود. تاخیر در رساندن مجروح به بیمارستان‌های لارستان یا شیراز که به ترتیب سه ساعت و ۷ ساعت با دوشهر یاد شده فاصله دارند موجب می‌شود مجروح جان خود را از دست بدهد.

**ملاحظات:** نبوت بابایی متولد ۱۳۶۴ در کودکی پدر خود را از دست داده است. بابایی از بستگان مقتول (ذبیح الله قاسمیان) است. خواهر بابایی زن برادر مقتول است. پس از مرگ ذبیح الله، نبوت همراه با خانواده اش در مراسم سوگواری مقتول شرکت کرده و بعد از مراسم سه روزه عمومی متهم به قصد حل مسالمت آمیز مسئله وی را در اختیار خانواده مقتول قرار می‌دهد و آنان نبوت را به دادگاه می‌سپارند. (ماخذ: مصاحبه با خانواده محکوم).

#### محمد لطیف

متولد ۱۳۶۸/۸/۱۳ که در زمان وقوع قتل ۱۴ سال ۱۱ ماه داشته است و طبق ماجرا متهم با مقتول دو روز قبل از حادثه درگیر شده و کتک کاری کرده بودند که روز حادثه متهم بعد از تعطیل شدن از مدرسه در پارک طالقانی ساوه مقتول را که به همراه دوستانش در پارک بودند دیده و بار دیگر درگیر می‌شوند که

محمد لطیف صحنه را ترک کرده و دوباره باز می گردد که این بار با خود چاقوی به همراه داشته و در درگیری چند ضربه به بدن مقتول وارد میکند و سپس از محل متواری میشود و به قم و مشهد عزیمت میکند و پس از ۲۷ روز توسط خانواده تحویل مقامات انتظامی / قضایی داده میشود. وی در تاریخ ۱۰/۳۰ / ۱۳۸۵ در شعبه ۴ دادگاه ساوه مورد محاکمه قرار گرفته و با توجه به دفاعیات وکیل متهم که از پیش خواستار تشکیل کمیسیون پزشکی برای اثبات عدم بلوغ متهم داشته عنوان میکند نظر کمیسیون پزشکی که اعلام داشته است متهم از لحاظ عقلانی و فکری و ذهنی بالغ نمیشود این امر رافع مسئولیت کیفری نبوده و همانطور که از نظر پزشکی قانونی (کمیسیون) به دست می آید متهم دارای بلوغ جسمی بوده است.

رشد عقلی مورد نظر روانپزشکان ، رافع مسئولیت کیفری که مورد نظر قانون و شرع است نیست و با توجه به بلوغ جسمی و استناد به مواد ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ ق.م.ا. و آیه شریفه ولکم فی القصاص حیوه یا اوالی الالباب) مبادرت به صدور حکم قصاص نفس محمد لطیف می نماید اگر چه در رأی صادره دادگاه به این نکته اشاره میکند که مقتول دارای قد بلند بوده و قاتل دارای قد کوتاه و تاب مقاومت در درگیری و حاکم شدن در قضیه دعوا را نداشته متوسل به چاقو شده است اشاره کرده است اما بحث دفاع مشروع را قابل دفاع ندانسته است و در خصوص دفاعیات وکیل متهم اظهار داشته است کاملاً ملحوظ است که وکیل تسخیری متهم دفاعیات موثری نداشته و صرفاً مطالب موکل خود را بیان مینماید. حتی قبل از شروع رسیدگی از دادگاه درخواست نموده که به اولیاء دم تفهیم نماید که وکالت او تسخیری بوده و بر حسب قانون است

این رای با اعتراض متهم در شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور در ۱۳۸۶/۴/۱۳ مجدداً مورد بررسی قرار میگیرد و شعبه مزبور با تایید و ابرام رای مورد نظر پرونده را به دادگاه صادر کننده رای اعاده می کند.

**منتظرین اعدام در سال ۱۳۸۷ که هنگام وقوع جرم زیر ۱۸ سال داشتند**

ممکن است برخی احکام اجرا شده یا مشمول عفو یا نقض حکم و توقف اجرا قرار گرفته باشند اما اطلاعاتی از این موضوع به دست نیامده و به همین دلیل در لیست منتظرین اجرای حکم قرار گرفته باشد. در هر صورت تغییری در آمار کلی محکومان زیر ۱۸ سال به وجود نمی آید.

ردیف	۱
نام و نام خانوادگی	صغری نجف پور
استان	گیلان
نوع اتهام	قتل عمد
تاریخ دستگیری بازداشت	۱۳۶۹
تاریخ و مرجع صدور رای (رسیدگی) بدوی	
شعبه و تاریخ رسیدگی یا رای تجدیدنظر	
نوع محکومیت	قصاص
سن در زمان ارتکاب جرم	۱۳
منبع	سفر به رشت و ملاقات با وی در زندان و پیگیری پرونده توسط دستیاران

۲	۳	۴	۵
مرتضی	رسول نوربایی	ایمان نبوی	مهدی قندالی
تهران	همدان	سمنان	سمنان
قتل صاحب ۵۵ ساله کارگاه خیاطی با چاقو در رخ ولیعصر به خاطر آزار جنسی او که شب در کارگاه می خوابید ۲۵/۱/۸۴	تجاوز به عنف	قتل عمد	حمله شبانه ۳ نفر از ارتش به مرغداری در روستا شکست پیجیره آزارتجاوز همسر سرانبار به خاطر اختلاف یک نفر از آنها باصاحب مرغداری
۲۵/۱/۸۴	۸۵/۵/۲۳	۸۲/۷/۱۱	۸۴/۵/۱۰
۲۸/۶/۱ شعبه ۷۴ دادگاه کیفری تهران	دادگاه کیفری استان همدان	—	دادگاه کیفری سمنان
—	—	شعبه چهارم استان ش د ۱۵-۴۷۱/۸۵	ش ۴ تجدید نظر سمنان ۲۶/۳/۱۳۸۵
قصاص	قتل	قصاص ۱۸ ساله	اعدام(تجاوز به عنف) ۱۸ ساله
۱۷	—	—	—
اعتماد ملی و کارگران ۳۹/۶/۱۳۸۵ و جام جم ۲۸/۶/۱۳۸۵	محقق	محقق	اعتماد ۲۷/۳/۱۳۸۵

۶	نار بی‌بی آتشیجان	سمنان	قتل عمد	۳۰ و ۴۲۰ نگهداری معاونت هروئین	۸۴/۲/۱۶	۸۴/۲/۳۱	۸۵/۲/۱۱ شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی جزای خرم آباد	۸۵/۲/۱۹ شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی جزایی خرم آباد	۸۳/۳/۲۴ شعبه ششم دادگاه عمومی خرم آباد	۷۹/۵/۲۸ شعبه دوم دادگاه عمومی کردکوری	۸۳/۱۲/۱۲	۸۴/۱۲/۲۵ شعبه دوم دادگاه تجدید نظر گلستان
۷	سیاوش شیرزاد	لرستان	قتل عمد	قتل عمد	۸۴/۲/۳۱	—	—	—	—	—	—	—
۸	مهیار انوری	گلستان	قتل عمد	قتل عمد	—	—	—	—	—	—	—	—
۹	محمد موری	گلستان	قتل عمد	قتل عمد	—	—	—	—	—	—	—	—
۱۰	عبدالخالق رخشانی	گلستان	قتل عمد	قتل عمد	—	—	—	—	—	—	—	—
	قصاص نفس	قصاص نفس	قصاص نفس	قصاص نفس	—	—	—	—	—	—	—	—
	۱۶ ساله	—	۱۷ ساله	۱۶ ساله	—	—	—	—	—	—	—	—
	محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	محقق

۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
سعید عرب	هانی مومنی یساقی	سلیمان اکبری	محمد پژمان	رحمان شهیدی	حسن مظفری
گلستان	گلستان	اردبیل	بوشهر	بوشهر	بوشهر
قتل عمد	قتل عمد	قتل عمد	زناي به عنف	زناي به عنف	زناي به عنف
	—			—	—
دادسرای عمومی و انقلاب گرگان	دادگاه ۸۳/۸۳۰ عمومی گرگان	دادگاه ۸۲/۴/۲۲ عمومی بخش ارتش	—	دش ۸۵/۱۸ دادگاه کیفری استان	دش ۸۵/۱۸ دادگاه کیفری استان
شعبه ۸۵/۴/۲۷ سوم دادگاه کیفری گلستان	شعبه ۸۳/۱۲/۱۹ دیوان ۲۶	ش د ۸۷۲/۸۷-۲	دش ۵۳۰/۸۵ شعبه ۲۷ دیوان	دش ۵۳۰/۸۵ شعبه ۲۷ دیوان	دش ۵۳۰/۸۵ شعبه ۲۷ دیوان
قصاص نفس	قصاص نفس	اعدام ۱۷ ساله	اعدام	اعدام	اعدام
محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	محقق

۱۷	صادق احمد پور	۱۸	احمد جابری	۱۹	آکو حسینی	۲۰	فیض‌الله سلطانی	۲۱	غلام نبی براہوٹی
چهارمحل و بختیاری	خوزستان	کردستان	یزد	یزد	حمل و نگہبازی ۳ کیلو و یکصد و نود گرم هروئین و اعتیاد	یزد	قتل عمد و سرقت	قتل عمد	
قتل عمد	قتل عمد	قتل عمد	حمل و نگہبازی ۳ کیلو و یکصد و نود گرم هروئین و اعتیاد	قتل عمد و سرقت	قتل عمد	قتل عمد	قتل عمد	قتل عمد	
—	—	۸۱۲/۲/۱۴	۸۴/۵/۱۸	۸۱/۷/۷	—	—	—	—	
شعبه ۱۰۴ دادگاه عمومی شهرکرد	قرار شماره ۱۲۰۹/۲۷/۸۳	دائمه شماره ۸۲/۸/۱۳-۱۳۲۶	دادگاه انقلاب اسلامی	دادنامه ۲۰۶۷ مورخ ۸۱/۱۱/۱۷ شعبه دهم دادگاه عمومی یزد	—	—	—	—	
۲۷ شعبه ۸۵/۵/۱ دیوانعالی کشور	ش د ۳۹/۸/۱۱ شعبه ۲۹ دیوانعالی کشور	شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور	—	ش د ۸۹ دیوانعالی کشور شعبه ۲۷	—	—	—	—	
قصاص نفس ۱۷ ساله	قصاص نفس ۱۵ ساله	قصاص نفس -	اعدام -	قصاص ۱۶ ساله	—	—	—	—	
محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	

۲۲	عمرالدین الکزورای	۲۳	مصطفی سعیدی	۲۴	زلفعلی حمزه	۲۵	خدایمراد شاهمزهی	۲۶	امید سارانی	۲۷	احمد نورزهی
یزد	مرکزی	مرکزی	مرکزی	سیستان و بلوچستان	سیستان و بلوچستان	سیستان و بلوچستان	سیستان و بلوچستان	سیستان و بلوچستان	سیستان و بلوچستان	سیستان و بلوچستان	
قتل عمد	قتل عمد	تجاوز به عنف و قتل عمد	حمل و وارد نمودن مواد	قتل عمد	حمل و نگهداری هروئین	قتل عمد	قتل عمد	قتل عمد	قتل عمد	قتل عمد	
۸۲/۹/۸	۸۳/۵/۳	۷۹	۸۴/۵/۹	۸۴/۶/۱۸	۸۳/۱/۲۴	۸۲/۱۰/۲۲	۱۰۱ دادگاه عمومی شهرستان نفت	۱۰۲ شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور	۱۰۳ شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور	۱۰۴ دادگاه انقلاب سال ۸۴	
قتصاص نفس ۱۷ ساله	قتصاص	قتصاص	اعدام ۱۷ ساله	۱۷ ساله	۱۲ ساله	محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	

۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳
نعمت کلبعلی	حبیب افشار	علیرضا موسلی رودی	علی مرادزاده زانغه	مهباز حق گو متولد ۱۳۶۶/۴/۲۴	رضا
سیستان و بلوچستان	قم	قم	قم	رشت	تهران
اعتیاد به مواد	قتل عمد	قتل عمد	قتل عمد	قتل عمد پدر خود و مثله کردن او	قتل در نزاع/جاقزو/ انتقام از آزار و اذیت های جنسی
			-		
شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی زاهدان	کلاسسه پرونده ۱۱۲۶-۸۳ ت کیفری استان	کلاسسه پرونده ۴۷۸۶-۸۵ ت کیفری استان	کلاسسه پرونده ۴۷۸-۶۰۸۵ ت کیفری استان	شعبه ۱۰۲ کیفری رشت	خرداد ۸۲ ش ۱۱۵۷ د.ج-تهران
—	—	—	شعبه ۱۴ دیوانعالی کشور		
	قصاص نفس	قصاص	قصاص		قصاص
۱۵ ساله	۱۵ ساله	۱۶ ساله	-	۱۷	
محقق	محقق	محقق	محقق	محقق	اعتماد ۱۳۸۲/۳/۲۹

۲۴	۲۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹
خوی	اسلام شهر	اشکان	مجتبی	سارا	علیرضا
قتل در نزاع دسته جمعی	قتل همسر دختر مورد علاقه خود باهمدستی دختر/چاقو	قتل در پی مشاجره لفظی	قتل در پی درگیری لفظی / چاقو	قتل همسر خود با همدستی رضا	قتل در حین نزاع اضربه نوشابه
		ش ۸۲/۸۴ ش ۱۲۲ ویژه اطفال	ش ۱۶۰۲ د.ج. تهران ش ۱۱۸۸ د. اطفال تهران مرداد ۸۲	د.ج. تهران	ش ۲۱۰۲ د. اطفال فروردین ۸۱
	مهر ۸۲			شهریور ۸۲	
فصاح	فصاح	فصاح	فصاح	فصاح	فصاح
		۱۶	۱۷	۱۸	۱۷
محقق	صدای عدالت ۱۳۸۲/۷/۲۹	صدای دالت ۱۳۸۲/۸/۵	پاس نو ۱۳۸۲/۵/۲	پاس نو ۱۳۸۲/۶/۲۶	محقق

۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
محمد رضا	میلاذ - ب	علی	ظاهر	رمردر	ایمان / معروف به ایمان جبرفتی
تهران	تهران	تهران	تهران / اورامین	ترکان شیراز	تهران
قتل شوهر خاله خود / بیج گوشتی	قتل در درگیری / خبیانی / چاقو	قتل / درگیری / چاقو	خفه کردن / پسر کساله در بی تجاوز	قتل در بی تجاوز	قتل / درگیری / چاقو
		۷۹ مهر		۸۲/۱۱/۱۶	۷۹/۸/۲۷
ش ۱۶۰۲ د.ج. تهران	مرداد ۸۱ ش ۲۱۰۶ د. اطفال تهران	ش ۲۱۰۱ د. اطفال تهران	ش ۷۱ د. ک.ا. تهران. ۸۳	ش ۱۲.۴.۰۱ ق. شماره یک شیراز خرداد ۸۳	ش. د. اطفال تهران
۳۳ ش ۸۱/۷/۸		ش ۲۷ تأیید. خرداد ۸۱			ش. ۴. شهریور ۸۳ تأیید
قصاص	قصاص	قصاص	قصاص	قصاص	قصاص
۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۷	۱۶
صلای عدالت ۱۳۸۱/۷/۹	اعتماد ۱۳۸۱/۵/۲۷	نوروز ۱۳۸۱/۳/۲۲	اعتماد ۱۳۸۱/۲/۲۴ ۱۳۸۳	محقق	ایران ۸۳/۶/۳ اعتماد ۸۳/۱۱/۱

۴۶	۴۷	۴۸	۴۹
فیض محمد (ذبحه افغان)	اسم نامعلوم	حسین قربانعلو	فرامرز
ورامین		رباط کریم تهران-دز زنجان رجایی شهر	اقامت در فردیس کرج
تهیه و توزیع هفت کیلو و ۱۳۰ گرم مرفین	قتل دوست خود با چاقو به خاطر اختلاف بر سر یک کمپوتر و آتش زدن جسد برای محو جرم از ترس سپس معرفی خود به پلیس ۱۳۸۳	قتل	قتل محمد در جریان نزاع خیابانی در فردیس
ش ۱۲۲ د. ویژه اطفال کرج ۸۳	۳ ژوئن ۲۰۰۴	شعبه ۷۱ دادگاه عمومی تهران ۱ نوامبر ۲۰۰۶	شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران ۱۳۸۵
	تایید دیوان ۳۰/۳/۱۳۸۵	تایید دیوان ۸۵ در ۲۰ آذر ۸۵	تایید شعبه ۷۸ دیوان عالی در شهر تیر ۸۶
اعدام	قصاص	قصاص	قصاص
۱۶	۱۷	۱۶	
ایران ۸۳/۱۰/۸۷ اعتماد ۸۳/۶/۱۰	اعتماد ملی و اعتماد ۳۱/۳/۱۳۸۵	بیانه غفو بین الملل - محقق	۱۴۹۵

۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴
مهدی بختیاری	حالات	اسم (نامعلوم)	علی نورمحمدی	بهادر خالقی متولد ۱۳۶۶
قتل دوست یازدن رگ گردن با بطری به دلیل تعرض مقتول به وی آذر ۸۳	قتل بیروز نظری	قتل در دفاع مشروع در حمام عمومی	کرمانشاه قتل پسر دایی در یک نزاع	قتل در درگیری ناشی از مستی مشروب در مشهد ۸۳/۲/۱۷
ش ۷۴. ک. ۱. تهران			۷۷/۴/۲۵	۸۳/۲/۱۷
تایید در شعبه ۲۷ دیوان در آبان ۸۳			از شعبه ۲۴ کرمانشاه	شعبه اول دادگاه عمومی سفر: ۸۴/۳/۳۱
فصاض	فصاض	فصاض	فصاض	فصاض
۱۷	۱۸		۱۶	۱۶ سال و ۷ ماه
اعتماد ۱۳۸۳/۸/۲۷	اعتماد ۱۳۸۲/۷/۲۷	ایران ۱۳۸۲/۴/۱	رای دادگاه (پیوست ها)	رای دادگاه (پیوست ها)

۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹
مهیار زمانی	امیر امرالهی متولد بهمن ۱۳۶۸	حسین حقی	محمد جاهدی	علی (افغانی تبار)
	شیراز		فسا	شهریار
پس از خوردن مشروب و در پی مشاهده پدر و ملار، پدر خود را با چاقو کشت	۱۳۸۴/۸/۲۹	قتل مهدی خلیلی در نزاع اتفاقی	قتل دوست خود در نزاع سه تفری ۸۰/۵/۹	لواط با کودک ۸ ساله و حقه کردن او
	شعبه ۵ کیفی فارس ۱۳۸۶/۵/۱۸	شعبه ۳۴. استان ۱۳۸۲/۱/۱۹	شعبه ۴ دادگاه عمومی فسا ۸۲/۱۰/۴	شعبه ۱۷۴ دادگاه کیفی تهران ۱۳۸۶/۴/۳۱
شعبه ۱۰۲ دادگاه اطفال رشت	تایید در شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۱۹	شعبه ۲۷ در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۴	شعبه ۲۷ دیوان	
فصاح	فصاح	فصاح	فصاح	
۱۶	۱۶	۱۷	۱۶	۱۵
اعتماد ۱۳۸۶/۱۱/۸	رای دادگاه (پیوست ها)	رای دادگاه (پیوست ها)	محقق	اعتماد ملی ۱۳۸۶/۱/۵

۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴
مصطفی	محمد رضا حدادی	علی مهین تزاری	امیر چاله چاله	رسول ایوبوندی متولد ۱۳۶۵
تهران	شیراز	کرج		
قتل مرد مست با چاقو و کتک برای جلوگیری از تعرض او به یک دختر		قتل دوستش در یک نزاع اچاقو ۸۱/۱۱/۱۴	قتل یک تن در نزاع جمعی همراه با برادران خود ۱۳۸۰	قتل دوست خود با گلوله و برای انتقام ۱۳۸۲
شعبه ۱۷۴ دادگاه کیفری تهران	شعبه ۴ دیوان	شعبه ۳۳ دادگاه عمومی ویژه رسیدگی به جرائم اطفال ۸۲/۸/۸ تایید در شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور ۸۳/۳/۱۹		تایید در دیوان و در مرحله استینان
فصلص	فصلص	فصلص	فصلص	فصلص
۱۶	۱۵ سال و ۶ ماه	۱۶	۱۷	۱۷
اعتماد ۱۳۸۴/۶/۲ - همشهری ۱۳۸۴/۶/۱	سایت ایران امروز ۱۳۸۶/۱۱/۲۶	رای دادگاه (پیوست ها)	رای دادگاه (پیوست ها)	رای دادگاه (پیوست ها)

۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
رضا علی نژاد	دل آزاداری حقیقی تولد ۱۳۶۵/۴/۳۰	صفر انگوتی	علی نظر شنبه زاده	رضا پاداشی متولد ۱۳۶۶	سعید جزئی
قتل با چاقو در جریان نزاع ۸۱/۱/۵/۵	قتل مهین دارایی بهمکاری دوست پسر ۱۳۸۲/۱۰/۷	رشت		قتل با کارد در نزاع	قتل با کارد در درگیری لفظی ۸۲/۳/۸
	۱۳۸۲/۱۰/۷			شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران ۸۳/۱۲/۲	شعبه ۱۱۸۳ دادگاه اطفال ۸۴/۳/۳۱
تایید در دیوان و در مرحله استیناف	تایید در دیوان			شعبه ۳۷ دیوان عالی ۸۵/۶/۱۲	
	قصاص			قصاص	قصاص
۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۶	۱۷
رای دادگاه (پیوست ها)	رای دادگاه و شرقی ۸۵/۳/۵	محقق	محقق	رای دادگاه (پیوست ها)	محقق

۷۱	رحیم احمدی متولد ۱۳۶۸/۵/۱۲	۷۲	احمد مرتضویان متولد ۱۳۷۰	۷۳	ایمان هاشمی، متولد ۱۳۶۷
	قتل دوست خود در نزاع				
	شعبه ۵ دادگاه کیفری فارس ۸۵/۱۰/۳۰	۱۳۸۵	دادگاه اصفهان	۱۳۸۳	دادگاه اصفهان
	تایید در شعبه ۳۷ دیوان عالی				
	قصاص	قصاص	قصاص	قصاص	قصاص
	۱۴	۱۵	۱۶	۱۶	۱۶
	رای دادگاه (پیوست ها)	<a href="http://www.rahward.org/archives/۲۰۰۸/۲/post_۲۶۰۳.php">http://www.rahward.org/archives/۲۰۰۸/۲/post_۲۶۰۳.php</a>	<a href="http://www.rahward.org/archives/۲۰۰۸/۲/post_۲۶۰۳.php">http://www.rahward.org/archives/۲۰۰۸/۲/post_۲۶۰۳.php</a>	<a href="http://www.rahward.org/archives/۲۰۰۸/۲/post_۲۶۰۳.php">http://www.rahward.org/archives/۲۰۰۸/۲/post_۲۶۰۳.php</a>	<a href="http://www.rahward.org/archives/۲۰۰۸/۲/post_۲۶۰۳.php">http://www.rahward.org/archives/۲۰۰۸/۲/post_۲۶۰۳.php</a>

۷۴	۷۵	۷۶
مصلح زمانی	محمد	نعمت
سنندج	قزوین روستای آهستان	
ارتباط نامشروع با دوست دخترش	قتل هم‌محللی با چاقو در نزاعی به خاطر اینکه محمد برادر مقتول را به دلیل کار بد کتک زده بود ۹/۱۱/۸۲	قتل شوهر خواهر ۶ ساله در کارگاه خود که همسرش را کتک زد و اخراج کرد ۷/۱۱/۸۱
		شعبه ۱۰۶ دادگاه جنایی اصفهان
تایید در شعبه ۲۷ تجدید نظر دیوان	تایید دیوان ۱۳/۵/۱۳۸۵	تایید دیوان ۱۱/۲/۱۳۸۵
اعدام	قصاص	قصاص
۱۷	۱۶	۱۷
<a href="http://scenews.blog.com/1946344/">http://scenews.blog.com/1946344/</a>	اعتماد ملی ۱۴/۵/۱۳۸۵	اعتماد ۱۲/۲/۸۵

۷۷	۷۸	۷۹
صفرعلی	حسن	امیر(یک متهم از ۵ نفر در زندان خودکشی کرد و یک نفر دیگر متواری است)
تهران	تهران	تهران
تجاوز به لیلای ۱۲ساله و قتل فحیح او با همدستی ۴ تن دیگر ۱۷/۲/۸۴	تجاوز به لیلای ۱۲ساله و قتل فحیح او با همدستی ۴ تن دیگر ۱۷/۲/۸۴	تجاوز به لیلای ۱۲ساله و قتل فحیح او با همدستی ۴ تن دیگر ۱۷/۲/۸۴
شعبه ۱۱۵۶ مجتمع قضایی بعثت تهران	شعبه ۱۱۵۶ مجتمع قضایی بعثت تهران	شعبه ۱۱۵۶ مجتمع قضایی بعثت تهران
در دیوان نقض شد و مجدداً به شعبه ارجاع گردید اما شعبه دوباره حکم اعدام صادر و به دیوان فرستاد ۲۷/۲/۱۳۸۵	شعبه ارجاع گردید اما شعبه دوباره حکم اعدام صادر و به دیوان فرستاد ۲۷/۲/۱۳۸۵	در دیوان نقض شد و مجدداً به شعبه ارجاع گردید اما شعبه دوباره حکم اعدام صادر و به دیوان فرستاد ۲۷/۲/۱۳۸۵
قصاص و تجاوز به عنف	قصاص و تجاوز به عنف	قصاص و تجاوز به عنف
توجوان	توجوان	توجوان
همشهری ۲۸/۲/۱۳۸۵	همشهری ۲۸/۲/۱۳۸۵	همشهری ۲۸/۲/۱۳۸۵

۸۰	مهران	مهراس	حمید	بنیامین رسولی
کرج	کرج	قتل راننده اژانس و تصرف ماشین برای اثبات لیاقت به خانواده	کرج-مهر شهر زندان رحایی، شهر)	
روندن یک دختر جوان و تجاوز به او به همراه دو نفر دیگر مهر ۸۴	روندن یک دختر جوان و تجاوز به او به همراه دو نفر دیگر مهر ۸۴		قتل دوست خود با چاقو در نزاع	
		۱۳۸۶/۱۱/۱۰	۱۳۸۲/۵/۷	
صدور ش ۷۷ د. ک. ت. متهم سوم به دلیل عدم تجاوز تبرئه شد	ش ۷۷ د. ک. ت. متهم سوم به دلیل عدم تجاوز تبرئه شد	شعبه ۱۷ دادگاه کیفری اصفهان	دادگاه کیفری استان تهران شعبه ۷۴ ۱۳۷۴/۵/۲۹	
تایید دیوان ۹/۳/۱۳۸۵	تایید دیوان ۹/۳/۱۳۸۵		تایید دیوان -مهر ۱۳۸۴	
آدم ربایی، اخذ مال و تجاوز به عنف	آدم ربایی، اخذ مال و تجاوز به عنف	قصاص	قصاص	
۱۷	۱۸	۱۸	۱۶	
اعتماد ملی و اعتماد ۱۰/۳/۱۳۸۵	اعتماد ملی و اعتماد ۱۰/۳/۱۳۸۵	اعتماد ۱۳۸۶/۱۲/۱۱	کیهان ۱۲/۸۴/۱۱۲- اعتماد ۸۴/۵/۳۰	

۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹
حمید متولد ۶۶/۴/۱۳		محمد-م	اصغر حیدری	بهرروز شجاعی	مرتضی فیضی
شهریار	کرمان	شیراز		زندان رجایی شهر	زندان رجایی شهر
قتل با چاقو دزدان بر سر یک دختر	تجاوز به زن ۷۰ساله دربی سرفت ازخانه وی	قتل با چاقو دزدان در خیابان به علت تسمخه			
۱۳۸۲/۵/۵					
شعبه ۱ دادگاه کیفری تهران- مهر ۱۳۸۴	شعبه ۱۰ کرمان	دادگاه جزایی شیراز ۱۳۸۳			
	پارخست تبرئه اما در دیوانعالی حکم قض (فروردین ۸۴) و باز دوم محکوم شد	تایید در دیوان			
قصاص	اعدام	قصاص	قصاص	قصاص	قصاص
۱۷	۱۸	۱۸	۱۷	۱۶	۱۷
اعتماد وایران ۱۳۸۷/۱۷	ایران ۱۳۸۴/۱/۲۲	همشهری ۱۳۸۴/۲/۲۲ و ۱۲	محقق	محقق	محقق



۹۵	مهدی	۹۶	مسلم - سهرابی
	رباط کریم		شیراز
	قتل در پی درگیری در پارک با معاونت برادر خود از قبل درگیری بین قاتل و مقتول بر سر یک دختر وجود داشت اروز درگیری برادر قاتل دستان مقتول را گرفته و قاتل با چاقو به وی ضربه می زند		قتل - قاتل مدعی است قاتل به وی تعرض کرده بود
۸۲	۸۴	۸۲	۸۲
۸۴/۱۲/۱۴	ش. ۷۱. د. ک. ۱. تهران	ش ۳. د. ع. فیروز آباد	
		تایید ش ۳۳	
	قصاص	قصاص	
	۱۸	زیر ۱۸ سال	
۸۴/۱۲/۱۵	همشهری اعتماد	۸۴/۱/۱۰	اعتماد

۹۷	فدا - تبعه افغان	تهران	قتل - ستم‌زکت در نزاع دسته جمعی - شرب خمر مقتول در درگیری کفش های قاتل را برداشته و به منزل می رود قاتل هم به دنبال او به در منزلشان مراجعه کرده و درگیر می شوند اچاقو
۹۸	محمد {سیف الله }	تهران	قتل همسر زنی که با وی رابطه داشت با معاونت همسر مقتول و پسر وی / خفه کردن - تبریدن گلو
			۸۴/۲/۲۸
			۸۴/۱/۱۷
			ش ۷۱ د. ک. ۱. تهران
			۸۴/۱/۱۳
			ش ۷۱ د. ک. ۱. تهران
	فصاح	فصاح	
	۱۸	۱۸	
	همشهری اعتماد ۸۴/۱/۱۸	همشهری اعتماد ۸۴/۱/۴	

۹۹	۱۰۰
مهرداد	هاجر
تهران	کرج
قتل وی مدعی است مقتول قصد آزار و اذیت دوست دختر وی را داشته است / چاقو	قتل پدر در پی مخالفت وی با ازدواج او با همکاری مادر خود / خفه کردن بعد از خوراندن قرص هلی آرام بخش و کوبیدن هاون
۸۳/۱۰/۱۳	۸۱/۹/۲۷
۸۴/۱۱/۱۵ ش ۷۱.د.ک. ۱. تهران	۸۴ دی ش ۱۲۲.د. اطفال کرج
فصاح	فصاح
۱۷	۱۶
ایران هشتمتری ۸۴/۱۱/۱۶	ایران ۸۴/۱۰/۱۸

۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳
وحید	امیر هوشنگ	جوادی سن
تهران		
قتل / قاتل مدعی است مقتول قصد آزار و اذیت وی را نداشته است / مقتول شکایت کارهای خلاف قاتل را به پدر او گزارش می داد و قاتل از قتل چاقوی خریداری شده و مقتول را به اطراف شهر دماوند می برد	قتل	قتل
۸۳/۳/۳		
۸۳/۸/۱۶		
ش ۷۱.د.ک.ا. تهران		
نقض حکم ازر ۸۴ بیلری روحی قاتل		
قصاص	قصاص	قصاص
۱۶	زیر ۱۸ سال	زیر ۱۸ سال
اعتماد ۸۴/۹/۶	اعتماد ملی ۸۷/۱/۱۷	اعتماد ملی ۸۷/۱/۱۷

۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷
فرهاد	امیر - ج	جواد - ج	ابراهیم طالعی
تهران	تهران	تهران	تهران
قتل ۳ زن خیابانی در پی سرقت از منزل آنها با مشارکت دو دوست خود	مقتول در درگیری قاتل و فرد دیگری میانجی شد و با قاتل درگیری لفظی پیدا کرد	قتل در پی طرفداری از برادر خود در درگیری بین خانواده دختر مورد علاقه برادرش در شب خواستگاری با چاقو	قتل مادر و دو فرزندش در پی سرقت از منزل آنها با چاقو و میله آهنی با همکاری ۴ تن از دوستانش
۸۰	۷۹/۶/۱	۷۹/۷/۱	۷۸/۳/۱
ش ۱۱۵۷ د.ج. تهران	ش ۱۶۰۱ د.ج. تهران	ش ۱۶۰۲ د.ج. تهران	ش ۱۶۰۲ د.ج. تهران
	۷۹/۸/۱	۷۹/۷/۱	۷۸/۵/۳
	ش ۱۶۰۱ د.ج. تهران	ش ۱۶۰۲ د.ج. تهران	ش ۱۶۰۲ د.ج. تهران
	قتصاص	قتصاص	ش ۲ نقض حکم (عدم گواهی پزشکی قانونی در خصوص جنون) ش ۱۱ تأیید حکم/ ۷۹/۱۲/
۲ بار قصاص	۱۸	۱۸	۱۸
ایران ۸۴/۱۲/۱۵	انتخاب ۷۹/۸/۲	انتخاب ۷۹/۷/۱۱	ایران ۷۸/۵/۳-انتخاب ۷۸/۵/۴-ایران ۷۹/۱۰/۱۲-انتخاب ۷۹/۱۲/۸-۷۹/۱۲/۱۸

۱۰۸	محمد شاه قاری - تبعه افغان	۱۰۹	سعید حبیری	۱۱۰	مجید افشاری	۱۱۱	حسین
تهران	تهران	تهران	تهران	تهران	تهران	تهران	تهران
قتل دوست خود با چاقو	قتل یک زن و شوهر در پی سرقت از منزل آنها با چاقو	قتل دوست خود با کشتن وی به محله خلوتی با چاقو مقتول به دختر مورد علاقه قاتل نامسرا گفته بود	قتل دوست خود با کشتن وی به محله خلوتی با چاقو مقتول به دختر مورد علاقه قاتل نامسرا گفته بود	قتل دوست خود با کشتن وی به محله خلوتی با چاقو مقتول به دختر مورد علاقه قاتل نامسرا گفته بود	قتل دوست خود با کشتن وی به محله خلوتی با چاقو مقتول به دختر مورد علاقه قاتل نامسرا گفته بود	زودن یک دختر ۲۱ ساله و آزار و اذیت وی به مدت یک ماه با همکاری برادر و پدر خود	زودن یک دختر ۲۱ ساله و آزار و اذیت وی به مدت یک ماه با همکاری برادر و پدر خود
۷۶/۹/	۷۷/۱۰/۳۱	۷۶/۱۲/۱۶	۷۶/۱۲/۱۶	۷۶/۱۲/۱۶	۷۶/۱۲/۱۶	۷۵ سال	۷۵ سال
۷۸/۳/۱	۷۸/۳/۲۷	ش ۱۶۰۳ د.ج. تهران	۷۷/۱/۲۲	۷۷/۱/۲۲			
ش ۱۶۰۸ د.ج. تهران	ش ۱۶۰۲ د.ج. تهران	ش ۱۶۰۳ د.ج. تهران	ش ۱۶۰۳ د.ج. تهران	ش ۱۶۰۳ د.ج. تهران	ش ۱۶۰۳ د.ج. تهران	ش ۳۷ د.ج. تهران	ش ۳۷ د.ج. تهران
قصاص - با قسامه	۲ بار قصاص	قصاص	تأیید اربیهشت ۱۳۷۸	قصاص	تأیید اربیهشت ۱۳۷۸	اعدام	اعدام
۱۷	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸
انتخاب ۷۸/۳/۱۲	کمهان ۷۸/۳/۰ ایران ۷۸/۳/۲۷ انتخاب	انتخاب ۷۸/۳/۲۲	انتخاب ۷۸/۳/۲۲	انتخاب ۷۸/۳/۲۲	انتخاب ۷۸/۳/۲۲	ایران ۷۷/۱/۳۳	ایران ۷۷/۱/۳۳

۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴
رامتین گلشنی	زری بی خواجه	امین کاراندیش
تهران	شیراز/زندان عادل آباد)	
قتل و ایراد ضرب و جرح خواهر کوچکش با همکاری پدر و نامادری خود	تبعه افغانی-قتل شوهر بخطر ازدواج اجباری در ۱۵ سالگی-دارای دختری ۵ ساله	
آبان ۷۶ د. ج. تهران		شعبه پنجم دادگاه کیفری استان فارس
تأیید حکم قصاص خرداد ۷۷	تیبید دیوان و استینان-در اجرای احکام	
قصاص	قصاص	قصاص
۱۸	۱۵	۱۷
ایران ۷۷/۳/۱۹	<a href="http://www.roozonline.com/archives/۲۳۰۰۹.com/post_۱۲۵۰.php">http://www.roozonline.com/archives/۲۳۰۰۹.com/post_۱۲۵۰.php</a>	<a href="http://www.roozonline.com/archives/۲۳۰۰۹.com/post_۱۲۵۰.php">http://www.roozonline.com/archives/۲۳۰۰۹.com/post_۱۲۵۰.php</a>

## شرح برخی از پرونده های منتظرین اعدام

### علی نورمحمدی

- سن در هنگام قتل ۱۶ سال
- دارای وکیل تسخیری
- محکوم به قصاص
- تایید حکم در شعبه ۸ تجدیدنظر کرمانشاه
- محاکمه وی در شعبه ۲۴ دادگاه عمومی کرمانشاه صورت گرفته و هیچ توضیحی در خصوص دادگاه اطفال داده نشده است. پرونده سایر متهمان این پرونده نیز که بالاتر از ۱۸ سال بودند در همان شعبه مورد رسیدگی قرار گرفته است.

شرح حادثه: سال ۱۳۷۷ بین علی نورمحمدی از یک سو و پسردایی وی و یکی از دایی های متهم از سوی دیگر درگیری رخ می دهد. در این درگیری پسردایی نورمحمدی به قتل می رسد. نورمحمدی در تاریخ ۷۷/۴/۲۵ بلافاصله پس از درگیری بازداشت می شود. متهم در تحقیقات و دادگاه انگیزه قتل را یک مساله جزئی بیان می کند چنانکه در حکم صادره از شعبه ۲۴ نیز قید شده است که درگیری بین قاتل و مقتول بخاطر مسائل شخصی و خانوادگی بوده که برای دادگاه محرز و مشخص نشده است. علی نورمحمدی محکوم به

قصاص شد و خانواده وی به علت اینکه متهم و مقتول نسبت نزدیک فامیلی داشتند هیچ اقدامی در جهت اعتراض و یا پیگیری قانونی انجام نداده اند تا به اصطلاح فرزندشان تنبیه شود و امید داشتند بتوانند به علت نسبت فامیلی از اولیای دم رضایت بگیرند. نورمحمدی به مدت ۹ سال است در زندان کرمانشاه بسر می برد و خانواده اولیای دم رضایت نمی دهند و سایر متهمین (دایی و پسر دایی دیگر متهم) به علت ضرب و جرح نورمحمدی به پرداخت دیه محکوم می گردند. (ماخذ: آرای صادره دادگاه - پیوست)

### رسول صفری متولد ۱۳۶۶

- سن در هنگام قتل ۱۷ سال

- دارای وکیل

- در تاریخ ۸۴/۶/۱۶ در شعبه یک دادگاه عمومی گیلانغرب محکوم به قصاص شده است.

- در تاریخ ۸۴/۱۲/۲۸ حکم صادره در شعبه ۳۳ دیوانعالی کشور نقض شد.

شرح حادثه: در تاریخ ۸۳/۸/۱۵ رسول صفری به همراه دو تن از دوستان خود به کوه رفته بودند. شب هنگام حدود ساعت ۲۰-۲۱ در ارتفاعات مقتول که به همراه دوست خود با هدف شوخی و ترساندن و اذیت رسول صفری و همراهانش به کوه رفته بود با اقدامات اولیه خود (سنگ پرانی و زوزه حیوانات در آوردن) ترس و وحشت برای سه نفر

ایجاد می کند و باعث می شود رسول صفری و همراهانش با عجله به سمت دامنه کوه حرکت کنند. مقتول در تعقیب آنها بوده و در نهایت با گریزی که در دست داشت و در حالی که به گفته متهم و دیگران سر و صورت خود را هم جهت ناشناخته ماندن پوشانده بود به آنها حمله کرده است که باعث درگیری بین مقتول و رسول صفری و همراهانش می شود. رسول صفری با وارد کردن یک ضربه چاقو به شکم مقتول باعث مرگ وی می شود.

ملاحظات:

۱- رسول صفری در آخرین دفاع در دادگاه بدوی اظهار داشته: «فقط من می گویم که قتلی انجام نداده ام اعترافاتی که کرده ام در اثر شکنجه آقای امیری و احمدی فر بود» ساعت ۶ اعتراف کردم ساعت ۸ در دادگاه تایید کردم.

۲- وی در دادگاه اتهامات وارده را انکار می کند. (ماخذ: آرای صادره دادگاه-پیوست)

### بهادر خالقی متولد ۱۳۶۶

- سن در هنگام قتل ۱۶ سال و ۷ ماه

- دارای وکیل

- در تاریخ ۸۴/۳/۳۱ در شعبه اول دادگاه عمومی سقز محکوم به قصاص شد.

- در تاریخ ۸۴/۱۲/۲۲ حکم صادره در شعبه ۲۷ دیوانعالی کشور تایید شد.

- در دادنامه صادره از شعبه یک هیچ نامی از دادگاه اطفال برده نشده است و پرونده سایر متهمان نیز در همان دادگاه مورد رسیدگی قرار گرفته است.

شرح حادثه: بر اساس آنچه در حکم دادگاه مندرج است در تاریخ ۸۳/۲/۱۷ بهادر خالقی به همراه چند نفر از دوستان خود پس از مصرف نوعی مشروبات الکلی در حین دور زدن در مشهد با گروهی درگیر می شوند که در این درگیری یک نفر به قتل رسیده و بهادر خالقی به عنوان قاتل دستگیر می شود اگر چه چهار انگشت بهادر خالقی در این جریان زخمی می شود و وی در دفاعیات خود بیان می کند که من با پشت چاقو به مقتول ضربه زدم چرا که تیغه چاقو دست خودم را بریده است. (ماخذ: آرای صادره دادگاه-پیوست)

#### علی مهین ترابی

- سن در هنگام قتل ۱۶ سال

- دارای وکیل

- در تاریخ ۸۲/۸/۸ در شعبه ۳۳ دادگاه عمومی ویژه رسیدگی به جرائم اطفال محکوم به قصاص می شود.

- در تاریخ ۸۳/۳/۱۹ شعبه ۲۷ دیوانعالی کشور حکم صادره را تایید می کند.

شرح حادثه: در تاریخ ۸۱/۱۱/۱۴ علی مهین ترابی با یکی از دوستانش در بیرون از مدرسه درگیر می شوند که در این درگیری دوستش به قتل می رسد. متهم در دادگاه ضمن اعتراف به استفاده از چاقو اضافه می کند که وقتی چاقو دستم بود عقب رفتم که مزدک (مقتول) به سمت من نیاید ولی به علت ازدحام جمعیت مقتول را هول دادند و فقط متوجه شدم چاقویم بریده و نفهمیدم که وی چگونه چاقو خورده است.

ملاحظات: مادر مقتول از اعدام گذشت کرده و در دادگاه خواهان دیه شده است اما پدر مقتول با پرداخت سهم مادر خواهان اجرای مجازات قصاص است. (ماخذ: آرای صادره دادگاه-پیوست)

### امیر چاله چاله

- سن در هنگام قتل ۱۷

- دارای وکیل

- محکوم به قصاص

شرح حادثه: سال ۸۰ امیر چاله چاله به همراه دو تن از برادران خود با گروهی درگیر می شوند که در این درگیری یک نفر جان خود را از دست می دهد و امیرچاله چاله به عنوان قاتل دستگیر می شود. وی در مراحل اولیه تحقیقات به قتل اعتراف می کند اما در مراحل بعدی گفته های خود را انکار کرده و منکر قتل صورت گرفته می شود.

دادگاه با توجه به اقرار متهم در دادگاه وی را به قصاص نفس محکوم می کند.

امیر چاله چاله در اعتراض به رای صادره و رد اتهام، اعترافات خود را انکار و برادر خود را به عنوان قاتل معرفی می کند. برادر متهم نیز در همین هنگام با قرار وثیقه به مرخصی آمده و از آن زمان متواری است. دادگاه با رد اتهام از برادر امیر چاله چاله، مطرح شدن برادر متهم به عنوان قاتل را در جهت لوث کردن موضوع عنوان کرده و امیر چاله چاله به قصاص محکوم می شود.

اگرچه رای صادره بارها از سوی دیوانعالی کشور به دلیل نقص در مراحل رسیدگی و نقص در پرونده رد شده و سرانجام رای صادره مورد تایید قرار گرفته است. اما ریاست قوه قضاییه با استفاده از ماده ۲ قانون اختیارات، پرونده وی را تاکنون دوبار به شعبه تشخیص ارجاع داده است و هم اکنون پرونده برای اعلام نظر در شعبه تشخیص می باشد. (ماخذ: آرای صادره دادگاها-پیوست)

### رسول ایوتوندی متولد ۱۳۶۵

- سن در هنگام قتل ۱۷
- دارای وکیل تسخیری
- دانش آموز دبیرستانی
- محکوم به قصاص
- تایید حکم در دیوانعالی کشور

شرح حادثه: در سال ۸۲ رسول ایوتوندی یکی از دوستان خود را (با انگیزه انتقام در نتیجه عمل آن فرد) با شلیک سه گلوله به قتل می رساند و دادگاه انگیزه قتل را انتقامجویی مطرح کرده و وی به قصاص محکوم می گردد و رای صادره در دیوانعالی کشور تایید شده و پرونده در مرحله استیذان می باشد.

### رضا علی نژاد

- ۱۷ سال سن در هنگام قتل

- دارای وکیل

- محکوم به قصاص

- تایید حکم قصاص در هیات عمومی دیوانعالی کشور

شرح حادثه: در تاریخ ۸۱/۱۵/۵ رضا علی نژاد به همراه دوست خود در خیابان با دو نفر (مقتول و دوستش) درگیر می شوند که مقتول با لانچیکو (وسیله رزمی) رضا علی نژاد و دوستش را مورد حمله قرار داده و متهم در دفاع از خود از کارد آشپزخانه استفاده می کند که کارد به گردن مقتول اصابت کرده و باعث مرگ وی می شود.

دادگاه بدوی وی را محکوم به قصاص کرده که این حکم در دیوانعالی کشور با استدلال به اینکه بین طرفین دعوا سابقه خصومت و دشمنی نبوده و اقدام کننده به دعوا و نزاع مقتول و فرد همراهش بودند مدافعات محکوم به قصاص در دفاع از خود را مقرون به صواب دانسته و حکم صادره را نقض می کند. اما در رسیدگی مجدد قاضی دادگاه با

استناد به اینکه متهم می توانسته از صحنه درگیری فرار کند مجدد او را به قصاص نفس محکوم می کند که در هیات عمومی دیوانعالی کشور مورد تایید قرار می گیرد.

### دل آرادارابی حقیقی

-متولد ۱۳۶۵/۶/۳۰ ساکن رشت

-در هنگام وقوع جرم ۱۷ سال سن داشت

-حکم برای بار سوم در دیوان تایید شده است

شرح حادثه: طبق گفتگو با خانواده دل آرا و رای دادگاه و گزارشات منتشر شده در مطبوعات، وی در تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۷ به همراه دوست خود امیر حسین ستوده به قصد سرقت به منزل مهین دارابی حقیقی (دختر عموی سالخورده پدر دل آرا) رفته و با زدن چند ضربه چوب بیسبال به سر پیرزن و چند ضربه چاقو به شکم وی مقداری پول و طلا از گاو صندوق وی برداشته و محل را ترک می کنند. پدر دل آرا پس از با خبر شدن از ماجرا همان شب دل آرا را تحویل ما موران آگاهی (اداره پلیس) می دهد. (ماخذ: آرای صادره دادگاه-پیوست)

دل آرا در شرح ماجرا می گوید: امیر حسین با چوب بیسبال از پشت سر به پیر زن هجوم آورد و شروع به ضربه زدن به سروکمرش کرد و به من گفت از آشپزخانه چاقو بیاور، من هم تحت تاثیر قرص هایی که امیر به من داده بود منگ بودم، رفتم چاقو آوردم. امیر گفت بزن من هم زدم (۸۵/۳/۵ روزنامه شرق) و پزشکی قانونی علت تامه مرگ را

پارگی ریه و عوارض ناشی از آن در اثر اصابت جسم نوک تیز و برنده اعلام می کند.

ملاحظات: ۱- تاریخ بازداشت ۱۳۸۲/۱۰/۷ ساعت ۲۲:۳۰- اعتراف به قتل همان شب نزد قاضی کشیک و حضور در محل وقوع جرم  
 ۲- پرونده روز بعد به شعبه ۱۰ دادگستری رشت ارسال شد و تفهیم اتهام انجام گرفت. دل آرا تمام اتهامات مبنی بر قتل عمدی و سرقت و رابطه نامشروع را می پذیرد.

۳- بازسازی صحنه قتل در تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۹ انجام گرفت.

۴- در ۱۳۸۲/۱۰/۲۵ حضار به دادگاه برای ادامه تحقیقات انجام شد که دل آرا کلیه اظهارات قبلی خود مبنی بر اعتراف به قتل را می پذیرد (۱۸ روز بعد از وقوع قتل)

۵- پس از انتخاب وکیل و معرفی به دادگاه، دل آرا کلیه اظهارات قبلی خود را منکر می شود.

۶- در اولین دادگاه ۸۳/۹/۱۶ به دلیل عدم حضور وکلا، دل آرا به دادگاه می گوید (بدون حضور وکیل توضیحی ندارم بدهم). در تاریخ ۸۳/۱۰/۲۱ دوباره دادگاه تشکیل می شود و دل آرا به انکار اتهام قتل عمدی مبادرت می ورزد. امیر حسین ستوده نیز دفاع را به وکیل خود واگذار می کند.

۷- شعبه دهم دادگاه رشت در تاریخ ۸۳/۱۲/۸ حکم را صادر می کند که طی آن دل آرا دارا بی را از حیث ارتکاب قتل عمدی به قصاص نفس محکوم می کند و امیر حسین ستوده را از جهت معاونت در این

بزه به تحمل ۱۰ سال حبس و برای سرقت و روابط نامشروع هفت ماه حبس و برقراری روابط نامشروع غیر زنا به ۶۳ ضربه شلاق محکوم می کند.

۸- دیوان در تاریخ ۸۳/۶/۱۳ با توجه به اقرار صریح دل آرادر تحقیقات مقدماتی و اظهارات بدون دلیل وی در نتیجه اغفال توسط امیر حسین و کشف جسد و چاقوها و چوب بیسبال و نظریه پزشکی قانونی رای دادگاه را از جهت صدور حکم قصاص برای دل آرا و معاونت برای امیر حسین بدون اشکال تلقی کرده و تنها از جهت رسیدگی ایراد می گیرد.

۹- پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی رشت (اطفال) ارسال می شود و دادگاه در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۵ تشکیل می شود و با توجه به گزارشات مامورین انتظامی و نظریات پزشکی قانونی و اقرار صریح دل آرا در تاریخ ۸۲/۱۰/۸ نزد قاضی کشیک و نزد قاضی شعبه ۱۰ دادگاه رشت در تاریخ ۸۲/۱۰/۸ پس از ارجاع پرونده و تفهیم اتهام و بازسازی صحنه و سایر دلایل که در رای دادگاه آمده است دل آرا را محکوم به قصاص نفس و امیر حسین را به ۱۰ سال حبس محکوم می کند. این حکم در دیوان تایید می شود.

۱۰- قابل ذکر است که در رای دادگاه، قاضی در خصوص بازسازی صحنه می گوید بدیهی است متهمه (منکر فعلی) هیچ گاه آن صحنه را بازسازی نخواهد کرد.

### حسین قره باغلو

حسین قره باغلو به هنگامی که گفته شده دوستش محمد را در یک درگیری در ۱ دسامبر ۲۰۰۴ در رباط کریم در نزدیکی تهران با کارت کشته، ۱۶ سال داشته است. او دستگیر شده و به کانون اصلاح و تربیت تهران برده می شود. او پیش از محاکمه که قرار بود در ۱۹ آوریل ۲۰۰۵ آغاز شود فرار می کند. سپس او مجددا دستگیر می شود و در ۱ نوامبر ۲۰۰۶ در شعبه ۷۱ دادگاه عمومی تهران تحت محاکمه قرار می گیرد و به قصاص محکوم می شود. حکم مرگ در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ از سوی شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور تأیید می شود. استنباط این است که حسین قره باغلو در زندان رجائی شهر در انتظار اعدام به سر می برد. (بیانیه عفو بین الملل. ۲۰۰۷)

### امیر امرالهی متولد بهمن سال ۱۳۶۸

در سن ۱۶ سالگی و در تاریخ ۱۳۸۴/۸/۲۸ به همراه دو نفر از دوستان خود، به نامهای حسن محمدی و علی سلمانی در مقابل ناوایی واقع در خیابان آزادگان شیراز بوده، که به صورت اتفاقی با مقتول آقای محسن کاظمی و دوستش جواد وزیری برخورد می نمایند. با مشاهده همدیگر و بحث ها و مشاجرات لفظی بینشان درگیری ایجاد می شود (درگیری کاملا بخاطر کودکی و ناخواسته صورت پذیرفت) امرالاهی به قصد میانجیگری وارد معرکه شده و چون علی سلمانی دارای

کاردی بود آنرا از او می‌گیرد تا در صورت نیاز از خود دفاع کند و مهاجمین را بترساند. گویا مقتول بدون دلیل امراللهی را که از سن پاییینی برخوردار بود مورد ضرب قرار داده و به گونه تحریک می‌کند، امراللهی چاقو را به او نشان می‌دهد تا او را بترساند که از او دور گردد ولی متاسفانه مقتول سماجت به خرج داده و محل را رها نمی‌نماید. مقتول ضربه ای به صورت امراللهی زده و وی نیز به وسیله دسته چاقو به صورتش زند تا شاید برود ولی مجدداً مقتول در محل می‌ماند و چون همه با هم درگیر بودند امراللهی ناخودآگاه بی‌عقلی کرده و زمانیکه مقتول به سمت وی می‌رود تا او را مجدداً کتک بزند چاقو را به طرف او برده و ناگهان چاقو به سمت سینه راست مقتول اصابت می‌کند. ضارب از ترسش فرار می‌کند متعاقباً در همان روز موضوع را به پدرش در میان می‌گذارد و خود را تحویل قانون دهد. شعبه ۵ دادگاه کیفری استان فارس در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۱۸ وی را محکوم به قصاص کرده اگر چه اقلیت در دادگاه (یک نفر) در سن بلوغ و رشد کامل عقلی متهم تردید داشته است و به ارجاع امریه کارشناسی اظهار عقیده نموده است.

رای صادره در شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۱۹ مورد بررسی قرار گرفته و رای دادگاه به وی تایید و ابرام می‌گردد. متهم دارای سابقه کیفری بر ایراد جرح عمد با چاقو است. (ماخذ: آرای صادره دادگاه-پیوست)

**رضا پاداشی متولد ۱۳۶۶**

نقاش اهل اردبیل تاریخ وقوع قتل ۸۲/۱۲/۲۰  
 ماجرا: متهم با مقتول از حدود دو ماه قبل از حادثه درگیر شده و  
 جرو بحث لفظی داشتند تا اینکه در تاریخ ۸۲/۱۲/۲۰ ساعت ۸ شب  
 بار دیگر با مقتول درگیر شده و در نزاع از چاقو استفاده می کند  
 که منجر به قتل می گردد. وی ۸۳/۱۲/۲ در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری  
 استان تهران مورد محاکمه قرار گرفته و به قصاص نفس محکوم می  
 گردد پرونده در تاریخ ۸۲/۱۲/۲۷ در شعبه ۳۷ دیوانعالی کشور مورد  
 بررسی قرار می گیرد و به لحاظ شکلی به دلیل اینکه متهم زیر ۱۸  
 سال است مرجع رسیدگی را دادگاه اطفال شناخته و پرونده برای  
 رسیدگی مجدد به دادگاه اطفال ارسال می دارد و دادگاه اطفال بر  
 اساس رای وحدت رویه دیوانعالی کشور مرجع رسیدگی دادگاه  
 کیفری استان معرفی می کند و دادگاه کیفری نیز مجدداً مبادرت  
 به صدور رای قصاص می نماید. (۸۵/۵/۱۱) که این رای در شعبه ۳۷  
 ۸۵/۶/۱۲ تایید می شود. (ماخذ: آرای صادره دادگاه-پیوست)

**محمد جاهدی**

۱۶ ساله اهل فسا

وی به اتهام قتل در شعبه ۴ دادگاه عمومی فسا (دادگاه اطفال) در ۸۰/۲/۲۴ مورد محاکمه قرار گرفته و به قصاص محکوم می گردد که شعبه ۲۴ دیوانعالی کشور به دلیل نقص در رسیدگی پرونده را به شعبه مربوط ارجاع می دهد و در رسیدگی مجدد قاضی صادر کننده رای با توجه به اقرار صریح متهم و علم قاضی مبادرت به صدور قصاص نفس می نماید که حکم صادره ۸۲/۱۰/۴ در شعبه ۲۷ دیوانعالی کشور مورد تایید قرار می گیرد.

### سعید جزئی

سعید جزئی ۱۷ ساله خیاط اهل تهران در تاریخ ۸۲/۳/۸ هنگامی که برای خوردن ساندویچ به ساندویچ فروشی محل کار خود می رود ساندویچی را که روی پیشخوان بوده برداشته و مشغول خوردن می گردد این عمل متهم مورد اعتراض مقتول که به تازگی در مغازه مشغول به کار شده بود می گردد و درگیری لفظی پیش می آید که مقتول از پشت پیشخوان باکاردی که با آن خیار شور خورد می کرد بیرون می آید و متهم از ترس وی را هل می دهد که هر دو به زمین می افتند. مقتول برخاسته و به متهم حمله ور می شود. متهم نیز در دفاع از خود کارد را برداشته و در شکم مقتول می کند. وی ۸۴/۲/۳۱ از سوی شعبه ۱۱۸۳ دادگاه اطفال محکوم به قصاص می گردد. (ماخذ: آرای صادره دادگاه-پیوست)

**محمد رضا حدادی**

۱۶ ساله دارای وکیل تسخیری

محمد رضا حدادی به همراه ۳ تن از دوستان خود با تصمیم قبلی اقدام به کرایه خودرو از کازرون به مقصد شیراز کرده که در بین راه به بهانه سوار کردن دوست خود اقدام به ربودن راننده به قصد قتل و سرقت خودرو برای تفریح می کنند مقتول دوبار مورد حمله متهمان قرار می گیرد که نخست دوتن اقدام به زدن سنگ به سر مقتول و انداختن وی در صندوق عقب خودرو کرده و سپس هنگامی که برای دفن مقتول اقدام می کنند با باز کردن صندوق عقب مقتول هنوز زنده بوده و قصد دفاع داشته که محمد رضا حدادی با کوبیدن چند ضربه محکم چوب به وی و انداختن تسمه به گردن وی، اقدام به خفه کردن او می کند که شعبه ۲ دادگاه عمومی کازرون اقدامات وی را علت اصلی مرگ دانسته و وی به عنوان مباشرت در قتل محکوم به قصاص نفس کرده و سایر متهمان نیز به علت معاونت در قتل و آدم ربای به حبس محکوم می گردند که این حکم در شعبه ۴۲ دیوانعالی کشور مورد تایید قرار می گیرد که با اعتراض محکوم علیه پرونده در شعبه سوم تشخیص دیوانعالی کشور مورد بررسی قرار گرفته و تایید می گردد و در مهر ۸۶ به اجرای احکام دادگستری کازرون ارسال می گردد.

نکته: دادگاه به عنوان دادگاه اطفال تشکیل می گردد. (ماخذ: آرای

صادر دادگاه-پیوست)

**رحیم احمدی**

رحیم احمدی ۱۶ ساله متولد ۱۳۶۸/۵/۱۲ دارای وکیل تسخیری با یکی از دوستان خود درگیر می شود که این درگیری منجر به قتل دوست وی می گردد. وی در دادگاه عنوان کرده است روز قبل از حادثه آن دو با یکدیگر دعوا کرده بودند که آن روز مقتول به همراه سه تن از دوستانش او را دیده و به قصد تلافی نزاع دوروز قبل شیشه شکسته به طرف وی پرتاب می کند که متهم از آن محل با موتور فرار می کند که مقتول به دنبال او رفته و در محل خلوتی با یکدیگر درگیر شده و متهم دو بار چاقو به مقتول پرتاب می کند. یک بار به دست مقتول خورده و بار دوم هنگامی که قصد داشته چاقو را به پشت مقتول پرتاب کند مقتول برگشته و چاقو به سینه وی اصابت می کند. متهم در شعبه ۵ دادگاه کیفری فارس عنوان می کند که روز حادثه حدود یک ونیم لیتر کمتر مشروب را با دوتن از دوستانش خورده بود و مقتول نیز مست بوده اما دادگاه با رد ادعای مستی و دفاع مشروع وی را در تاریخ ۸۵/۱۰/۳۰ به قصاص نفس محکوم می کند که رای ۸۶/۸/۱۶ در شعبه ۳۷ دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار می گیرد. (مأخذ: آرای صادره دادگاه-پیوست)

### نقدهای حقوقی برخی از آراء صادره

بسیاری از اخبار مورد استناد در رسانه های عمومی انتشار یافته اند و فاقد اطلاعات حقوقی کافی در خصوص پرونده هستند. در عین حال در مواردی نیز از طریق انتشار مذاکرات دادگاه در رسانه ها و توضیحات وکلا یا خود متهم به ابعادی از آن می توان دست یافت. بررسی برخی احکام صادره محاکم نیز بیانگر مسایل شگفت آوری در دادنامه ها بوده که ضعف های دادرسی را نشان می دهند. برای مثال در اخبار منتشره در مطبوعات مشخص شده است که دختر ۱۶ ساله ای به نام لیلا مافی در اراک به جرم زنا با محارم محکوم به اعدام شده در حالی که پزشکی قانونی وی را عقب مانده ذهنی تشخیص داده بود اما به دلیل اینکه قاضی تنها جنون را رافع مسولیت می دانست به تشخیص کارشناسی پزشکی قانونی اعتنایی نرورزیده و حکم اعدام صادر کرده است. (اعتماد ۸۳/۹/۸ و ۸۴/۱/۲۷) این در حالی است که صرفنظر از دیدگاه ما در خصوص نقد اصل مجازات اعدام و دلایل متقنی که برای آن وجود دارد اساسا بر مبنای قانون مجازات اسلامی نیز اولاً عقب ماندگی ذهنی و فقدان رشد عقلی بلحاظ فقهی و قانونی دلیل کافی برای عدم مجازات است. دوم اینکه قاعده درء حکم می کند که باید هر جا کمترین شبهه ای حادث شد حدود اجرا

نشوند. (در بخش نخست این تحقیق در این زمینه توضیحات کافی آمده است).

در مورد مشابهی از مطالعه رأی دادگاه به دست می آید که محمود لطیف در هنگام ارتکاب جرم ۱۴ سال و ۹ ماه داشته و علاوه بر اینکه زیر ۱۸ سال بوده و در نزاع با فردی که گفته می شود او را پیوسته تحت آزار جنسی و جسمی قرار می داده مرتکب قتل شده است، پزشکی قانونی اعلام داشته که او هنگام ارتکاب جرم رشد عقلی نداشته و دو تن از مراجع نیز به استفتایی در این زمینه پاسخ داده و یک تن از آنان تصریح کرده اند که اگر فرد رشد عقلانی اش محرز نشده باشد حد بر او جاری نمی شود. با این حال چنین فردی در آستانه اعدام قرار گرفت و حکم به اجرای احکام ابلاغ شد ولی با رضایت اولیای دم در قبال اخذ دیه محمود لطیف پس از ۳ سال و ۴ ماه حبس آزاد شد.

یکی دیگر از مواردی که با بررسی احکام متعدد شعبات بدوی و تجدید نظر و دیوانعالی کشور دارای نکات مهم و قابل تأملی از لحاظ حقوقی است پرونده ناصر قاسمی متولد ۱۳۶۳/۴/۲۵ است. پرونده جوان ۲۳ ساله ای که از ۱۵ سالگی به اتهام قتل در زندان کرمانشاه به سر می برد به شعبه اجرای احکام فرستاده شد تا وی پس از تحمل ۸ سال زندان برای اجرای حکم قصاص پای چوبه دار برود. انجمن حق حیات که همت خود را وقف جلب رضایت از اولیای دم کرده و تاکنون موفقیت های چندی داشته است در مورد این پرونده

نیز فعالیت هایی را سازمان داده و علاوه بر تلاش برای جلب رضایت شاکی نامه نگاری هایی را نیز از جمله خطاب به مقامات قضایی انجام داده است. در گزارشی که به وسیله یکی از اعضای این انجمن و با همکاری مسئول آن تنظیم شده آمده است:

ناصر قاسمی اهل روستای سیاه کمر سفلا شهرستان ماهی دشت کرمانشاه در تاریخ ۱۳۷۸/۵/۲۹ به همراه عموی خود ساعت ۹ شب برای سرقت مقداری ذرت به مزرعه ای در حوالی روستای قلعه نجفعلی خان، ماهدشت کرمانشاه می روند در حین سرقت دوتن از کشاورزان مزرعه به نام های محمد علی و عبدالرضا در حال آبیاری متوجه سرقت محصولات خود می شوند و با سارقین که مسلح به سلاح بودند درگیر می شوند در این درگیری ناصر قاسمی به همراه عموی خود پس از شلیک چند گلوله از محل حادثه متواری می شوند. در این حادثه محمدعلی بر اثر جراحات وارده جان خود را از دست داده و عبدالرضا نیز به شدت مجروح می گردد. عبدالرضا پس از ۲۰ روز به هوش آمده و هویت سارقین را که تا آن زمان ناشناس بودند فاش می کند و ناصر قاسمی به عنوان یکی از ضاربین دستگیر شده و عموی وی نیز متواری می گردد اما ناصر قاسمی در تاریخ ۷۸/۶/۲۵ شناسایی و دستگیر می شود. نوجوان ۱۵ ساله پس از دستگیری در مراحل بازجویی و دادگاه در شرح ماجرا عنوان می دارد "عمویم با یک الاغ به دنبال آمد تا با هم به سرقت ذرت برویم. ا و با خود یک اسلحه به همراه داشت. در حین سرقت،

محمدعلی (مقتول) که متوجه ما شده بود با عمویم گلاویز شد. او از عمویم پر زورتر بود بنابراین عمویم فریاد زد که ناصر به دادم برس او را با اسلحه بزن من هم ترسیده بودم و شلیک کردم سپس عمویم اسلحه را از من گرفت و چند تیر هم او شلیک کرد. ما پس از حادثه از آن محل فرار کردیم و عمویم با اسلحه به خارج از روستا رفت. "ناصر قاسمی کودک ۱۵ ساله به عنوان تنها متهم دستگیر شده پرونده یک سال بعد در اول آبان ماه سال ۷۹ در شعبه ۱۵ دادگاه عمومی کرمانشاه مورد محاکمه قرار گرفت. قاضی رسیدگی کننده با توجه به این نکته که متهم در زمان ارتکاب جرم تقریباً ۱۵ سال سن داشته و با استناد به ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی که اطفال را مبری از مسولیت کیفری می داند وی را مستحق قصاص ندانسته و متهم را با استناد به ماده ۶۱۲ قانون فوق الذکر به موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه به ۳ سال حبس محکوم می نماید و عاقله وی محکوم به پرداخت دیه می شود. رای صادره در شعبه ۳۷ دیوانعالی کشور خلاف بین شرع تشخیص داده شد و مورد نقض قرار گرفت چرا که در تبصره یک ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی در تعریف طفل می گوید "منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد". اگر چه قانون مجازات اسلامی هیچ معیار مشخصی در تعریف حد بلوغ ندارد اما تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ را در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختران ۹ سال تمام قمری عنوان می دارد و ناصر قاسمی در زمان ارتکاب

جرم ۱۵ سال و یک ماه سن داشته است لذا به اتهام او بار دیگر در شعبه ۲۹ دادگاه عمومی کرمانشاه رسیدگی می شود و قاضی رسیدگی کننده به پرونده با استناد به اقرار متهم در مراحل بازجویی وی را محکوم به قصاص می کند اما رای صادر توسط شعبه ۳۷ دیوانعالی کشور با استناد به اینکه دادگاه صادرکننده رای اثبات اتهام را اقرار و اعتراف متهم دانسته و طبق تبصره ماده ۵۹ قانون آئین دادرسی کیفری چنانچه مستند دادگاه در اثبات اتهام، اقرار متهم باشد الزامی است که اقرار نزد حاکم صادر کننده رای باشد و این در حالی است که متهم اقرار صریح به قتل ندارد لذا رای صادره رانقض می کند اگرچه متذکر می شود که ظاهراً متهم در شعبه ۱۴ اعتراف به اصابت گلوله از سوی خود به مقتول کرده است. در رسیدگی مجدد ناصر قاسمی با رد اعترافات خود در مراحل اولیه بازجویی عنوان می دارد "زمانی که با عمویم به سرقت ذرت رفتیم عمویم شیر حسین اسلحه خود را به دست من داد و خودش به قصد سرقت ذرت درون مزرعه رفت من هم داخل مزرعه بودم و کسی را ندیدم ذرت ها بلند بودند و پرپشت، هواهم تاریک، ناگهان صدای فریاد آمد و عمویم می گفت ناصر به دادم برس مرا گرفتند، کشتند و از این حرفها من با اسلحه ای که در دست داشتم برای ترساندن اقدام به شلیک یک تیر هوایی نمودم حالا نمی دانم با این تیر چگونه و چه کسی کشته یا زخمی شده است. من و عمویم بعد از تیر اندازی متواری شدیم " اگرچه وی این بار نیز از سوی

شعبه ۳۳ با استناد به بندهای ۲ و ۴ ماده ۲۳۱ (شهادت شهود و علم قاضی) و مواد ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۹، ۲۲۶، ۲۲۷ و ۲۲۸ قانون مجازات اسلامی محکوم به قصاص می شود اما متهم در دادگاه بارها عنوان می دارد که اقدام به شلیک از سوی وی ناشی از ترس و به سوی هدفی نا معین بوده است و در تاریکی شب تنها صدای درگیری و بلا فاصله فریاد عمومی خود را در موقعیتی که از وی کمک می خواهد شنیده و شروع به تیر اندازی به سمت و هدف نا معین می کند. این در حالی است که نظر غالب و فتوای فقها (از جمله فتوای حضرات آیات گلپایگانی و خامنه ای) این است که اگر قتل به مصداق «ما قصد لم یقع و ما وقع لم یقصد» رخ دهد یعنی آنچه مقصود قاتل است واقع نشود و یا آنچه واقع شود مقصود قاتل نباشد تحقق قتل عمد محل تردید است.

با این حال رای صادره از سوی دیوانعالی کشور مورد تأیید قرار می گیرد اما حکم صادره در مرحله استیذان به دلیل عدم رعایت قوانین شکلی و رسیدگی به اتهامات در دادگاه غیر صالح به غیر از دادگاه اطفال و با استفاده از ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه مورد نقض قرار می گیرد. در همین حین عمومی ناصر قاسمی دیگر متهم پرونده که به مدت چهار سال متواری بود دستگیر می گردد. عبدالرضا یکی از طرفین پرونده که در درگیری مجروح شده بود و ناصر قاسمی را به عنوان قاتل مورد شناسایی قرار داده بود خودکشی می کند و شیر حسین عمومی ناصربه تیر اندازی از سوی

ناصر اعتراف می کند و از سوی شعبه ۳۳ به ۳ سال حبس و پرداخت دیه به خانواده عبدالرضا محکوم می گردد و دادگاه اطفال رسیدگی کننده به اتهام ناصر نیز با توجه به اقرار وی در مرجع انتظامی و نزد دادرس رسیدگی کننده وقت، او را محکوم به قصاص می نماید. رای صادره در واپسین روزهای سال ۸۵ مورد تأیید دیوانعالی کشور قرار می گیرد و در مرحله استیذان پرونده برای حل و فصل به شورای حل اختلاف کرمانشاه ارسال می گردد اما خانواده متهم به دلیل عدم توانایی مالی در تهیه ۱۵۰ میلیون تومان پول درخواستی اولیاءدم نمی توانند با شاکی به توافق برسند و لذا پرونده برای اجرای حکم قصاص در اواخر بهمن ماه سال جاری (۱۳۸۶) به اجرای احکام فرستاده می شود و قرار است وی پس از تحمل ۸ سال زندان پای چوبه دار برود. (مأخذ: رأی دادگاه- پیوست-مصاحبه با خانواده محکوم و پیگیری وضعیت وی و گزارش منشر شده در کارگزاران شماره ۸/۱۲/۱۳۸۶)

ناصر قاسمی یکی دیگر از محکومین به قصاص زیر ۱۸ سال است. وی در زمانی به چوبه دار نزدیک می شود که شاید اگر لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان زودتر مورد رسیدگی در صحن علنی مجلس قرار گرفته و تصویب می شد هرگز پای چوبه دار نمی رفت.

سیر حادثه منجر به قتل که با استفاده از رای دادگاه حکایت شد نشان می دهد ناصر قاسمی یک نوجوان روستایی قربانی است.

قربانی ۱- فقری که برای آن به سرقت ذرت رفته اند ۲- طمع عمومی خویش که او را ناخواسته وارد ماجرای کرده و خود گریخته است. ۳- به عبارت دیگر ناصر یک اغفال شده است. ۴- رفت و برگشت ها و نقض های مکرر وادله برخی شعبات صادر کننده رای مبنی بر طفولیت او ویا اتکای اثبات جرم به اقرار او و نیز انکار های بعدی ناصر نشانگر ورود شبهات جدی در پرونده است و به حکم ادرء الحدود عند الشبهات باید نقض شود اما ناصر قربانی بی توجهی به این موازین حقوقی و فقهی است. ۵- او قربانی تعلل در تصویب لایحه رسیدگی به جرایم اطفال است حال آنکه بدون تصویب آن نیز تعهد ایران به کنوانسیون حقوق کودک و میثاق بین المللی مدنی و سیاسی برای جلوگیری از اجرای حکم کفایت می کند. پس از آنکه ناصر قاسمی نزدیک به ۸ سال است که در زندان به سر می برد خانواده اولیای دم خواهان ۷۰ میلیون دیه هستند که خانواده متهم توان پرداخت دیه را ندارند. این در حالی است که اساسا محکومیت وی به قصاص حتی طبق قوانین جاری ایران نیز محل مناقشه جدی است.

## منابع

### بخش اول

قرآن کریم، ترجمه های مکارم شیرازی والهه قمشه ای وبهاء الدین خرمشاهی اولیایی، حمید. پایان نامه تخصصی پزشکی قانونی بررسی توصیفی اختلال هذیانی و مسئولیت کیفری در مبتلایان ارجاعی به مراکز روانپزشکی و پزشکی قانونی تهران بزرگ در سالهای ۱۳۷۹ لغایت ۱۳۸۴ (تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی تهران دانشکده پزشکی. ۱۳۸۵).

کلینی، اصول کافی. ج ۷

مطهری، مرتضی، امدادهای غیبی در زندگی بشر (انتشارات صدرا - چاپ دهم - ۱۳۷۷ - تهران)

به نقل از: **مرعشی** آیت الله. مجله حقوقی دادگستری. شماره ۴۵ زمستان ۱۳۸۲. میزگرد بزهکاری اطفال در حقوق ایران با حضور سید محمد حسن مرعشی، علی حسین نجفی، سید حسین میر محمد صادقی. ص ۱۵

**جمشیدی**، دکتر علیرضا. مجله حقوقی دادگستری شماره ۴۵ زمستان ۱۳۸۲ مقاله: **گفتمان جنایی در لایحه قضایی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان. فلسفی**، محمد تقی. گفتار فلسفی: کودک از نظر وراثت و تربیت. (تهران. انتشارات الحدیث. ۱۳۶۸)

**باقی**، عمادالدین، روزنامه شرق، یکشنبه ۱۳۸۲/۶/۳۰ سرمقاله: **اجتهاد مدام**

**باقی**، عمادالدین، سیاست نامه (مجله ویژه حقوق بشر) ضمیمه روزنامه شرق شنبه ۱۳۸۵/۳/۶ مقاله پژوهشی **کانون های نزاع اسلام و حقوق بشر**

**شورای عالی قضایی**، پاسخ و سوالات از شورای عالی قضایی، ص ۸ سوال ۷

**صانعی**، آیت الله یوسف. فقه وزندگی ۷ (بلوغ دختران) (قم. انتشارات میثم تمار. ۱۳۸۵)

**طباطبایی**، علامه سیدمحمد حسین، المیزان (دوره ۲۰ جلدی)، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی (تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳) و جلد ۱ ترجمه مکارم شیرازی

**مکارم شیرازی**، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳)

**موسوی غروی**، محمدجواد، مبانی حقوق در اسلام (به ضمیمه رساله بلوغ) (اصفهان، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳)

**مهریزی**، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲)

**مطهری**، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲ (تهران، صدرا، چاپ ششم، ۱۳۷۵)

**مطهری**، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام (تهران. صدرا. ۱۳۷۶ چاپ ۱۳)

**مطهری**، مرتضی، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی (تهران. حکمت. ۱۴۰۳-ق)

**الحسنی**، اسماعیل. مقاصد شریعت از نگاه این عاشور. ترجمه: مهدی مهریزی (قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۳)

**الطبرسی**، الشیخ ابی علی الفضل بن الحسن. مجمع البیان (بیروت. دارالمعرفه. ۱۴۰۸-۱۹۸۸م)

**منتظری**، آیت الله شیخ حسینعلی. اسلام دین فطرت (قم. سایه. ۱۳۸۵)

**مطهری**، آیت الله مرتضی. فطرت (تهران. انجمن اسلامی دانشجویان. ۱۳۶۱)

**محقق داماد**، دکتر سید مصطفی، حقوق بشردوستانه بین المللی (رهیافت اسلامی)، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران ۱۳۸۳

الصابونی، الشيخ محمد علی. التفسیر الواضح المیسر (بیروت. نشر الافق. ۱۴۲۲هـ- ۲۰۰۱م)

الجبعی العاملی، زین الدین. روضه البهیه فی شرح للمعۃ الجزء الثاني (قم. مکتب الاعلام الاسلامی ۱۴۱۶ ق ۱۳۷۴ ش) کتاب التدبیر. المکاتبه. الاستیلاذ  
السید البروجردی، جامع أحادیث الشیعۃ، ج، ۱۳ مصادر حدیث شیعہ، عام المطبعۃ العلمیۃ، قم، منشورات مدينۃ العلم، آية الله العظمی الخوئی، قم  
حر عاملی. وسائل الشیعۃ (آل البيت)، (دوره ۲۰ جلدی) الثاني، ۱۴۱۴، مهر قم، مؤسسۃ آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث بقم المشرفۃ. در همین منبع بنگرید به باب- ۲۴ مقدمات حدود. قاعدة درأ «ان الحدود تدرأ بالشبهات».  
خمينی. آیت الله روح الله. تحرير الوسيله (بیروت. سفارت ج. ا. ا. ۱۴۰۷-۱۹۸۷م)  
يزدی، آیت الله سيد محمد كاظم. عروه الوثقی. (قم. مکتب داوری. بی تا) ج ۳ کتاب القضا

عمادالدين ابی جعفر محمدابن علی الطوسی . الوسيله الى نیل الفضيله. نشر مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی . قم . ۱۴۰۸ هـ. ق.  
الحلی، العلامه جمال الدين الحسن بن يوسف. تذكره الفقها.. نشر مکتبه المرتضويه لاحياء الآثار الجعفريه . طهران. ج ۱  
الاحسايی، الشيخ محمدبن علی . عوالی اللالی. نشر مکتبه المرعشی . قم. ۱۴۰۳ هـ  
صحيح البخاری ، دار احیاء التراث. ج ۱  
صحيح مسلم ، کتاب الطهارة باب السواک ج ۱

Hashemi, Kamran, 'Religious Legal Traditions, Muslim States and the Convention on the Rights of the Child: An Essay on the Relevant UN Documentation', ۲۹ Human Rights Quarterly (۲۰۰۷)

Encyclopedia Britannica-Vol. ۸ Re: Adolescence

Theodore Millon, Paul H. Blaney & Roger D. Davis –  
Oxford Textbook of Psychopathology – New. York,  
Oxford, Oxford University Press .۱۹۹۹

### بخش دوم

ایران: آخرین اعدام کننده کودکان. بیانیه عفوبین الملل(لندن.  
ژوئن ۲۰۰۷) فارسی ۴۹ صفحه-انگلیسی.

روزنامه های همشهری، ایران و کیهان در دوره دهساله ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶  
آرای صادره دادگاهها که متن تعدادی از آنها در بخش ضمایم آمده اند.  
روزنامه کارگزاران شماره ۴۴۴، چهارشنبه، ۸ اسفند، ۱۳۸۶ صفحه اجتماعی

### سایر منابع

همچنین به مدخل های execution-humanright-child-human  
behavior در دایره المعارف های زیر مراجعه گردید:

**Encyclopedia Britannica. Macropædia. knowledge in  
Depth  
Vol. ۸(Adolescence-human behaviour-development of)**

**Britannica Micro pædia Ready Refrence  
Vol. ۳ and Vol. ۶**

**The Encyclopedia Americana**  
**Volume ۱۰**

دايره المعارف البستاني (دارالمعرفه. بيروت) مدخل: الطفل  
الموسوعه العربيه. الجلد الثاني عشر (دمشق. ۲۰۰۵) الطفل والطفوله. ص ۵۷۵-  
۵۸۰ احمد علي كنعان